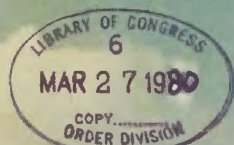


۱۳



A-P
77-938031



ژوندون

اطلاعات مجله (وکیل)

شماره ۱۳۵۸
۲۳ فروردی ۱۳۸۰

شماره ۴۹
سال ۳۱

نیت یکشنبه ۱۳۸۰، افغانی

تاریخچه
دانشگاه فرهنگ و هنر

گوشه‌های
ایمان
چه اثراتی درخواهد داشت؟

امداد شرفی برای اسپسواران



خلق افغانستان طی محفلی بعد از ظهر اول حوت
بایانیه د سنگم پنجشیری عضو پوری
سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان و عضو شورای انقلابی جمهوری
د افغانستان و افغانستان در انستیتوت پولی تخنیک
افغانستان

کتاب پرلوسی تمبر
وزیر امور سرحدات سا عت

۱۱ قبل از ظهر اول حوت در دفتر کارش
باتون کوانتک کوشارز دافیر سفارت کبرای
جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی
بعمل آورد .
وهكذا فضل الرحيم مومند وزیر زراعت
و اصلاحات ارضی بعد از ظهر اول حوت در دفتر
کارش باتون کوانتک کوشارز دافیر سفارت
کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات
تعارفی بعمل آورد .

* * *

بروتوکول همکاری در ساحه نشراتی
طباعتی و فروش کتب شام سی دلو بین وزارت
اطلاعات و کلتور و کمیته دولتی اتحاد شوروی
در امور نشراتی، طباعتی و فروش کتب در کابل
عقد شد .

* * *

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور
خارجه تلگرام تبریکه به مناسبت تقصیر
جلالتنام نگزین کوتج بحیث وزیر امور
خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام به هانوی
مخابره گردیده است .



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای انقلابی و صدراعظم هنگامیکه هیات سازمان عفو
بین المللی را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند

به مناسبت انتخاب جلالتماب ادوارد گریک
بحیث منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد
کارگری پولند به وارسا مخابره گردیده
است .

* * *

اسدالله سروری عضو پوری سیاسی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،
معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم شام
۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .
اسدالله سروری باتفاق شیرجان مزدوریار

وزیر ترانسپورت و تودیزم و دگرمن نظر محمد
قوامندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی
برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به
تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

* * *

فا کو نه ژورنالیزم وابسته به انستیتوت
علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

رفیق کیمال سونگ منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب کارگر کوریا و رئیس کمیته
جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت
انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابله ابراز
یقین نمودند که مناسبات دوستی و همکاری
بین خلقهای هر دو کشور از طریق میارزات
شان بر ضد امپریالیزم وارتجاع بین المللی
بیش از پیشی انکشاف می یابد .

* * *

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف بیرک کارمل منشی عمومی

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه

اختصار وقایع مهم

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۲۵ دلو
هیات سازمان عفو بین المللی را در مقر
شورای انقلابی پذیرفتند .
در جریان این ملاقات با اعضای هیات که
شامل ممتاز سوسل و ایران تیرلینون می
باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات
حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین
انقلاب نور بکلی احیا گردیده است .

* * *

جلسه شورای وزیران تحت ریاست بیرک
کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک

افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر
تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایر
گردید .

* * *

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه عصر
۲۶ دلو هیات جبه مردم برای آزادی فلسطین
را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات
پذیرفتند .

* * *

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ضمن تشریح صمیمانه از پیام تبریک



مجید سربلند وایوان کاروفکین هنگام امضای پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی و طباعتی
و فروش کتب بین وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته دوستی اتحاد شوروی و امور نشراتی

«کارگران و دهقانان زحمتکش»

کاسبان و تاجران افغانستان!

از شما واز هر فرد وطنپرست کشور دعوت می نمایم در هر جایکه هستید سر بلند و باغور و مطمئن، کار های تازه را انجام دهید، برای انتقال و عرضه اجناس و مواد لازمه که برادران و خواهران، پدران و مادران و اولاد های شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و فداکارانه کمک و مساعدت کنید، به تبلیغات خائنه و دروغ های دشمنان افغانستان گوش فرا ندهید و فریب نخورید. دولت مصونیت، امنیت و آزادی های شما را تامین و تضمین خواهد کرد.»

«بیرک کارمل»

شنبه ۴ حوت ۱۳۵۸، ۲۳ فوروری ۱۹۸۰

راهما، راه حق و بمنزل رسیدنی است

و برخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون و گوشت مردم زحمتکش، ساخته شده است، با عملیات تخریبکارانه به آتش کشیدند، چه کسانی بوده اند که عراده ها و دوکانهای مردم را طعمه حریق نمودند؟ وجه کسانی بوده که میخواهند مریضان را در حالت بی دوايي، اطفال را در حالت بی شیري و ساکنان شهر را در حالت گرسنگي با نظار مرگ نشانند؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت اند و این قاتلان حرفه ای که از گوشت انسان تغذیه میکنند از جانب گروهاندگان ماشین های جنگی امپریالیزم، مأمور قتل خلق بیگناه شده بودند. آنها با حساب غلط شان بر خود انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان را دال بر ضعف آن نمود، و اعلامیه های مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های دموکراتیک مردم نادیده گرفتند اما سرانجام چنانکه با داران شان بارها در برابر مردم مازانو در آمده اند، این ریزه خوران آنها را دیگر بر شکست ننگین توطئه گبران و آشوبگران امپریالیستی و ارتجاعی شان افزودند و لکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت کوییدند.

ما چنانچه بارها حقانیت انقلاب خود را در عمل ثابت نموده ایم با باتکارسا اعلام میداریم که راه ما حق است، ما بدون هراس پس پیش میرویم و به این ایمان داریم که حق بر باطل پیروز شدنیست.

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

خدمت زلت می برد و رضایت خبیثانه و لیبمناشی را غنیمت شمرده و با لا ترا از هر چه میداند حتی از کرامت و شرف انسانی!

پس تصادفی نیست که امپریالیزم جهانخوار امریکا، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی شونیزم یکن، قلاده ارتجاع منطقه خصوصاً ارتجاع نظامی پاکستان و امپریالیزم اسرائیل را در دست گرفته، گاهی بجان خلق ریخته کشیده

افغانستان و زمانی هم بجان خلق آواره و بیگناه فلسطین مبادازند.

مردم ستم دیده ما که پس از تحویل قرنهای رنج و بد بختی، با پیروزی انقلاب شکوهمند نور زنجیر های اسارت را شکستند و با امیدواری کامل بسوی فردا های شگوفان مینگریستند یکبار دیگر در پنجه بیداد امین خود گام گیر مافتند، چه غذایهای که ندیدند و چه رنجبای که نکشیدند. ولی با یورش بر امان ششم جدی که امین سفک و باند بی باک آن به کفر اعمال ضد انسانی شان رسیدند، آقای کارتر و متحدینش به سوگت امین نشستند و به عنوان اینکه حفیظ الله، «امین» شان بود خود را مستحق مداخله در امور داخلی افغانستان میدانند!

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار دیگر پرده جنایات شوم امپریالیزم امریکا و دستیارانش را از هم درید و چهره شوم و شیطانی این جنایتکاران تاریخ را به همشهریان کابل و همه هموطنان غذایده ما نمایان ساخت.

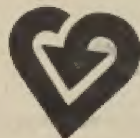
بیاید به بنیم که چه کسانی حادثه روز سوم حوت را در شهر کابل بیار آوردند

هموطنان شریف و آزادی پسند ما و خلتهای سراسر جهان بخوبی میدانند که ارتجاع و امپریالیزم، دشمنان آشتی یا پذیر و شناخته شده بشریت بوده و همواره در تلاش اند تا راه های رفاه و ترقی را بر مردم سد نمایند، زیرا آنها در پیشرفت و ارتقای خلق بسوی افق های درخشان زندگی، نابودی حتی خود را می بینند.

این فزدان بی مروت که بقای شانرا در ظلمات جستجو می کنند از نور و روشنائی در هراسند و این خفا شان خون آشام با انوار زرین خورشید انقلاب مردمی که گر مایخی زندگی خلتهای رنج دیده می باشد از اصل وریشه در تضاد بناء با آن سر مخاصمت را در پیش گرفته و لجوجانه در برابر آن قرار میگیرند.

از همینجاست که امپریالیزم جهانی به سرمداری امپریالیزم جنایتکار امریکا با شونیزم جینی در تبانی با ارتجاع بین المللی و ارتجاع سیاه داخلی در يك جبهه نامقدس بر ضد انقلاب شکوهمند شور و بالخصوص در برابر مرحله نوین تکامل تاریخی شش جدی آن که نماینده راستین و چاکر گوش فرمان شان امین خونخوار را سرنگون ساخت خضمتك گردیدند و با تلاش های مذبحخانه و دیوانه وار با اعمال خائنه دست می زنند.

ارتجاع و امپریالیزم که متضمن بقای یکدیگرند و در قاراج هستی خلقها دست شریک دارند از مدتهاست که بکار برد حیل و نیرنگهای مونا کون هست و بود مستغفین جهان را دست بردمی زنند و با آنکه ارتجاع را درین چپا ولها جندان چیزی هم نمیرسد و اصطلاح از «گاو غدودی» را نصیب میگردد مگر با آنهم از خوش



د نوریال پیوستون به قینگیت کی
د مسلمانانو ترمنخ د تماسوق اهمیت.

مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند شور.

بخاطر يك آینده بهتر برای تمام اطفال.

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های
تجاهمی ایالات متحده، توازن قوا را در جهان
برهم میزند.

باچ - یولنه داستان.

نگاهی بر رباعیات خیام.

به آسیا و افریقا کی دباداری نظامونه.

چگونه بپارزه با حواصت آدمیزاد را
مصونیت می بخشد.

نجات از چنگال دژخیمان طاعون.

د باوری از لیلام قره قل افغانی.

مشکل بحران انرژی در جهان.

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم
و تربیه که در مسابقات اخیر جامهای
قهرمانی را حاصل نموده اند.

بشتی اخیر یکی از شاگردان لیسه ذرغونه
دادد لباس مقبول صفحات مر کزی کشور
می نمایاند.

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف
گل دوزی نشان میدهد.

«عکاسی باختر آژانسی»

د مسلمانانو تر منځ د تماسو نو اهميت

په ۱۹۸۰ کال کې د شوروي اتحاد
د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو

پس منظر

هادی اعظم الا کبر د شو روی
سوسیالیستی جما هیرو د اتحاد
د مسلمانانو داسلا می ټو لنی د نړۍ -
والو اې ټکو د رئیس مرستیال په دی
ورو ستیو وختو نو کی د مسلمانانو
تر منځ د مستقیمو تما سو نو او په
یوزرو نهه سوه اتیا وم کال کی د
شو روی اتحاد د مسلمانانو د مهمو
پروگرامونو د پس منظر په
باب دنو وستی پر س دا ژا نسل له
استا زی سره یوه اختصا صی مر که
کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو:

پو نښته :

که لطفًا د شو روی سو سیا لیستی
جما هیرو د اتحاد د نړیوالو تما سونو
اود هغه نقش په باب چی ستا سو
ځانکه یی پکی لو بوی لږ څه معلومات
راکړی !

خواب :

د خا وری د پرا خوا لی اوجغرا -
فیا یی مو قعیت له مخی د مسلمانانو
څلور بور دو نه په شو روی اتحاد
کی جوړ اوتا سیس شوی دی. لو -
مړی بور دمر کزی آسیا او قزا -
قستان د بور د څخه عبا رتدی.
دو هم او دریم بور دو نه دشما لی
کاکا سو س دوترا نسکاو کا سیا
بور دو نه دی په داسی حال کی چی
په څلو رم بور د کی دسا پیر یاسیمه
شا مله ده . تر کو می اتدا زی چی
په مذ هبی فعاً لیتو نو پو ری اېه
لری دغه څلور وا په بور دو نه خپلی
مذ هبی چا ری په مستقل او خا -
نکړی تو گه تر سره کوی. د شوروی
اتحاد د مسلمانانو د بین المللی
اېکو ټولنه چی مشر یی مفتی ضیا -
الدین خان ابن احسان بابا خان

یکی او مستقیم تماسونه ټینګ او
بیا وړی کړی . دغه ټولنه وظیفه
لری چی د شو روی اتحاد مسلمانانو
د پاره بهرنی سفرونه تنظیم کاندی
ددغی مو سسی بله وظیفه داده چی
شو روی اتحاد ته دبهر نیو هیوادود
مسلمانانو دراتګ په وختو نو
کی دهغوی داوسیدو د پاره لازمی
آسا نتیا وی برا پری کړی . همدا
رنګه په مرکزی آسیا او د شو روی
اتحاد په نورو سیمو کی داسلا می
مرکز ونو او تاریخی آثارو د کتنی
د پاره د آسا نتیا و برا بر ول ددغی
موسسی یوه مهمه وظیفه تشکیلوی.
ددغه اصل له مخی د شو روی اتحاد
د بیلو بیلو برخو مسلمانانو کو لای
شی چی د ذکر شوی موسسی په
مرسته او همکارۍ د کال په پیلا
بیلو موسسونو کی داسلا می



د شوروی اتحاد مسلمانان د دیني کتابونو او اسلامي آثارو د خپرلو په حال کی

مرکز نو څخه کتنه وکړی او تاریخی
آثار له نزدی څخه وگوری .

ددغه حقیقت دپه نظر کی نیولو
سره چی د شو روی اتحاد دمر کزی
آسیا اود قزا قستان د پاره د مسلمان -
نانو بور د نړی دغه دپا سه او پا
هیوادو نو سره په تما س کی دی
هر څوک دا اټکل کو لای شی چی د
شوروی اتحاد ټولو څلور گو نو
اسلا می بور دو نو نړیوال تماسونه
څو مړه او په څه ډول تنظیم او ارز -
یابی کیري .

په پورتنیو ټکو علاوه باید وییل
شی دچی د شو روی اتحاد د مسلمان -
نانو د نړیوالو تما سو نو ټولنه هر
کال داسلا می تعلیماتو په باب
دمعلوما تو دپرا خوا کو لو د پاره دهغه
هیواد یوزیات زده کوونکی او محصلین
دلور و زده کړو په غرض بهر نیو
هیوادو نو ته استوی . تر اوسه پور
ددغی ارتبا طی موسسی له لاری
څخه یوزیات شمیر ځوان زده کوو -
نکی او محصلین المغرب ، سور یی ،
اردن ، لیبیا اود ځینو نورو هیوادونو
ته استول شویدی .

دغه ځوان محصلین په بهر نیو
اسلا می هیوادونو کی دمعلوما تو
دپرا خوا کو لو او لوړو زده کړو له
پای ته رسیدلو څخه وروسته
بیرته شوروی اتحاد ته را ستنیري
اوپه بڅا را ، تا شکند او نو رو
اسلا می مدرسو او مرکزونو
کی په تدریس بوختیري .

د شو روی سو سیا لیستی جما -
هیرو اتحاد مسلمانانو په دوه اېه -
خیزو تما سونو سر بیرته دیوزیات
شمیر نورو فعاً لیتو نو سره هم
سر اوکار لری . په پخوا نیو کلونو
کی د شو روی اتحاد د مسلمانانو
د بور د ډله خوا یوزیات شمیر نړی -
وال کنفرا نسونه تنظیم او پرانستل
شویدی او په هغو کی د آسیا ، افر -
یقا او منځنی ختیځ له هیوادونو
څخه یوزیات شمیر اسلا می مشرانو
برخه اخستی ده . ۱۹۷۰ او ۱۹۷۳
کلونو په اوږدو کی د فلسطینی
عربی وگړو ددایمی په ملا تیرد
اسلا می هیوادونو یوه نړیواله
جرگه په شو روی اتحاد کی جوړه
شوه . په دغه جرگه کی د عربی
وگړو دحقه حقو قو دا دا دی اودغه
راژ د فلسطین ولسونو د خا وری او
ملی حاکمیت د تضمین او بیر ته
اغا ده کیدو سره نړیوال پيو ستون
څرگند او داسرا ټیلی تیری کوونکو



د دوشنبې دېنار په یوه جومات کې داسلامي تبليغاتو یوه څڼه

په څه ډول دی ؟

ځواب :

په دوشنبه کې دتير کال داسلامي سمپو زيم دجوړيدو په تعقيب او دوام ټاکل شوی ده چې د۱۹۸۰ کال دسپټا مبر په مياشت کې دتا شکند په ښار کې داسلامي هیوادو نو داستا زو په گډون یو نې یوال کنفرانس جوړشي. همدا رنگه تجويز نیول شوی دی چې په روان کال کې هم دهجرت د مراسمو دنما نخلو په باب ستړی غوښتنه یو شي .

پوښتنه :

آيا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون به چې دروان کال دجولای په میاشت کې په شو روی اتحاد کې جوړی شي پاتې په ۵۰ مخ کې

هیوادو داستا زو له خوا مقالی ولوستلی شوی او کنفرانسونه ورکړل شول . باید وویل شي چې په دغو ټولو کنفرانسونو ، سمپو-زیمونو او میتینگونو کې دافغانستان عا لمانوالو په رتبه استازو برخه واخسته . همدا رنگه په دغو ټولنو کې دافغانستان ددمو کرا تیک جمهوریت په استازو علاوهد بنګله دیش ، لیبیا ، لبنان ، هند ، پاکستان ، اندونیزیا ، ایران ، تونس ، المغرب ، مالی او ځینو نورو اسلامي هیوادو همدا توگه گډون کړی و .

پوښتنه :

په ۱۹۸۰ کال کې دشو روی سو سیالیستی جما هیرو داتحاد مسلمانانو پلانونه او پروگرامونه

په وینا سره پرانستله شوه داسلامي هیوادو دحکومتونو او مذهبي مشرانو په نامه دوه ځانګړي پریکړه لیکونه او ابلاغیه صادرې او تصویبې شوي . د۱۹۷۷ کال په تاریخي اسلامي کنفرانس کې دټولو اسلامي هیوادونو ترمنځ دگډو مرستو او خورا ځیرو همکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینګار وشو او د نړۍ دټولو اسلامي هیوادونو څخه وغوښتل شول چې دنړۍ دملتونو او بیلابیلو مذهبونو ترمنځ دښه نیت او غوره تفاهت اساساتو دپیاوړتیا او دغه راز دسولې او نړیوال امنیت دټینګښت دپاره سره یو موټی شي همدارنگه داسلامي هیوادونو ترمنځ دزیاتو همکاریو دپیاوړتیا له پاره د۱۹۷۹ کال څخه تر اوسه پورې په نورو هیوادونو کې دغه لاندې کارونه ترسره شوي دي :

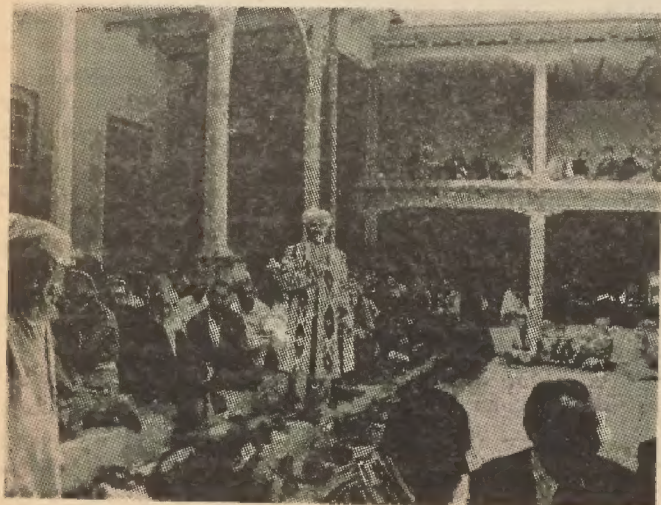
۱۹۷۹ کال د اګست په میاشت کې دشوروی اتحاد په ختیځو برخو کې دمسلمانانو دلوړې اسلامي ژورنال دخپريدو دلسمي کاليزي دمرا سمو دنما نخلو په خاطر یوه ستره غونډه وشوه او په هغې کې دنړۍ دیو زیات شمیر اسلامي هیوادونما یښه گاونو او لوړ رتبه استازو برخه واخیسته . وروسته همدې کال دسپټا مبر په میاشت کې دهجرت دخوار لسمې پیړۍ د شروع کیدو دنما نخلو په مناسبت ددوشنبې په ښار کې دنړۍ داسلامي هیوادو دعا لمانو په گډون یو سمپوړیم جوړ او ددغې ورځې په ارتباط دبرخی اخستو ونکی

مقاماتو څخه غوښتنه وشوه چې ددې غونډې دسیمو څخه دی خپلې قواو ویو باسي . دغه راز په دغه جرگه کې ددې وګړو سره دهر ډول مادی او معنوي مرستو دور کو لو وعده وشوه .

په ۱۹۷۴ کال کې د«ابو عبداللہ محمد ابن اسمعیل البخاری» دزیریدو ۱۲۰۰ کالیزې مراسم په لومړۍ سو په یوه شوروي اتحاد کې په ځای شول . په ۱۹۷۶ کال کې دنړۍ دبیلابیلو اسلامي هیوادونو یو زیات شمیر مسلمانان دقزاقستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامي پورونو دجوړیدو دشلې کالیزې په مراسمو کې دبرخی اخستلو په غرض شو روی اتحاد ته راغلل .

همدا رنگه په هغه نړیواله جرگه کې چې ددایمي سولې په ټینګښت کې داسلامي هیوادو دمنځه یې مشرانو دونهی اخستلو په باب په ۱۹۷۷ کال کې په مسکو کې وشوه دنړۍ څخه دپاسه ۱۰۷ هیوادونو څخه شپږ سوه پنځو ستره او تاریخي غونډه کې دنړۍ دخوار لسم اسلامي هیوادونو څخه دپاسه سلو ټولنپورته عا لیاو علمی شخصیتونو داسلامي نړۍ دیووالی په باب وینا ویکړې او خپلې مقالې ولوستلې .

په دغه غونډه کې چې دشو روی سو سیالیستی جما هیرو داتحاد دمسلمانانو دپورددمشر مفتی ضیاع الدینخان ابن احسان با خان



دجومات خطیب په نړۍ کې دسولې او امنیت دټینګښت په پاب لمانځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کې

حق دارد که مناسک مذهبی‌شان را آزاد وبدون ترس اجرا بدانند.

● در طول این دو ماه که از مرحله نوین انقلاب تور می گذرد، کدام يك از کارهای دولت از نظر تان چشمگیر است؟

من بصفت يك زن وظیفه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کارهای پرارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب تور جامعه عمل پوشیده است بنظر من در طول این مدت کوتاه کارهای بس بزرگی انجام شده و در آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سازم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از اقدامات های پراج جمهوري دموکراتیک افغانستان است که ملیون ها خانواده را از سرگردانی و بلا تکلیفی نجات داده اند.

مسترد نمودن جایلهای مردم که از طرف امین و باندوی به ناحق وبدون کدام دلیل و برهان ضبط گردیده بود یکی دیگر از کارهای مهم و پرارزش دولت ما است.

● ● ●

سالم جان واکه از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است در یکی از شناخته ها می بینم، او که در زیر بغلش عکس های رادیوگرافی شده از شش و قلبش دارد، بخاطر ندای خویش از زادگاهی به کابل آمده ناهت ندای قرار گیرد.

آش می پرسم که چند وقت است مریخی هستی؟ میگوید:



فوزیه امیری باعه از همکارانش در مورد دست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب تور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب تور

و نظر دهی مردم در مورد آن

من از مدت ها مریض هستم شاید دوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز ندای نندم، بارها به کابل آمدم ولی موفق نمیشدم که داکتر رابینم، اگر احیاناً موفق میشدم که داکتر رابینم از خوا خبری بود، من آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علت آن اینست که بعضی از داکتر ها به من میگفتند که امروز بیا، وسای همین امروز وسای باعث شد که مریضی ام شدت یابد تا اینکه یکلی مرا از پا انداخت.

● علت این امروز وسای دوکتوران چه بود و چرا برایشان تکلفی که زیاد تکلیف دادی؟

می خندد، خنده تلخ، لبان او را زخم باز میکند و میگوید: برادر آبا جرئت داشت که این حرف را به آنها بزنم، امر کوچکترین حرفی می زدم شاید سرخدم به زندان پلچرخ می کشید ... و آن وقت است که خدا به یاری ام می رسید دیگر امیدی نبود.

خوب حالا چه فکر میکنی، آیا ندای شده ای؟ به عکس های زیر بغلش و به کاغذ های که در دست دارد نگاه میکند و میگوید: بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم، زیرا همه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

روز گار بندی در زندان پلچرخ و دیگر زندان ها بطور بود و چه روزگار آنها میگذشت.

این همه مظالم بی شمار که از طرف امین و امینی ها بر مردم بی چاره و بی پناه تحمیل میشد زندگی را آنقدر بر آنان تنگ ساخته بود که مرگ هزار بار بهتر بود از آن زندگی که آنان داشتند.

ما هم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهراً آزاد بودیم ولی حقیقتی این بود که خود کشور ما به زندانی بزرگی تبدیل شده بود، زیرا نه میتوانستیم حرف حق را بزنیم و نه میتوانستیم خانه دوستی و آشنایی برویم بدین ترتیب زندگانی که ما داشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورده شدن را مستوجب بودیم؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم؟ ولی جواب این سوال خیلی ساده بود و آن اینکه امین و باندوی آزادی خود را در بندگی دیگران میدانستند. آزادی مذهب که حق مسلم هر مومن و مسلمان است در زمان امین سخت تحت تحدید قرار داشت، چنانچه بسیاری از کسان ماکه برای ادای نماز به مسجد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به خانه پس از ادای نماز برگردند.

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خاک

یکبار حق بر ناحق و یکبار مظلوم با ظالم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده و فهمیده ما قرار گرفت و به پیروزی رسید، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض و امتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند و آزاد به مناسک مذهبی خود بپردازند. این است معنی عدالت و دموکراسی.

در زمان امین بسیاری از وطنداران ما یابندی بودند و یا بشکل از اشکال مسود آزاد و اذیت باندوی قرار میگرفتند، شما و خانواده شما در آن وقت چه حال داشتید؟ بلی این درست است که هیچکس و هیچ خانواده نبود که از شر ظلم و شکنجه امین و باندوی در امان بوده باشد.

من هم مانند هزاران و ملیون ها خانواده دیگر بی داغ نماندم.

قصه از این قرار است:

روز هفتم ماه مبارک رمضان بود که دامادم وارد زندان و ندانستم که کجا بردند و برای چه بردند. ولی يك چیز مسلم بود که او در زندان است. اما اینکه چه شکنجه و دردی را تحمل میکند خدا میدانست.

هنوز شش ماه از ازدواج شان نگذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخ شده بود و شما و همه هموطنان خوب میدانند که

ای هموطن وقتیکه این سطور را میخوانی بدون شک، به این گفته ها و سخنان که از دهان این هموطنان مایهرون میشود باور و ایمان داری، میدانی که این ها همه حقیقت است و هیچگونه مبالغه ای در آن دیده نمیشود ... به چند نقطه شهر میروم با چند همسپری و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب تور می پرسم، و جواب های میگیرم. جواب های که از قلب و ضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است.

اولین مخاطبم زنی است با موهای جوگندمی که موهای سپیدی گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد.

آشنی می خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید:

نام آصفه اکبر است و مستحضر در شعبه تابلت سازی دیوبی نمبر يك میباشد.

زندگی امروزی تان را با دو ماه قبل چگونه مقایسه میکنید؟

در گذشته مخصوصاً در دوره حکمفرمایی امین و باندوی زندگی اکثر هموطنان ماشیه به زندانیانی بود که نه حق داشتند حرف بزنند و نه میتوانستند آزادانه صحبت کنند. با چنین شرایط بود که مردم مستبدانه ما روز های سخت را میگذراند ولی حالا، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی که



محمدانور یوسفی

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ما احساس میکنند که آزاداندوآزادی را بصورت واقعی آن می بیند و لمس میکنند. جذب شدن بی سابقه شاگردان معارف به پوهنتون و دیگر موسسات تعلیمی یکی از کارهای بارز و درخور ستایش دولت ما است. در گذشته تنها چالش کاه بایی را کسانی داشتند که صاحب قدرت و نفوذ بودند، بدر شان یا یکرا ز منسوبین شان صاحب مناسبت

انقلاب نور همه کارها به فوریت اجرا میگردد، و راستی که چنین بود، یک هفته قبل ازولم به کابل آمد در ظرف یک هفته تمام معاینات طبی ام تکمیل و مرصم تشخیص گردید و حالا میروم که دواي خود را بگیرم. خداوند دولت کوئی ما را حفظ کند و در بنای خود داشته باشد.

جوانی که خود را محمدانور یوسفی معرفی میکند و از لیسۀ شیرشاه سوری فارغ شده در بارۀ مرحله نوین تکامل انقلاب نور چنین ابراز نظر میکند:

اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من می خواهم نزدیکانه یکد مجمل مرحله نوین تکامل انقلاب نور را برایتان تشریح کنم:

مرحله نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین و متعلمین در بدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار و طبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند و چگونه زندگی پرایشان سخت میگذشت موضوع جدا گانه است.

و می خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یک مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم: بلی جوانان مادر نوره امین و بانوی در شرایطی قرار داشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف و آن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار می گرفتند و می مردند یا به پست ترین اعمال انسانی تن میدادند.

این بود وضع جوانان مادر زمان امین و بانده جنایتکارش.

ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور زندگی تازه آغاز کرده اند، زندگی که واقعا درخور یک جوان است.

هر کس خواسته باشد آنرا از شی سلب نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی و پتیری زده است که این کار ها و اعمال از طرف امین و بانده سیاه کارش جز برنامه های همیشگی اش بود.

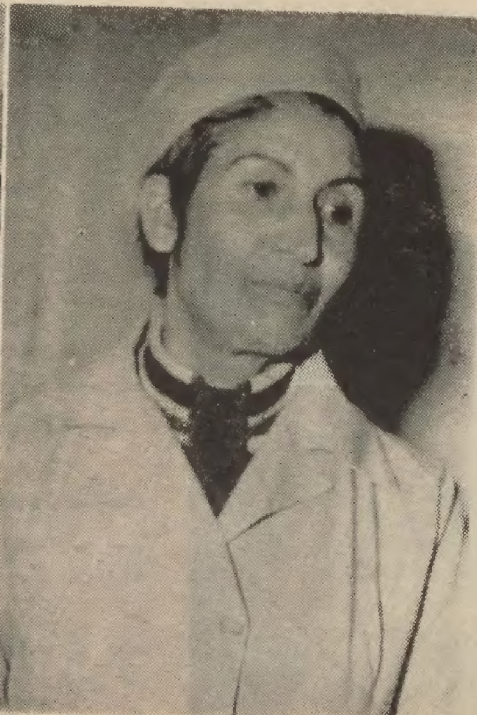
امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب نور چه کارگر است چه دهقان، چه عامور است چه کاسب همه و همه یکسان بدون در نظر داشت رنگت، قبیله و قومیت از آزادی یکسان پر خوردارند. این همه طبقات و اقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به این که نظر بدهند یا انتقاد نمایند، اما امروز به برکت همین عدالت واقعی و اجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند و این نظردهی آنها را طرف دولت ما پذیرفته میشود. البته مردم ما این انصاف را دارند که در خواست های شان چیزی را از دولت و حکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا و عمل آن در خور امکان و قدرت دولت باشد.

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی واکه میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت، وقت و زمان می خواهد تا خواسته های مردم ما برآورده شود. یک چیز باید ایمان داشته باشیم و آن آنکه هرچه از طرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد.

هنوز ما برای ساختن یک افغانستان آباد و معمور کار های زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق و علاقه فراوان کار نمایند، عرق ریزند و با تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها و اعمار افغانستان نوین گردند.

کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است؟

بقیه در صفحه ۵۷



سالم جان که ماه ها برای تداوی اش بکابل می آمد ولی تداوی نمیشد اما حالا ...

آصفه اکبر، اوبلا احساسی خاصی حرف می زند



اطفال در کودکانها کارهای هنری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه: پوهنتن دوکتورسیدحمام (مل)

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹ که توسط مجمع عمومی ملل متحد تمام سال طفل اعلام شده بود، پایان یافت (نیکولای تخونوف) کاندید بوروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، به حیث رئیس کمیسیون سال بین المللی طفل، تعیین شده بود در یک مصاحبه اش با خبرنگار مجله (لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشورشورا هابه نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات او چنین پاسخ داد:

اهداف سال بین المللی طفل از چه قرار است؟

هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از برابلهای مهم اجتماعی بشمار میرود. مطابق راپود صندوق بین المللی طفل صدها میلیون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقر و گرسنگی حیات بسر میبرند. و در حدود (۲۵۰) میلیون طفل در سراسر جهان از باعث سوتفقدی و فقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشد.

قرارداد بودور صحتی حیات اجرا به (بان امریکن) هفت و نیم میلیون طفل در کشورهای امریکای لاتین در دهه گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده اند.

در دنیای امروزه مجموعاً (۳۰۰) میلیون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت و فقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری بکارند، مطابق راپور سازمان بین المللی کار و کارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین سنین هشت و پانزده سالگی بمنظور بدست آوردن یک مزد ناچیز به انجام کارهای شاقه که ساعت کار روزانه شان دو یادوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند.

بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح و امنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیر نمود. زیرا اطفال محتاج

صلح وآرامش اند. و همین صلح وآرامش است که برای اطفال خوشی وسعادت بارمی آورد.

فضای مذکور امکانات بهتر رابرای آموزش و پرورش تدارک میبندد.

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان رادر مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد و در زمینه همه نیروهای صلح دو ست خرواهان

تجدید تجهیزات نظامی بوده، مبلغ پولی را که مصرف تجهیزات نظامی می نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال بمصرف رسد. پیاده کردن این امریک پلاتفورم مشترک نیروهای

همه خلقها راباوجود اختلافات سیاسی شان خواهان است.
- شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگویید؟
- دولت شوروا کلیه امکانات رابرای بهبود صحت و خوشی نسل آینده آماده ساخته است.

و در قانون اساسی اتحاد شوروی در مورد حمایت طفل ومادر بصراحت ماده ای جداگانه به تذکر رفته است.

در سال (۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعصار و ساختمانهای کودکانها، اطاقهای رهایش اطفال، کمپ های جوانان، سربازان، و دیگر مراکز بمصرف رسیده بالغ به پانزده هسز ا و ملیون روبل میگردد که ۶۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد. علاوه در حدود (۱۸۰) میلیون روبل همه ساله مصرف دانشی آموزان دوره ثانوی میگردد. بالاتر از (۵۰۰) روبل برای یک طفل شیر خوار و زیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف طفل در کودکانها هادر سال میباشد. که ۸۰ فیصد این مصارف از بودجه دولت تمویل میگردد.

مادر کشور خود بیش از (۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل از مکتب داریم که برای (۱۳) میلیون طفل محل ادایش داد. در سال پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکان و شیر خوار گاه در هر سال تحت ساختمان و اعمار است.

در هر تابستان اطفال قبل از مکتب برای خوش گذرانی و تفریح، خارج از شهر درین دهات و مکاتب خود سالان و در کمپ های جوانان سر باز زندگی می نمایند.

در کشور شوروا ها برای باز پرس صحتی و خوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که این مراکز زیاد تر از یک و نیم میلیون طفل را اعم از خورد سالان و نو جوانان همه ساله می پذیرد و برای شان وسایل راحتی و تفریحی را فراهم میسازد.

مسایل راحتی و محل رهایش برای تمام اطفال از طرف دولت شوروا ها به صورت رایگان در دست تهیه است.

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی پرداخته میشود. و هم برای آن اطفال که در حال سیاحت و مسافرت اند، موسسه مذکور ۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می آورد.

همه سناتوریم ها، اسراحت گاه هاو هتل هادر روزهای رخصتی بروی اطفال والدین آنها باز بوده و در مراکز مذکور لحظات خوش زندگی خود را می گذرانند. قرارداد بودور در مراکز فوق همه ساله تا (۴۰۰) هزار طفل اسراحت مینماید.

سیاحت های قلمیلی در اتحاد شوروی گاه ها عام است. در سال ۱۹۷۹ تقریباً یک میلیون طفل با والدین شان سیاحت های توریستیک نموده اند. در قریه و آموزش و پرورش اطفال نمایشگاه های مختلف از قبیل، سرگس ها، باله خانه ها دوام ها و دیگر وسایل تربیوی وجود دارد. که همگی این نمایشگاه هادر تربیه سالم اطفال نقش قاطع دارد.

و به همین منظور است که دولت شوروا ها وسایل سرگرم کننده رادر اکتاف و گوسه های متعدد کشور تهیه می نماید.

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های بنام هفته جوانان - کتاب - موزیک - سینما - تیاتر برگزار میگردد و علیونیا طفل ملاقات های پیهم با نویسندگان - کمپوزرها - موسیقی دانان، و اکتورس ها می نمایند.

شورای اتحادیه های محلی ولیک کمونیستی وسازمانهای سپورتی در جدوجهد اند، تا یک تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فیزیکی و سپورتی جذب و داخل این سازمانها میسازند. در سال ۱۹۷۸ در اتحاد جماهیر شوروی تقریباً (۷) هزار اطفال شامل مکاتب سپورتی گردیدند که به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد. علاوه در نظر است که بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ تقریب (۲۷۰) مکاتب ورزش و سپورت جدیداً تاسیس شود.

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین بازی وساعت تیری در کودکانها

فعالیت‌های خرابکارانه و طرح نقشه‌های تهاجمی ایالات متحده تو از ن قوارادر جهان برهم میزند

مورد وا غذا ری يك قسمت خاك خورش به منظور جا بجا کردن سلاحهای پیمان نا تو تا حال موا فقه نموده است و نیز اعضای دیگر پیمان اتلا نتیک شما لی به شکل صریح و آشکارا از این اقدام تجا وز کارانه ایالات متحده امریکا و تصمیم نا تو در زمینه یاد شده جدا انتقاد کردند ، چنین حالتی در بین اعضای پیمان اتلا نتیک شما لی موجب نا رضایتی اعضای پیمان گردیده و آنها را به تلاشهای مذبحوحانه ای متوسل کرده است .

از آنجا نیکه سیاست صلحدو ستان نه کشور های مترقی همیشه و در همه جا و در کلیه ادوا تاریخی بخصوص در نیم قرن اخیر ما نع بزرگی برای تطبیق نقشه های امریما نه جنگ افرو زان امپریالیستی بوده و همیشه با فعالیت های دامنه دار و وسیع و بزرگی که کشور های صلحدوست انجام می دهند . تو از ن قوا را حفظ نموده و بر ضد نقشه های تجا وز کارانه و علیه فعالیت های محیلانه و نقشه های تعرضی امپریالیسم و در اساس آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه ایالات متحده و محافل ار تجا عی در ارو پا کشور های نامبرده همیشه در صدد آن بوده تا در راه تحدید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریسد و تولید سلاحهای مر گبار مجاهدات پیگیر نمایند .

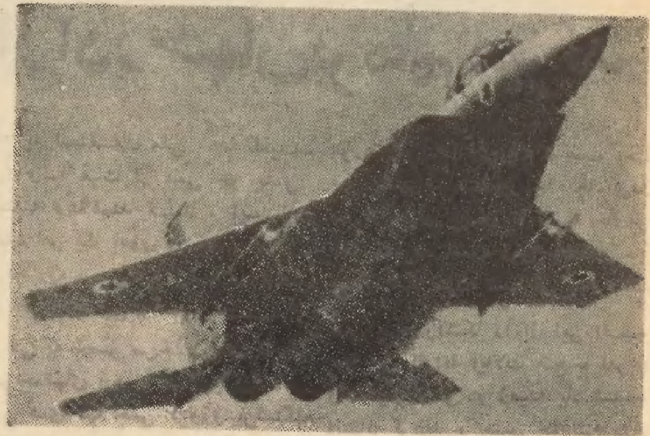
ایالات متحده امریکا و بخصوص محافل جنگ طلب اروپای غربی سخت در تلاش اند تا بدوره جنگ سرد دوباره عودت نموده و مقدمات پیدایش و ایجاد برخوردهای گرم نظامی رافرا هم آورد ، در حالیکه پروتیه در صحنه ۵۶

دیگر بخون صدها هزار و میلیونها انسان شریف آسیا ، افریقا و امریکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امریکا دروینتام قهرمان ، در شرق میانه ، در انگولا و زیمبابوئه و سایر کشورهای جهان کشتگان پیشماری از خود بجاسا گذاشته است . خلقهای مبارز و شجاع جهان این کشتار ها و آن قربانی ها را هرگز فراموش نمی نمایند ، حالا دیگر وقت آن رسیده که خلقهای رزمنده جهان در مجموع به امپریالیسم و کلیه متحدین ناپاک و منحطش یورش برده و با ضربات کوبنده شان لوده امپریالیسم جهانی را در هم ریخته و بر خرابه های استعمار رنگ و روغن زده یعنی استعمار جدید شان لوده و اساس زندگی نوین و مترقی ، آزاد و شگرفان را بنا نهند .

در این اواخر ایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمرکز دهد ، این تصمیم ایالات متحده امریکا بخودی خود علیه دینا نت بوده و تو از ن قوارادر او پابرمی زند . در حقیقت عالمین و گردانندگان ما شین آدمکشی امپریالیسم سخت در تلاشند بوده و در این زمینه تلاشها و فعالیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حالتی که پلانها و نقشه های نا توهمه و همه متوجه تشدید تسلیحات ذروی است ، به شکل پیشمانه و در عین حال بسیار ظریفانه موضوع مذاکره با اتحاد شوروی و مساله تحدید سلاحهای اتومی را به پیش می کشد . این دیگر واضح و آشکار است که چنین نقشه های محیلانه و شیطانی نه مورد قبول خلقهای جهان قرار میگیرد و نه مورد قبول کشورها است ، حکومت مردمی ، از دموکراسی ، از آزادی (!) و ... داد میزند ، این دیگر صاف و پاك فریب خلق است ، داستان نا پاك امپریالیستان

نگاهی به اوضاع شرق میانه

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمباردها و خائلیان کشتن خلق فلسطین را پخاک و خون می کشاند.

منطقه شرق میانه از دیر زمان است که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. معضلات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار میل به صحنه عای خونین نبرد ها و ترازیدی المانک جنگ ها گردید. ولی این ترازیدی بعد از سفر سادات به بیت المقدس در سال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه را در حالت انفجار قرار داد. که در هر لحظه امکان خطر جنگ دیگر را احیای نماید در اثر اعمال، نفوذ و فشار صهیونیستان اسرائیل یک و نیم میلیون فلسطینی از مناطق آبایی خود جبراً رانده شدند. و آئنده از خلق های عرب فلسطین که در مناطق اشغالی باقی مانده هیچگاه خود را در خانه های خود نمی بینند. بلکه خویشتن را در زندان و شکنجه کار و زیم فانیستی اسرائیل ملاحظه می نمایند. سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط اوعاب و فشار در مناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می شوند.

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعد از طرح دسیسه هاو پلان های مبتنی بر اوعای (آزادی داخلی) و تلاش های مذبحانه ارتجاع مصر و ارتجاع حاکمه اسرائیل که آنرا تحت نام (مساعی برای صلح) میخوانند حالت تشنج و تضییق را بکلی حاد نموده است. سازش ها و پالیسی خائلیانه رژیم سادات که بی شرمانه خود را در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت و بر ضد سیر تاریخ و نیات خلق های آزادی خواه مصر و خلق های عرب و اوضاع شرق میانه را هنوز هم مختلق نموده است و امکان هر نوع حل عادلانه داعیه فلسطین و برابری های شرق

بی رحمانه زندانی می شوند و یا بوسیله شیوه های فانیستی مجازات و شکنجه می شوند. وضع مالیات های نوو کمر شکن، اخراج اعراب از مناطق اشغالی و بران کردن خانه های آنها، و یا قتل عام ها و گلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب باشند مناطق اشغالی همچنان ادامه دارد.

ولی علی رغم این همه اعمال وحشتناک لحظه ای هم مبارزات دلبرانه خلق فلسطین خاموش نشده است. بلکه آن متبورانه برای کسب حقوق ملی و طبیعی خود مبارزه نماید. و برای احقاق حقوق خود یگانه شیوه مبارزه انقلابی و مسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست و ششم مارچ که روز ۱ مضای معاهده نام نهاد جداگانه (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل بود، در مناطق اشغالی این روز منتهی روز غزا داری اعلام گردید و تظاهرات و اعتراضات دامنه دار و وسیعی در تمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض و نفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم رژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی در نواد غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس نامه را به کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند و در طی این نامه سازش های مصر و اسرائیل بشدت تبیح شده بود. همچنان اشتراک کنندگان این کنفرانس به وضاحت اعلام داشتند که آنها از هیچ گونه مساعی بخاطر طرد استیلاي غارتگران امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می گردد همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس، و شهر های نابلس، الخلیل، و هالا و غیره ادامه یافت. در تمام این کنفرانس ها که به اشتراک هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد. شاملین ایسن کنفرانس ها همچنان دفاع بر دیغ خود را از سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.او) ۱ برآز داشتند.

در طی تظاهراتی که علیه سازش ها و اعانت های که به خواست انسانی خلق فلسطین از طرف امپریالیزم و صهیونیزم ۱ اسرائیل اعمال می گردد چندین نفر از مبارزین و وطن پرست فلسطین در درازن گلوله باری بر تظاهر کنندگان شیب شدند این گلوله باری بر اجتماعات تظاهر کنندگان بدون اخطار قبلی صورت گرفت.

مقامات اسرائیلی همچنان در مناطق اشغالی برای خفه ساختن جنبش فلسطین دست به یک سلسله اعمال قهر و ترور زدند. و از آن جمله شبکه های آب رسانی، برق و توزیع غذا و ادویه را شدیداً آمنت قرار دادند.

قوای اسرائیل بحالت آماده باش در آمده در قضایات اشغالی اغلباً از ورود نمایندگان صلیب سرخ بین المللی ممانعت بعمل آمد. و حکومت اسرائیل به تعداد چهار هزار تن قوای امنیتی تجاوز کاری را در مناطق سواحل غربی رود اردن و نواد غزه منسجم نمود.

بانگ رسانی خواست عادلانه خلق های عرب فلسطین در کنفرانس تساند و همبستگی با خلق فلسطین که از تاریخ چهارم می هفتم ماه می سال (۱۹۷۹) در باسیل انعقاد یافت به نوعی انعکاس نمود.

در طی این کنفرانس سازمان آزادی بخشی فلسطین یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق های فلسطین خوانده شد و از همه کشور های اشتراک کننده این کنفرانس تقاضا به عمل آمد تا از مبارزات سازمان آزادی بخشی فلسطین پشتیبانی نماید. به همه جهانیان مسلم است که سازمان آزادی بخش فلسطین که متشکل از وطن پرست ترین انقلابیون فلسطین می باشد. همواره بخاطر کسب حقوق انسانی خود بنا رو حیه انقلابی مبارزه نموده آید. این سازمان پنجاه سال قبل در سال (۱۹۷۴) در کنفرانس رباط که به اشتراک سران همه کشور های عربی صورت گرفت یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین پنداشته شد. این سازمان ضرورت تحکیم مناسبات همه جانبه خود را با کشور های سوسیالیستی، غیر منسلک و کشور های مرقی اسلامی اعلام داشتند.

بقیه در صفحه ۲۱



اسرائیل جز از گلوله ها و مرمی چیز دیگری نمی شناسد.

عجب ساده ژوند یی در لود. د ژوند دنیگې تیاو په نړۍ کی یی بیا هم په خپل ژوند شکرونه ایستل د صداقت په انگې یعنی د طبیعت په لمن کی لوی شوی محمد عمر — سپېڅلی زړه خاوند وه. دده دېنې نه داسې ښکاریده چی تا به ویل خاص بزرگ دی.

محمد عمر کوچی دژمی په موسم کی به یی د هسکو غرو نښو دسرنه تو دو سیمو ته کډی کولی دی به همیشه په خپله دود و هلی شپۍ کی داسی تا و وه چی دوه سترگی به ترې ښکارید لی لوړه ونه او رو ښانه قواره یی در لوده، دمخ جوکات یی ډیر ښکلی وه. د طبیعت په لو به غیر کی داسی لوی شوی وه چی غټ او قوی اندامونه یی لکسه دشتی پهلوان دورا به ښکاریده.

ده به همیشه خپلی توری کیږدی دژمی په موسم کی دناو کی غره په

دی صحنی څخه زیات خوند اخست. گلی. دمحمد عمر کوچی ښځه وه چی ددی ښکلی او سپین بدن به په شلید لو جا مو کی داسی ښکاریده چی تا به ویل سپوږمۍ خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تلل او دواړو ښی به یی به سر سپیره میره به خپلی توری کیږدی ته را ننو ته، دی آرام نه در لود، ستړی ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داسی کیدل چی پښی به تپا کی شوی وی دچاو دو تونه به یی وینی بهیدی، خو پدغه حال یی هم شکر کاږه.

یوه خبره چی دیا دونی وږده هغه دا چی په ژوند کی ترې ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه.

دا به ډیرو ته معلومه وی چی باج

کړی. که څه هم (دخان نو کسر) دعاطفی خاوند وه و لی مجبور وه چی دخان بیرجمه بیغام ورسوی نو کسر بداسی حال کی دکپړ دی خوا ته ورسیده چی گلی توری لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری. او په زړه کی داسی ور تیریدل چی د دی خاوند به په ازغو سو ری سوړی نن دکوم نیگی به خنک کی تکیه وهلی و ی او دخپلی رمی خارنه به کوی. چی د شاه ولی خان مزدور ور ناری کړی و گلی توری. گلی توری تاته وایم گلی توری دغمونو دگر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه خبره یی ور ته وویل: خویه خیر ت دی.

دخان مزدور دپنکو داستا ن ورته و غوږوه او دخان دقهر جنو ستر گو پېښی یی و کړی او دخا ن بیرجمه عادتو ته یی یو دبل پسې ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ پیسی غواړی. پیسی غواړی وا در ویده که نه؟

گلی توری بیر ته خپلی غمجنی کپړ دی ته ننو ته او مزدور تری رخصت شو. خان بداسی حال کی چی سترگی یی پتی ختلی وی دلاری څاری کاوه چی په مز دور یی سترگی ونښتی غز یی پری وکړ. چی وهلکه څنگه شو. مزدور بداسی حال کی چی سایې ستړی ستړی کیده نه وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی وه کو رکی نه وه. (خبره یی به خو له کسی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانوه لیدلی بیا یی به ډیر غضب وویل چی هلکه نور هلکان هم درسره ملگری کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه خو سپر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیږی. تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه؟ ددی عمل به دا جزاوی محمد عمر کو چی دغره دلورو څوکو څخه خپله رمه را کوزه کړه او دلرگیو گپیی یی هم په شاوله دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوږی غوږی وینی به جاو دو کی ښکاریدی را روان وه

گوری چی دخوږ نه خو تنه در می خوا نه را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندي حمله وکړه. په شمیر اوه څاروی یی درمی څخه را بیل کړ. محمد عمر کوچی چی خومره ناری ووهلی او دخلی گناه دمعلو مو لو یو ښتنه یی کو لکه غوږونه پری کاږه شول. چو بی چو ښتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه.

خو پس دیوه وخت نه ددی دمېنځ نه داسی آواز راپو رته شو. (باچ- باچ او باچ) دا آواز ونه پورته کیدل درمی نه بیل شوو سپرلیو هم دجدایی رمپاری وهلی دشپې تیاری هم دمحمد عمر کو چی سترگی پتی کړی او په مات زړه کپړ دی خواته را روان شو.

څه به درته وایم هغه دغم شبه به محمد عمر کوچی او گلی توری دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی.

خو لنډه دا چی ډیری داژنگه ناوړه پېښی به ټول ژوندکی پری راغلی وی. غم خپلو زړونو به گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرگ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرگ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری. په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیږی. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان بقیه در صفحه ۵۰

دشمسوار (سترگوال) لیکنه

یو لنډ داستان

باج

لمن کی پلنولی دمپرو بچیانو چی وری یی بو لی دکپړ دیو شاوخوا رمپاری وهلی. چی دی آوازو به دلورو غرو نو په زړو کی انگا زی جوړو لی. رنگین طبیعت په خپله ارته لمن کی دسڅا لاپی وهلی دشو ورځو میلمانه کو چنیان یی خو - شحال ساتل.

دناو کی غره کی وابته ډیر و دده دما لو نو گزاره پری کیده. ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شونواو یی) ورته ویل مو جوده وه. ډیری خوږی او به یی در لودی. کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغره څخه رانښکته کړه دلر گپو گپیی به یی هم په شاوله چی دچینی خوا ته به راغی دخپلی ملا څخه به یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر څنگه به کښیناست د جواړی غټی مړی پسې به یی داو بوغړپ کاوه رمی به هم دخپری دونو پاڼی خړبو لی. او محمد عمر کو چی به له

دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بی پته او کر غیر نه پېښه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره بیرحمی باندي هضمو له.

محمد عمر کو چی هم پلدی بد مرغی ناروغی باندي په ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چی ده به دناوکی غره په لمن کی واپول، نو یو څه کړت او یو سپر لی به دباچ په نوم دسپه لوی خان ته ور وړ خو بیا هم دی پدی سوغات دکال تر پایه نه خلاصیده محمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی پیسی هم ورکړی.

عجه خولا داوه چی یو ورځ سهار وختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تلل او گلی توپ یی به توره کپړ دی کی چی دو پی تری بو رته کیدی. دنفری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خان خپل (نو کر) ورو لپړه چی دمحمد عمر کو چی نه دباچ پیسی تر لاسه

گلی توری ډیری نا امیدی لیدلی وی. دی اولادنه در لود. بی کسه وه د ژوند ټو لی ستړی تیاوی پدی خوار کی تیریدی. ددی تن دډیرو محرو میتو د گذار ښه وه. خو دباچ غم دبی کوری غم دځمکی دنه در لود لو غم ددی په زړه هغه گذار وه چی دا به یی. کله کله په خوب کی وپرو له. یو ځل بیا یی دباچ ترڅه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجزی چی ساږه اوسیلی یی دخو لی نه غیری ارادی بور ته کیدل داڅکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل: بچیه زما خاوند غرته زمه وپی ده دشپې که راغی زه به ور ته ووايم، تادی خدای لوی کړی ته ډیر ښه هلك یی.

دخان نو کر نرم زړه در لودیو خوارگی گلی تو پی یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترڅه ژوند ته متو چی کړ خپلی بد بختی یی دگلی توری په بدبختیو کی ولټو لی، خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلی توری محمد عمر ماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماڅخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیباکه پنکو نه هر چا ته کیسی وکړم.

نه خو یه. زه پدی پوهیږم ته هم زمونږ غوندی خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیرو قتمی دورایه معلو میږی.

غ، حضرت

نگاهی بر رباعیات خیام

سنت گرانی مذهبی منسوبی کرده اند، خلاصه هر کسی به اندازه برداشت و توانائی فهمش در باره رباعیات خیام چیزی گفته اند و چیزی نوشته .

اما آنچه را که به یقین و بدون تعصب و کینه و مزاج از هرگونه کج معنی و کج فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خواهد بود که روش خیام و طرز دید وی در بیان اندیشه و افکار، روش مردان بزرگ و آوازه گیتی است . اگر چه به این طرز دید در باره خیام از دیر باز به این سو متعصبین به طعن و غضب دیده اند . بر مقام آزاد گسی و آزاده اندیشی ، زیبایی بیان و سلامت و صراحت کلامش چشم پوشی عمدی روا داشته و بران رشک برده اند . ورنه رباعیات فارسی این گوینده درد شناس ، بازگو ترین همه آنهائی است که تا حال سروده شده است .

شکی نیست که قلب خیام از عشق پرورده گاشی و احساس حسن جمال مظاهر کائنات مملو نبوده باشد و این هم برواضح است که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت معنوی که رباعیات زیبا و شیکارهای ادبی بی نظیر او می یابد این مدعا است اما آنچه در بین میان قابل و تامل بیشتر می باشد آنست که آیا میتوان خیام را صرف یک شاعر متصوف و یک واعظ این دانست و همه آنچه را که وی سروده است به نوعی از انحاء متکی و پیوست به معنویات آن بر شهریم هر تجاهل عارفانه اگر بدین گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی خواهد بود به آنچه که در خود چنین شخصیت است .

از رباعیات متعددی خیام چنین پیدا است که وی همزمان با آنچه که سالک تصوفی ابجواب مینماید، دانشمند آزاده یی است که خود را در بند هیچگوئی اوها نمی اندازد .

و این مطلب از رباعیات موصوف به وضوح پیدا است :

چون عهده نمی شود کسی فردا را
حالی خوشدادر این دل پر سودا را
می نوش به ماهتاب ای ماه که مساه
بسیار بتا بد و نیا بد ما را

اکنون که گل سعادت بر بار است
دست تو ز جام می چرا بیکسار است
می خور که زمانه دشمن غدار است
دریا فتن روز چنین دشوار است

امروز ترا دسترس فریاد نیست
و اندیشه فردات بجای سودا نیست
ضایع مکن ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بیا پیدا نیست

خیام با آنکه عمری در تحقیق جهان عبور فوق تصور انسان سفری نمود ، در مورد جهان هستی هم تا آنجا که فهمش اجازه میداد ادبی خبر نبود . و چنانچه از تحقیقات دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که نه

تنها او ادیب متصوف بلکه دانشمند ، حکیم و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود بود . وی در مورد اینکه وایا سر انجاش بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان پس از مرگ چه خواهد بود .

تا چند زخم بروی دریا ها خشت
بیسزار شدیم زبت پسر ستان گشت
خیام که گفت دوزخی خواهد بود
که رفت بدوزخ و که آمد زبشت

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
ن توان به امید شک همه عمرت گشت
هان تانه نیم جام می از کف دست
در بختی مردچه هشیار و چه هست

ای آمده از عالم رو حالی گفت
حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت
می خور چو ندانی از کجا آمده
خوش باش ندانی کجا خواهی رفت

و در مورد اینکه آنچه در دست است
با ید حساب نمود نه آنچه که وعده داده
شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه
بذکرش می پردازیم .

گویند کسان بهشت با حور خوشست
من میگویم آب انگور خوشست
این نقد بگرو دست از آن نسبه بداد
که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت
جامی و بتی بر بتی بر لب گشت
این هر سه مرا نقد و نرسانیه بهشت

گویند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی می و شیرو شید و شکر باشد
پر کن قلع باد دوبر دستم نه
نقدی دهر از نسبه خوشتر باشد

در دهر چو آواز گل قازه دهند
فرمای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و زبشت و دوزخ
فارغ بنشین که آن هر آوازه دهند

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به آن
گرویده میگردند از مرگ هراسی بیسود
را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی ندارند
بلکه مرگ را مایه خوشی میدانند و به
عقیدت اینکه به اصل خوشی و بخشیدای
نخود و صلت حاصل مینمایند شادان
مینمایند اما خیام در رباعیاتش از مرگ
هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته
را غنیمت میشمارد :

این قافله عمر عجب میگذرد
در یابدمی کس با طرب میگذرد
ساقی غم فر دای حریفان چه خوری
پیش آری پیاله را که شب میگذرد

زان پیش که بر سرت شب بخون آرند
فرمای که تا باده گلگون آرند
توانزه ای غافل تا دان که ترا
در خاک نیند و باز بیرون آرند

روزی که گذشت هیچ آذو بیاد مکن
فر داکه نیامده است فریاد مکن
بسر نامده و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمری بر باد مکن

ای کاش که جای آر میدن بودی
یا این ره دور را رسیدن بسودی
کاش از بی صد هزار سال از دل خاک
چون سبزه امید بر زمین بودی
بسا از رباعیات خیام مویید این بیان
آنکه که آنچه برای آدمی درید امکان
است همین هستی است و تا حد امکان
توان از آن باید مستفید شد . و این بدان
معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین
به جهان هستی میدانند . رفتگان ازین جهان
را به مسافران گم گشته و نا آمدنسی
یکسان دانسته است .

افسوس که سرمایه زکف بیرون شد
وز دست اجل بس جگرها خون شد
کس نماند از آن جهان که پرسم از وی
که احوال مسافران دنیا چو نشد

از جمله رفتگان این راه فراز
باز آمده گشت تابه ما کوید راز
پس بر سر این دوراه آذو نیا
تا هیچ نمائی که نمی آیی بسا

و هم چنان در جای دیگری غم فردا را
نمی کرده و میگوید :

ای دوست بیانا غم فردا انور رسم
وین یکدم عمر را غنیمت شعر رسم
فردا که ازین دیر فنا در گذریم
با هفت هزار سالکان سر بسر رسم

ای دل توبه اسرار معما نرسی
در نکته زیر کان دانا نرسی
اینجا به می لعل بهشتی میساز
کاینجا که بهشت است نرسی پانه رسمی

باری هم واعظان و نامحان را که سخن
فرا تر از حد توان خویش میزند چنین
نکو هشی مینمایند :

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زمین شب تاریک نبودند بیرون
گفتند فضا نه و در خواب شدند

و در رباعی میفرماید :

در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یک سال غم می دهد بر لب گشت
هر چند به نوزد عامه این باشد زشت
سنگ به زمین است اگر بر زمین بهشت

اما آنگاه که خود هم نمیتواند با هی
به منزل بکشد فریاد میزند که :

قومی متفکرند اند و ره دیمن
قومی بگمان فتنه در راه یقین
مترسم از آنکه پانگ آید روزی
کای یخبندان راه نه آنست نه این

و به این ترتیب میرسیم بدان جائی
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

پیشگوئی طویل المدت اوضاع جوی

گرم شدن هوا ای جهان چه اثراتی در بر

خواهد داشت؟

برای بارها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکا ی شمالی این سوال را به میان آورده است که آیا هوای کامیانت روبه سردی می رود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را در طول چندین دهه و یا قرن تحت آزمونایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییر اقلیم خیلی ها تا چیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود. این نوع حوادث ضمنی نشان دهنده تغییر دودهوی جهان است.

اینکه این تغییرات بخواهد اینجا میسر شود معلوم نیست. اما یکتعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به این فکر کرده اند که آتوم سفیر گرمتر میگردد نه سرد تر و دلیل عمده آن از دیاد روزافزون

گاز زی رنگ و بی بوی کاربن دای اکساید می باشد. این گاز توسط نباتات جذب، از آنها نه تنها مقدار و به پیمانه وسیع از اثر سوختن نفت و ذغال به هوا بخش میگردد این گاز در آتوم سفیر مانند آتیه یان جا نه اجرای عمل می نماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجاره ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج آتوم سفیر آن میگردد چون مقدار کاربن دای اکساید آتومسفیر بصورت مداوم روبه افزایش می باشد شعله ناء نکتعداد زیاد متخصصین هر بوط فکر میکنند که این منبع تشخیص سبب گرم شدن هوای جهان میگردد. یکی از گزارشات مرکز

تحقیقات ملی ایالات متحده امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳ درجه سانتیگراد معادل ۵ درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماید، بلند تر خواهد گردید. این از دیاد درجه حرارت تاثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد. البته این پیش بینی ها قاناندازه زیادی به اساس حد سیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امریست مشکل.

بدون شک پیشگوئی های قصیر المدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین به واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه های درجه حرارت، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی، شعبات هوا شناسی، و کمپیوتر بدست آمده محبت پیشگوئی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵ فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ۶۵ فیصد پائین می آید. اما پیشگوئی های طویل المدت مستلزم جزئیات دقیق نبوده

بلکه هدف عمده آن تشخیص نحوه تحول اقلیم و نوسانات آن میباشد. طور مثال مقدار ریزش باران مربوط به دریا حل مختلفه میباشد بوده و از قرا معلوم چانس باریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است.

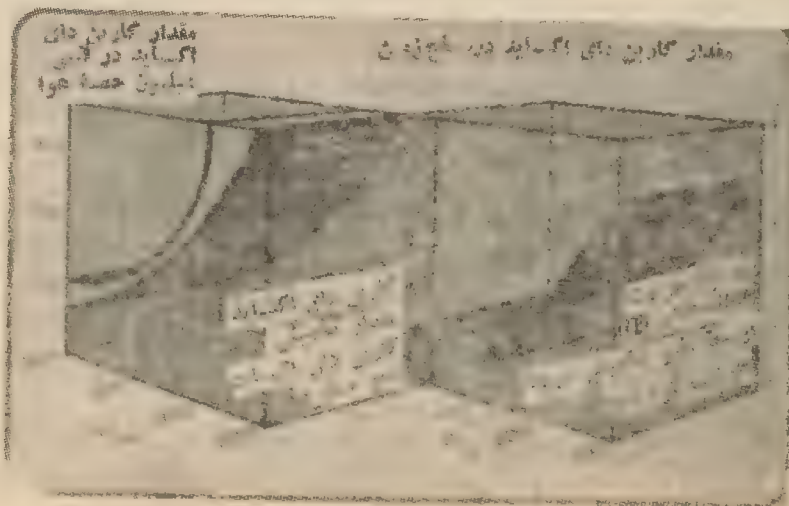
اما مطالعات نشان میدهند که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است. مدارک معتبری در لاپرا توار ایلون انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلالات در دیونو سفیر زمین که باعث بر خورد با امواج رادیویی میگردد مربوط به سایکل آفتاب است که در طول ۲۷ و نیم روز بکمر تبه با لای محور خود چرخیده و زمین بصورت پربودگی در معرض اشعه آن قرار میگیرد این شعاعات باعث تولید اختلالات درایونو سفیر زمین و تغییر فشار در آتومسفیر گردیده و در نتیجه باعث سفیر سمت وزش باد میگردد.

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت پربودگی آفتاب سایکل تقریباً یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد و در حش این لکه های سطحی آفتاب به حد اعظمی رسیده و دو باره تا پدید میگردد. نتایج مطالعات نشان دهنده آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال از زمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ میدهد زیرا

سمت ساحه مقناطیسی آفتاب، که کنترولر این نقاط است، بعد از تکمیل دو سایکل معکوس میگردد و بنا سمت مشخص و شدت ساحه مقناطیسی بعد از سپری شدن نه بار ۲۲ سال دوباره بحالت بولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست. تحقیقات اخیر نشان میدهند که آفتاب این سایکل یا زده ساله را بصورت

بقیه در صفحه ۵۶



د(ان اوډ کينافسو شل
ديو لو پمنې) نومي کتاب څخه

د امين الله محک ژباړه

په آسيا او افريقا کې د باداري نظامونه

دو همه بر څه

د تو ليدی وسايلو لړل ، د کار په ټولنيز ساز ما نو کی د یوی طبقی رول د عایداتو پر څه او د هغوی د گټو منابع هغه مشخصات وه چی یوه طبقه په بیژندل کیدل سر بیره پر دی طبقه د خلکو یوه لو په ډله ده چی په اجتماعی تولید کی د خپلی پلگاه یعنی پر تولیدی وسا یلو باندی دهغو ی دواک چی معمولا دقانون له خوا په رسمیت پیژندل شوی وه) او همدا راز هغه رول چی یوه طبقه یی د کار په اجتماعی ساز مان کی لوبوی او له دی نه چی را تیر شو دهغه گټی چی دوی یی دټولنیز شتمنی څخه تر لاسه کوی له مخی سره بیلیری .

طبیعی داضافی محصول درا پیدا کیدو څخه وروسته منځ ته راغلی . دا هغه مهال و چی د تو لیدی قوا و وړاندی تگک و انسان ته دا امکان برا بر کړ چی دخپل ژوند د لومړ نیو اړتیا وڅخه زیات تو لید وکړی .

د ولت دحکمرانی طبقی دستگاه وه . په استثمار گرو نظامو نو کی دوا لست دطبقاتی ستم او مر ثیان کو لو دیوه پیژندل شوی دستگاه وه .

د بل خوړونکو دولتو نو تاریخی ډولونه یو د بل سره تو پیرلری خو دټو لو ماهیت هما غه پر خوا ریکتبانو باندی د یوه مفت خوره اقلیت حکمرانی وه .

قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغه ډیر لو مړنی شکل و او ډیروباداری (مړی وال) دو لټونو نوموړی مړ حله تیره کړیده .

گڼ شمیرلرونکی او پیا وړی قبیلای دتو موړی اتحادی زڼه جوړ ول .

باجا به دکلان د حکمرانا نو څخه ټاکل کیدی (پخپله حکمران به زیاتره

وخت دیوه جنگ افسر په حیث انتخابی دی) د باجا واک مورثی و .

د باجا د کلان ټول لوړ رتبه رو حانیو نو ته هغه مهم اوحساس بو ستیو نه (وظیفی) ورسپارل کیدل خو قبیلای به د هغه موافقی له

مخی چی د دوی د مشرانو له خوا به شوی وی یو ځای کیدی او کمزوری قبیلای به یی به زور تر خپلی حکم لاندی را وستلی . داسی دو لټو نو به داوړز دوجگړوله لاری خپله سیمه اړ ټول ، ځینی داسی کوچنی قبیلای هم وی چی هېڅ ډول دولت ته یی غاړه نه ایښودل .

د آسیا او افريقا لو مړنی باداری دو لټونه :

د مړی لرونکو دو لټو نو پیدا یښت د باداری نظام دتو لیدی شکل ډیربالیټوب ښه وه . لومړنی باداری دولتونه په مصر ، دجله او فرات (بین النهرین) په وادی کی را څر گند شول . نو موړی دو لټو نه دسو مړی ، اکدی او بابلی امپراطوری وی . دچین او هند باداری دو لټو نه د میلاد څخه مخکی د څلوړو څخه تر درو زرو کلو نو کی اوپه اټور کی د دوهم زړ په نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال و چی دوی آسیا په مرکزی دښت کی د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری جوړه شول . (مینایی) امپراطوری چی یو لرونکی عربی دولت و د میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیړی د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ کښیښودل شو داو راتو (۲) باجهی د میلاد دمخه په اول ژرم او په ماورای قفقاز کی منځته را غله . دخوارزم پیا وړی پیا جهی په منځنی آسیا کی د میلاد دمخه له اتمی څخه تر شپږمی پیړی پوری څر گنده شوه . اوپه وروسته کی یی خمل ځای د کوشان و امپراطوری ته خوشی کړ د میلاد د مخه په اتمه پیړی کی ماوان اووربسی پاسبان او د میلاد د مخه شپږمه پیړی کی د ایران په لویه یزکی مخ ته را غله . د لرغونی یونان د باداری دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی څخه تر شپږمی پیړی پوری او د لرغونی روم د میلاد د مخه په شپږمه پیړی کی منځ ته راغی . د مرکزی او جنر بی امریکا باداری دولتونه کابو د (۱۵۰۰) څخه تر (۲۰۰) کالو پوری داسپانوی پرغلگرانو څخه مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو) سره سر نه خو ری څکه دهغوی دولت ژښت پخوا نی دی .

د باداری استبدادی دولتونه :
قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه گڼل کیدی او یوازنی دهغه د پیدایښت لومړی پړاو دی . د حکمرانانو د تدریجی واک د زیاتوالی اود دولتی دستگاه د پیاوړتوب په نتیجه کی قبیلوی اتحاد یی استبدادی مړی لرونکی دولت ته ټکا مل وکړ او په آسیا ، افريقا او امریکي کی د لرغونی مړی لرونکو دولتو نو هغه معمول شوی شکل دی د باداری دو لټو نو شکل په تاریخی او اقتصادی شرایطو همدا راز په جغرافیایي محیط پوری اړه

لرل .
د استبدادی مرثیتوب صفتونه او مشخصات د مر جوده اسنادو څخه په لاس راغلی دی ، د مصریانو یا پیرو س اوانور لیکونه پر تیگرو باندی د لرغونی لیکوالانو اوانورو کسانو خبرونه چی پخپله گواهی ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرونه او نور اسناد ټول د مطلب په رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته کوی . د بابل باجا ، حمورابی د قوا نیو مجموعه په مرثیتوب کی د ژوند کو لو دخیرنی دپاره زیات ارزښت لری . دنوموړو قوانینو متن د میلاد څخه د مخه په اتلسمه پیړی کی په پایتخت کی د یوی توری ډبري پرستون کیندل شوی دی نو موړی د قوا نیو ډیره پخوانی مجموعه ده چی موړ ته راپاتلی شوی ده . دمریتوب نظام د یوه انسان له خوا دبل گټه خوړل یی ښه توضیح کیدی د حمورابی حکمرانی په وخت کی د بابل امپراطوری دیوه باداری استبدادی دولت نمونه وه او باجادر مرکزی دولت یو کر غیره حاکم و چی ټول اجرای قانون نافذ ونکی ، قضای او مذهبی واک یی درلود . دظالمی باداری مسلطی ایدپالوژی د مشخصاتو څخه یوه هم دا و چی باجا یی لوی حکمران اود ځمکی خدای گانه او د هغه فرمان نازل شوی وهی (وحی) بللی . باجا د حکومت کولو دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټلیکی دستگاه څخه کار اخیستی . دمامورینو یوه برخه دمرکزی دستگاه دبیلو بیلوسو شعبو متصدی وه په داسی حال کی چی نور د باجا دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو او ناحیو باندی حکمرانی کول .

په مریتوب کی تولیدی روابط :
تولیدی اړیکی دلته هم لکه د تولید پر وسا یلو باندی دخصو صی مالکیت دتولید په نور جریان کی ، دطبقو اساس او دمحصولاتو د توزیع شکلونه په برکی نیول .
مر ثیان او باداران -
د حمورابی قوانین نه یوازی د تولیدی اړیکو مشخصات په بین النهرین بلکی په عمومی ډول په هر باداری دولت کی راته ښی .
د بابل دو لټ حاکمه قدرت وړو او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او د حمورابی به قوانینو کی د دولت او قوا نیو یو طبقاتی شکل له ورا په څرگند شوی دی خپلی گټی یی زیاتی ساتلی . د قوا نیو یوه برخه د بادارانو له گټی څخه

په مستقیمه یا غیر مستقیمه تو گه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مریې دېدن کوم خای خوږ کي دهماغه مجازات- تو چی خاړو دپاره په نظر کسی نیول شوی وه دجر یمی په تاد په کو لو مکلف و. هغه وخت چی به یی دبل چا مریې ووژنی نا چا ره و چی خاوند ته یی بل مریې ورکړی دیوه مریې کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرثیان یی په خپل والک سره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مرثیا نوسره بد لول اود میراث په شانی له یوه څخه بل ته پاتسی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو د شتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی به مریې غلا کي او یا به یی تېښتیدلی مریې ته خای ورکي حکم یی دمرگ و . هر مریې د خپل څښتن یوه ځانگړی نښه پر خپل بدن در لودل که کوم آزادسړی هغه . نښه ورڅخه لیری کړی وای هغه ته هم سخته جزا ورکول کیدل . مرثیان دتولیدی وسا یلو څخه لاسه کوی دپرو لومړی نیو انسا نی حقو قو څخه هم بی برخي وه .

په دی ډول ، بادارانو به دتوب- لید پر وسا یلو سر بیرته زحمتکښان اومر ثیان هم پخپل شته کسی-را- وستل چی دا دمریتوب نظام دتو لیدی روا بطو له خو یو نو څخه و .

بابلی ټولنی تجاؤز کارا نه او یی پایه جگړی ، دمرثیا نو لاس ته وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وگړی به یی دهمدی لاری مرثیان کول . دمریتوب په ډیرو ډولونو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وگړو او کاسبا نو دوی شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په بابلی کی هم دغی وضعی په یو لړ تو پیر سره وجود در لود چی خپلوا کی وگړو په ډیرو ژر خپله آزادی د لاسه ور کول اود مرثیا نو په لښکر په گډیدل .

ور سیدی ، مقصر به یی یوازی جر یمه کي که کوم موسکینو غلا کړی وای دلومړی ډلی د جر یمه په پر تله به یی شو چنده جر یمه تا دیه کول بیا چی کوم سسری مریې غلا کي (چی دټولنی د اساس پر ضد یوجنا یت گڼل کیدی) بیله دی څخه چی مقام یی په نظر کی ونیسی حکم یی دمرگ و. هغه چی دپوره حقو قو څخه پر خسه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل . بی وزلان دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یایښت ور کړی او دومره څه پیندا کړی چی له مرگ په راوگر څی مجبوره وه چی د شتمنو څخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی به خپل پور نه ور کاوه په بدل کی به یی مالو ته ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی دیوالی (افلاس) شوی بوروی (معمو لاد کورنی دغرو سره) به دیوه ټا کلی مودی دپاره مریې کاوه او په دی کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتسی و . پرمړتیا نو باندی دسو داگری نوی شکل منځ ته را غی او هغه به داسی و چی چا به خپل ښار یان را نیول او هغوی به یی بیا هغو بادا را نو ته چی دکار قوی ته به اړو په اجاره ور کول .

دمریتوب په دولت کی اشتراکی ټولنه :

څله به لرغونی بابلی کی زیات شمیر آزادو وگړو دمرثیا نو سره به څنگ کی ژوند کاوه؟ دوی زیاتره دکلا نو غړی وه چی لومړنسی اشترا کی نظام ته یی مخ اړ ولیو. د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مخکو کی چی د کرنی ډوی او د سیندو نو دسیل له کبله خړو بی کیدی داو بو لگو لو یو پیچلی اوسا زمان لرونکی سیستم منځ ته راغی . که چیری مخکی او بو لگو لو شبکی د با دا را نو تر منځ ویشل شوی وای په پای کی داو بو لگو لو سیستمونه ټنگیدل اودکر هنی درا ټیتیدو سبب کیدی څکه مرثیا نو دخپل کار له نتیجی څخه کومه گټه نه تر لاسه کول . له دی امله دولت پوه شوی چی د کلان خو ندی کول ور ته گټه لری . خودا نوره هغه پخوانی اشترا کی ټولنه نه وه چی هلته هیڅوک نه استعما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه په خاطر کار کاوه په دی نو

شرا یطو کی با دا ری دو لست کلان استثمار اود کلان غړی لگو لو دویا لواو کاریزو نوڅارنه کول چی دی کار ډله ایز انسانی کو ښښو نوته زیات ته اړه در لود دپخوا په شان یی کر نه کول خو اوس یی دمحمصول زیاته پر خسه با چاو سپاهیانوله لاسه کښل.د پاچانماینده گانو سملاسی داو بوشبکی او د کلان د غرو دما لیو او جر یمو سم تادیه کولو نظارت کاوه تولید ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه بی برخي کول .

د لرغونی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دنو په استبداد ی-مر- یتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی د کرنی داشترا کی ټو لنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو مخ پر کمزور تیا شول . باچا په خپله ډیری ځمکی په واک کی لرلی او سمد لاسه به یی دټولنی په نور مخکو په غصبو - لو سره پر خپل مالکیت زیاتوا لی را وستی . دسی مخکو مرکز یت میند لی اود دولت یوازینی حکمران یعنی باچا اړه در لودل دجگړو دلاری به یی وړا ندی تگ کاوه .

دآسیا یی او افریقا یی لرغونی دولتو نو تولیدی قوا وی :

دآسیا او افریقا لرغونی دو لتونو به پیدا ښت کی د تولید وړاندی تگ دوام در لود . په کرنه دتولیدی او زارونو څخه گټه اخیستل په بابل کی رواج ومو ند کاسبا نو به هم او زا رو نه جوړول . دحمورا بی قوا نینو په مجموعه کی هغه وخت په ډول ډول کسبو نه لکه بنایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتی جوړونه ، ودانی جوړونی اونورو نوم اخیستل شویدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تگ وکي او په ټول هیواد کی خلک داو بند لو سره بلد شول . داو بندلو افقی څر خو نو خپل خای نسبتا بشپړ شوی عمودی څر خو نو ته خوشی کي دمسکرا نو په کرو کی دڅر منی بلیو څخه اخستل پیل شول . یوی بشپړه شول اوبښمبه جوړول یو ځانگړی شغل سو او له دی نه وروسته به یی څښتی هم په کرو کی پخو لی .

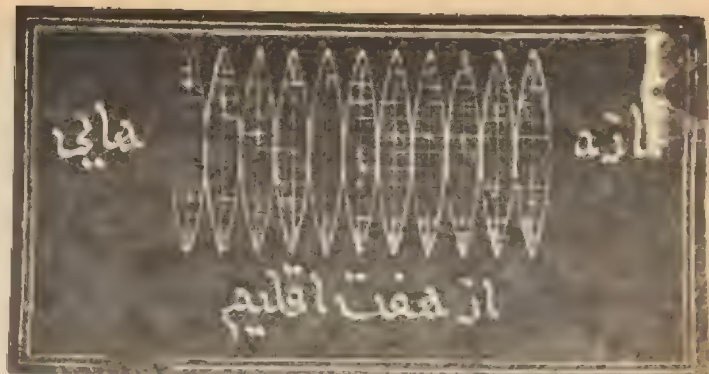
سر بیرته پردی کاسبان خپلواک وه خومرثیان هغو کارو نو ته چی مهارت ته یی دو مره اړتیا لرل او کرا (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، گمارل کیدل . لومړنی

میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یوډېرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه ځانگړی میخا نیکی دستگاه اختراع شو . دآسیا او افریقا په او بو لگو لو سیستمو نو کی دوندو نو او دند شول او بو څخه گټه اخیستل تر مر یتوب تر وخته د لومړنی تکنا لوژی دپړاندی تگ نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سیند باندی ودان شو خورا لو په طرحه وه او دا ډول بندونه او وندونه چی دپرو څخه جوړیدل دهما غه مهال د تکنا لوژی نښی وی . خومره چی سو دا گری دسیند له لاری وړاندی تگ کاوه دپادی او پارووالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده . لښکری صنعت وړاندی تگ وکي او په جگړو کی یی دجنگی ارا بو او جنگی کلا (ارگ) څخه ډیره گټه اخیستل کیدل . لښکری کښتی په وسلو باندی مجهزی شوی .

دتجارتي مال (کالا) مبادله :

په لومړنی اشترا کی نظام کی د مبادلی وړاندی تگ د ارزښت دیوه عمو می معیار په پیدا یښت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاړوی ، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه گډ معیار په تو گه ټاکل شوی وه د مریتوب په نظام کی فلزا تو په تدریج سره دارزش دمعیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس دادنده په غاړه اخیسته وه . چی په ورسته کی بیا سره زروا بیا سپین زر هم ور سره یوځای شول . پیسه دپرو بازار ښت گډ معیار او مبادلی د وسیلی په تو گه او یو ځانگړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبادلی کی یی پر خه اخیستل ، په کار ولویدل په اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او وروسته یسی دسیکی شکل غوره کړ .

دتجارت وړاندی تگ دسو داگرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی هغه خلک وه چی دتو لید په ساحه کی یی گډون نه در لود او یوازی به یی دما لو نو په مبادلی او سو داگری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به یی تر لاسه کول سودا گران له یو ځای څخه وبل ځای ته تلل اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو ته وهل په دی ډول دتولنیز کار دریم ویش منځ ته راغی . (نوریه)



درجه و تنظیم از : میرحامد الدین برومند

با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهشی و جانکاه و تومور های سرطانی پروپلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است. باری این مرض علاج ناپذیر ، و زمانی هم امیدواری هایی دوزخ پنه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیای پسرای محو این مرض متوسل میگرددند و زمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او اخر دیده شده که از فزیک درجهست از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید. در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه دار برای نابودی کامل امراض سرطانی و طرق درمان آن، صورت گرفته است . لاکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را ذیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز، جگر و تریش را ثابت و حتی حیثیت و قایه وجود را از امراض سرطانی میتوان داشت باشد . گرچه اقوام موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بیحت و سایل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتمی، قوه های تخریبی اتم در دارمان بطوری بکار می بندند که زخم ها - تومور های سرطانی را به بعض رسائیدن بدن ، از بیشری آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق تومور ها و زخم و علایم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتمی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس یکی بر تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار یار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و تومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درینصورت مرگ زود به

میسازد، ازینرو با نسیطر داشت مطالبی که گفته آمد، اشعه جد ید درمانی برای امراض سرطانی در مجموع در راس همه تداویر دیگر حمایتی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد، البته این ادعایست که متخصصین امراض سرطانی نمیتوانند اما یک مطلب را نباید فراموش کرد که اشعه ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند و چه زود کار تشخیص مرض را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین یک اشعه در مانی که در فزیک علم کیمیا و فزیک تدارک دیده شده است . سرعت پختیدن پروتون های اتمی در وجود ، مضی از طریق کمپوتی های مخصوص برای اینکار عیار شده میتواند و بس . این اشعه ها در شناخته ها از طریق یک سیستم کاتالی در اتاق ها تقسیم و بوسیله کمپوتی هر شاخه علیحده فعالیت نموده و با نظر داشت خصایل فزیولوژیکی مریض، به وجود مریض خاصا در قسمت های که غسوات سرطانی فعالیت دارند ، در بر طرفی مرض و تقلیل در دوکاشی اثرات

آن از سایر حصص وجود، میکوشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به قهید - شونندگان امراض سرطانی سیمیناری بموبه بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سیمینار «دکان سیمینار پیرامون تولید بسته های پروتونی» تصمیماتی بعمل آوردند در سیمینار که در مورد استفاده از اتم در دارو های کاملا مدون ضد سرطانی با فشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکتوران، متخصصین کیمیا و الفیزیران متعدد از کشور های سوسیالیستی ، اضلاع متحده ، سو یسن و فرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گردهم آیی و ملاقات دانشمندان بایکدیگر، معرفت با فزیک اتمی، تخنیک سرعت عمل در کینیک های عملیه های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش های موثر متخصصین علوم کیمیا و فزیک و طبیبان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکاه و مدهش امریست انسانی و در خود ستایش، که اینک مبتلایان سرطان امیدواری به آینده، آینده که مرض شان درمان خواهد یافت ، می اندیشند .

هم فزیکدان هم هنر پیشه

کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لاکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگین» کنون صد آهنگت خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگت ها و کمپوز های او رزمی، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار و آهنگت های وی بیشتر مورد توجه هنگام قرار میگیرد وی



زرگی نیگین با مینتار در حال هنرنمایی

شام ها با گیتار خود روی سن ظاهر میشود و همراه آن با آن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار ته و بالا میدوند . آواز گیرایش شور و شفع خاصی به نوای گیتار او میدهد و چه مشکلت باور کردن «سین مطلب . مذکور صبح تا شام چه مشقت و خستگی هایی را که در مرکز علمی کسار خود متقبل نشده است منظور ما (زرگی - نیگین) یکتا از فزیکدانان وارد و جرم - دست است، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته و مطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بلون آمادگی قبلی در فلم کمیدی (جهنم سر نوشت) آواز خواند که کمپوز شعر آن (میکائیل تازی فردی) بود. این فزیکدان که در کیمیا نیز وارد است در ساعات فراغت از کار های مربوط به شعبه اختصاصی اش یعنی فزیک ، کمپوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود و آواز خود در وادیو، تلویزیون و تالار ها طنین می اندازد با آنهم پیروزی او تا آن حد است ، که از محصلان گرفته تاج و تاجو جاست و کارگران معدن ، آهنگسایش را منحیت آهنگت روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را باز نماید، یک فزیکدان با آنهم پیروزی او تا آن حد بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بود بشکل قابل توجهی تبارز دهد، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت و خود به تنهایی به کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گوارای کشورش میداند چه در بر تو همین شرایط مساعد بود که «زرگی» در مسابقات تلویزیونی (هلو، ما - استعداد های شگوفان را سرخ و شگوفاتر میسازیم) یک پیروزی غیرمنتظره در برابر او

هواگرام وزن داشت پس از چند دقیقه دلتا صد برابر بزرگ و سنگین میگردد. بدین تازگی ها محققین و پژوهشگران نباتی یکنوع سمارق را کشف و مطالعه کرده اند که هر کدام آن در حدود هفت کیلو گرام وزن و ۵۸ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن ۴۶ سانتی متر محاسبه گردید و تنها ساقه ۲۲۵ سانتی متر اندازه شد. یک شاخه دیگر از نوع سمارق سنگی بنام سمارق ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند. سمارق های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میداشته باشد که البته در نوع خود نظر بشکل ظاهری فرق فاحشی از ساختمان سایر سمارق ها



این هم از جمله سمارق های شفافش است

داشته و زیاد جالب میباشد، سمارق های مذکور دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده و اما زود فاسد شده، در روز سوم و چهارم چیدن از خوردن می افتد. «سمارق شگوفه ای» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انواع سمارق ها پسادگی فرق میگردد اما اگر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع نماید،

حصه قطع شده کبود نمیشد. یکنوع دیگر که بانوع سمارق «شگوفه ای» شباهت نزدیک دارد، برکهای تازه سبز به کنادش می رود و به اسرع وقت یعنی در ظرف یک دقیقه دلتا

چنان نمو میکند که هر دانه آنرا به مشکل میتوان در یک سبد گنجایید. سمارق عجیبی که کلاه سرخ و قسمت پائین کلاه و یا به عبارتی ساقه آن دارای رنگ زرد یا پسته ای میباشد نظر به نظریه محققین نوع مذکور گرچه زهر آکین نمیشد، لکن صرف کردن آن نیز مطلوب نیست.

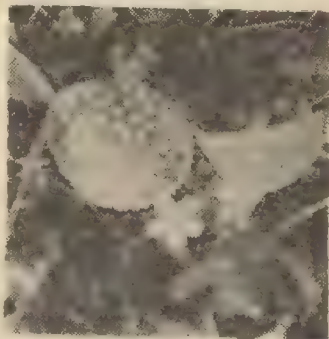
باری در نزدیک سرایشی یک کوه که با درختان خوشی، کاج احاطه گردیده و کوه مذکور را همین درختان سبز با جنگل

سمت دیگر مرتبط میساخت. گرچه گرگ، خرمن و خوک جنگلی آنجا زیاد بود، با ولف آن برای تماشای ملاحظه سمارق های متعدد و انواع آن بی حد و حصر ذوق زده شده بود و

در جنگل گرچه بادلبره به بیش ۳۰۰ میزد با یکنوع سمارق دیگر برخورد، سمارق که غیر از سمارق سنگی، ناکی مسکه و باور یکی که بیش از دو کیلو گرام وزن داشت این نوع سمارق نظر به تحقیقاتی که نسبت به آن بعمل آمده، میتوان آنرا سمارق شفا بخش خواند بدین مفهوم که این سمارق در شفا بخشیدن بیماری از امراض و گرداندن سلامتی مریضان یقین معجزه میکند. سمارق بقیه در صفحه ۴۸

بعضی از انواع آن. من که سمارق های فراوان را با انواع آن بلد بودم، کنجکاوی من تحریک گردید تا بدانم شمار انواع این خسو را که به چند میرسد. بمو چپ آخرین تحقیقات در مورد چگونگی، مزه، مواد و مقدار نوع، سمارق را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سمارق را شناخته اند که با تاسف باید متوجه گردید که فقط مقداری کمی از اینهمه انواع آن قابل استفاده و خوردنست، تقریباً دوصد نوع آن، در حالیکه از جمله این دوصد نوع محض (۱۵-۴۰) نوع خالص قابل استفاده بوده و متباقی دارای مواد است

که امکانات مسموم ساختن صرف کننده را دارا می باشد در تشخیص سمارق های مورد نیاز از ملاحظه کامل کار گرفت چه سمارق ها دارای تایلیم خاص و مشخص میباشند. یکنوع سمارق که بنام «سمارق سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی و از جمله انواع سمارق های طرف استفاده، بحساب می آید. به علاوه بهترین نوع سمارق ها را که بایستی چید به علاوه سمارق سنگی.



از نوع سمارق های بال دار

سمارق های نوع محرک، سمارق سرخ و سمارق مسکه دار نزدای مواد بهترین نسبت به سایر اقسام سمارق ها میباشد.

همچنان نوع دیگر از سمارق ها، بنام «سمارق بالدار» نیز فرط سمارق های مفید می آید. محقق مذکور میگوید: «چین چیدن سمارق، یکی از دوستانم که بقول خوشی تمامی انواع سمارق ها را میتوانست از هم تفکیک بدارد در آن محلیکه تا چشم کار میکرد سمارق بود بحدیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه و محدود سمارق ها را از جمله آئینه سمارق ها بردارم و بس. دوستم در

مورد شناخت سمارق ها برایم تشریحات داده گفت مثلاً کدام نوع سمارق اگر دارای چگونگی کلاهک باشد و چگونگی روئیده باشد قابل استفاده است و کدامش برخلاف زهر آگین و مسموم کننده میباشد. من در اواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سمارق برخورد که بمان سنگ سخت بود و با کوبیدن انگشت صدا میداد بی پردم که حتماً سمارق سنگی است که دفعتاً روئیده و سر میزند. این نوع سمارق که در ابتدای یعنی لحظه سر زدن فقط



هنریشه جوان در یکی از لابراتوارهای فزیک.

است زیاد دوست دارد اکثر اوقاتش را با طرفداران هنرش باشد. گرچه خوشی بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیز نیست لکن دیگران درین مورد که او صدای نا هنجاری دارد همراهیش هم عقیده نیستند. در همین تازگی ها این فزیکدان

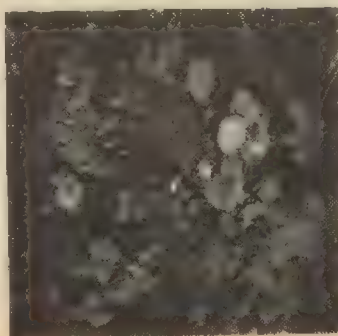
صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهای را در قید نوت در آورد. کنسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گرایش ایجاد کرد. او میخواست به کمک علم فزیک احساسات علاقمندان هنرش را مرتعش گردانید، تحریک بدارد. از نگاه او فزیک و فزیک دو علمی اند که هر دو به انسان وسایل خوشی می آفریند.

میخواهد هر کجایی رنجیده و مستمیده باشد بایست به کمک او شتافت، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، او که از طبیعت الهام میگیرد، برخوردار از یک جهانی کامل بوده و بیشتر از اشعار بنگینی یشکو، میخائیل زفیلوف.

زفیلوف، یونامورنیک، جوزف اوتکین و ایلینا ایرنیورگ خوشی می آید. وی طرفدار آنست که ادراک و احساسات انسان میشود از طریق موسیقی و شعر خوب بسایرین انتقال یابد. او با این نظریه جمعی را که آنجا که طبقات وجود دارد تدویر نیز بصراحت چشم میخورد. او که مرد مریض و شوخی

بموجب تحقیقات گسترده ای بیش از هشتاد هزار نوع سمارق وجود دارد

بموجب تحقیقات گسترده ای، بیش از هشتاد هزار نوع سمارق وجود دارد. اینکه سمارق چگونه خوراکی است و چه مفاد و مضاری در خود نهفته دارد در زمینه، یکی از آنانیکه بخوردن سمارق میل فراوان دارد باز ارتباط بموضوع فوق یکی از جمع کننده های سمارق ها، خاطراتی را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام را باید سپری میکردم بدهکده پدری رفته، شفق



سمارق شفافش

تازه دمیده بود و من با سبدی راهی جنگل شدم تا سمارق جمع کرده باشم. تا جنگل دو کیلو متر راه بود، راهی واکه من پیش گرفته بودم، راه یک مزرعه بود که به یک باغیچه کوچک منتهی میگشت و اما در سمت دیگر، مویی علیا و سبزه های گوناگون فرش شده بودند که استقامت آن فرحت انگیز بود در حین جمع آوری سمارق در حالیکه بشکاف و نیز می اندیشیدم بیاد گفته های سمارق شفافش



فضا نوردان در لباس فضا نوری شان دیده میشوند

تر جمه از احمد شاه

ریکار دبو دوباتش در فضای کیهانی

همه چیز ها ما ننده همیشه بود مانند چند ین پرواز های کیهانی گذر شته و در ضمن همه چیز ها غیر عادی بود . هنوز دو کیهان - نورد اتحاد شوروی و لا - دیمر لیا خوف ووالری ریو مین در زمین بودند اطلاع یافتند که به یک سفر دور و دراز به فضای کیهانی میروند . قبل از این ها ریکاردو مدام و متپر واز در فضای کیهانی یکصد و چهل شبانه روز بود . در شام بیست و پنج فبروری سال جاری سفینه فضا ی (سیوز - سیودر) با دو کیهان نوردان لیاخوف وریو مین به مدار پر آمد . هنوز قبل از عزیمت به فضای کیهانی این نکته تثبیت گردیده بود که در استیشن تحقیقاتی (سالتوش) یعنی در جایکه دو کیهان نورد نیز به تحقیقات ادامه می دادند یکصد و نفا یص جدی موجود است . سر نوشت کار های تحقیقاتی دو - کیهان نورد و استیشن «سالتوش» شش» مربوط به موفقیت کیهان - نوردان متذکر در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود . این دو کیهان نورد باید یکی از مخزن های محروقا تی دستگاه موتور استیشن را متوقف می ساختند و آنرا از مایعات مضره تصفیه می ساختند .

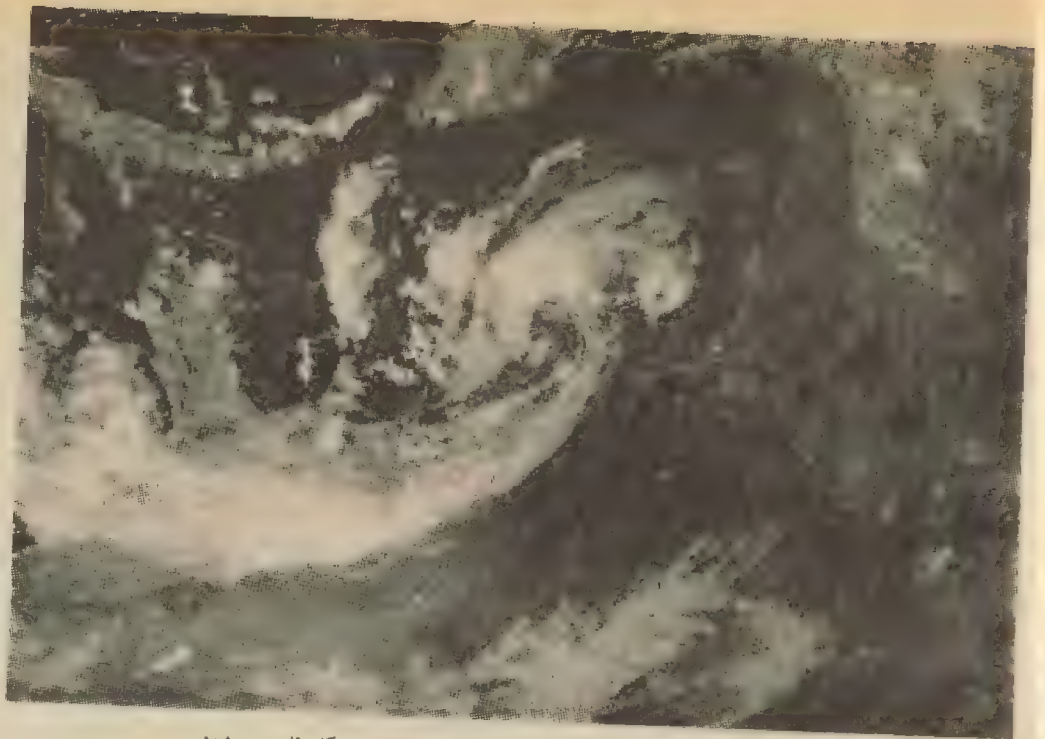
لیا خوف وریو مین این وظیفه را به بسیار موافقانه به پایان رسانیدند . هفته اول ماندپرواز های سابق کیهان نوردان روز های سخت را سپری کردند زیرا ازود تر خسته میشدند و احساس درد های شدید میکردند ضرورت بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کار هابطور عجیبی پیش میرفت . دا کتران در دستگاه رهبری زمین از این نکته به تعجب شدند و تئوریکه در روز سوم پرواز لیا خوف وریو - مین پیشنهاد کردند تا در تقسیم اوقات روز مره آنها ورزشی گنجانیده شود قبل از اینها این نوع پیشنهادات بعد از روز پنجم به دستگاه رهبری محابره می شد . ماه اول پرواز را در ترمیم استیشن سبری کردند . کیهان - نوردان سیستم اثر ژبکی استیشن آلات را غرض ارتباط را دیو یو تلویزیونی ، لباس کیهانی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کردند حتی ششاور را نیز سر از نو ساختند . قبل از پرواز لیا خوف وریو مین استیشن (سالتوش) یکنیم سال به کار خود ادامه داده بود ، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند . بعد از پرواز لیاخوف وریو -

یومین استیشن «سالتوش» در طول شش ماه سه سفینه با ریسر ویک سفینه بیدون پیلوت (سیوز - سیوچار) رانیز پذیرفت از بیان و باد رنگ که در سفینه کاشته بودند استفاده میکردند اگر چه در سفینه همه چیزها خویتر نمی روئید مگر با زهم در وقت صرف طعام تا انداز از آن استفاده میکردند . لیا خوف وریو - مین با دستگاه رهبری در زمین رابطه ثابت داشتند و از سفینه اطلاعات تلویزیونی ارا نه میکردند . در اواخر ماه دوم سفر اطلاعات تلویزیونی در زمین در تلویزیون ظاهر شد . درین دو ماه اطلاعات تلویزیونی تنها به یک جهت یعنی از حاشیه (عرشه) سفینه فضایی به زمین داده میشد و ارتباط تلویزیونی دو طرفه نظر به یک سلسله علل تخنیکی برقرار نکرده بودند . از جانب دیگر این نکته برای آنها نیز مهم بود که نه تنها با اقارب خود ارتباط محابروی بگیرند بلکه باید آنها را ببینند . درین مدت دستگاه رهبری زمین توانست که یک سلسله اطلاعات را به شکل گرافیکی و اشکال به آنها برسانند این کار از اصراف وقت جلوگیری نمود و از طرف دیگر ارتباط مدا کروی را بین زمین و فضا آسانتر ساخت . هنوز یکنیم ماه را در فضا سپری نکرده بودند که به استقبال مهمانان باید آمده میشدند . سفینه فضایی سیوز سیو سه به رهبری فضا نورد اتحاد شوروی نیکلای رو کس - یسنیکوف و فضا نورد بلغاریا یی کیور گیا ایوا نو فز آنهار ستاده شد . متاسفانه در فضا همیشه تمام کار ها موافقانه صورت نمی گیرند زیرا نظر به علی سیوزسی - و سه نتوانست به سالتوش ملحق شود و دو باره بزمین برگشت در نتیجه یکتعداد تجارب را که سیوز سیو سه باید انجام میداد بدو شلیا خوف وریو مین افتاد تعداد تجارب به حدی رسید که حتی محاسبه آنها مشکل است . این دو کیهان نورد در طول مدت اقامت خود در سفینه بطور منظم از زمین عکسبرداری میکردند زیرا امروز بدون نقشه برداری کیهانی جیو لو جست ها ، کارکنان زراعت ، طراحان ساختمانهای بز رگت هایو تخنیکی کار های خود را بطور موافقانه پیش برده نمیتوانند نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشه برداری میشود . در طول مدت اقامت خود کیهان نوردان به مایه های گبران ، کشتی رانان کمک های مایه جانیه میکردند و اطلاعات بسیار ارزنده را به آنها میدادند . برای تحقیقات اتمو سفیر زمین و عکس برداری ذخایر طبیعی زمین کیهان - نوردان از کمره عکاسی استفاده می کردند که قبلا در استیشن سالتوش شش موجود بود و توسط لیاخوف وریو مین درین پرواز در عرشه استیشن برای اولین مرتبه در جهان رادیو تلسکوپ را نصب کردند که

بقیه در صفحه ۶۷



فضا نوردان در حال صرف میوه جات دیده می شوند



جزر و مد اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان ها و حین حملات درخشکه هادیده میشود

ترجمه ج. آهنگر

چگونه مبارزه با حوادث حیات آدمیزاد را مصلحت می بخشد

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار مشکلات و تکالیف زیاد بودند و این تکالیف زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های مدهش و سایر آفات طبیعی و سماوی بود، در آن زمان که سطح زندگی نازل بوده و همین محدودیت های محیطی و جغرافیای در تعیین شعور و افکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا هر قدر زیر بنای زندگی مادی پهن و وسعت داشته باشد به همان اندازه شعور و افکار داشته باشد به همان اندازه شعور و افکار اجتماعی نیز همای آن رشد و تکامل می نماید . روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها با وجود محدودیت های زیر بنای مادی زندگی افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و نمی توانستند علل و موجبات ایجاد و پیدایش طوفانها گرد باده ها ، رعد و برق و غیره را دریابند بنا برین از وجود آن ترسی و هراسی داشتند و برای جلوگیری از آن دست به تصرف ، توبه و استغفار می زدند قایم این طریق توانسته باشند نیرو های مدهش و خطرناک را که به اساسی قانونمندی های درونی علی پدیده ها وقوع آن جبری و ناگزیر بوده مطیع و آرا سازند همین نیرو های مادی و ترسی از آنها بوده که بعد ها با گذشت

سایان اندیشه های عبادت از آنها را در ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود . اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی زمین میگذشت نیرو های مولده رشد و تکامل می نمود همای رشد و تکامل نیرو های مولد شعور و افکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد و تکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها توانستند وسایل جهت جلوگیری از ضربات کوبنده طوفانها ایجاد و مصلحت برای خود و احضار شان ایجاد نمایند . امروز دانشمندان و متخصصین اقلیم شناسی توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها و غیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام سایکلون ها - هریکن و غیره یاد میشود پیش بینی نموده و از وقوع آن قیلا اطلاعات لازما در اختیار جامعه بشری قرار بدهند تا به اساسی آن بتوانند قیلا در جساهای مصون بود و باطنی اختیار نمایند و مواضع و محل را که در آینده مورد حملات و تهدید طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده تا از اعمار منازل رهاایشی در آنجا خود داری و اجتناب بعمل آرند . طوفانها یکی از خطرناک ترین حوادث است که خسارات مالی و جانی را به جامعه بشری بوجود می آورد سرعت طوفان و گردباد ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود ۷۴ میل فرساعت و زیاد تر از آن است و هم

سرعت طوفان ها که شدت آن زیاد بوده در حدود ۲۰۰ میل نیز تا کنون اندازه گیری شده است توام با این سرعت ممکن است گرد و غبار و دمه به قطر چندین میل فضا را بپوشاند . بعضی از طوفان ها که در قسمت های

اوقیانوس اطلس و ساحات انگلیند جدید مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از جهان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود اختیار نموده است چنانچه طوفان که در سال ۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع پیوست منجر به نابودی شش هزار نفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۵۵ تنها در شهر نیو یارک ایالات متحده منجر به قتل دوهزار نفر گردیده و اضافت از هفتصد میلیون دلار خساره مالی در پیکر اقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما طوفانی که در سال ۱۹۷۲ در آن کشور بوقوع پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را به قتل رسانیده و در حدود سه میلیون دلار خساره مالی وارد نمود .

حوادث سال ۱۳۵۷ در کشور افغانستان که یارندگی های شدید را در قبال داشت در اکثر ولایات ضربات کوبنده و مدهش را به دنبال داشت که کمتر نظیر آن را می توان در چندین دهه های گذشته جستجو نمود درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر یکماریت کشیده شد و در حدود ۷۱۲۵ فامیل به مشکل بی سر پناهی و آواره گی مبتلا شدند .

نظریه احصائی و ارقام که در دست است گفته میشود که این طوفان مدهش در حدود ۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملا از بین برد و خسارات مالی و جانی نیز با آن همراه بوده که در حدود (۱۷۳۳۴۷۶۲۵) افغانی مجموعا خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده است که بخوبی و به آسانی میتواند وقوع چنین حوادث ناگوار و تباہ کن را پیش بینی نموده و آلات و وسایل دقیق تخنیک که قدرت پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را در درین شرایط دارد بواسطه زحمات و تلاش های خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها تدارک نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و خطرناک که در گذشته شمرده می شد به بقیه در صفحه ۴۹



مادرین نجات در کمک آسیب دیدگان رسیده اند

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهی کشید و چشمها نشی را باز کرد، از سطح یخ زده کلکین، از بالا بنای ستاره ها بیکه طور عجیب رنگت شده واز بین شاخ و بر کها بیکه به نمونه غریبی نقشه شده بود ند شعاع آفتاب می تا پید. در دا خل اطاق: اشعه خورشید ما ننسد برف سفید می در خشید، انعکاس شعاع آفتاب از دست شوی بر دیوار در حال لرزه بنظر می خورد. با کشو دن چشمها نشی بیاد وی آمد که شام گذشته (پکون نجسار) برا یشش گفته بود:

«حالا من رنگش خوا هم کردو بالایش آب خوا هم ریخت ووقتیکه صبح از خواب بر خاستی می توانی روی آن بالا شوی و بر وی. شام گذشته پکون با سا سن خوا هشی جلدی نیکیتا يك تخته برفی برا یشش ساخته بود، تخته چنین ساخته شده بود: در حالیکه پکون در وسط جای ترا شش کردن پهلوی میز کار نجار در گاراج ایستاده بود دو تخته وچار پایه ترا شید، کنار های عمده تخته پائینی طوری اوریپ ترا شیده شد بود که در برف فرو نرود، پایه ها نهایت نازك ساخته شده بود، در تخته با لای دو فرو رفتگی برای پایه ها وجود داشت تا ترا نند خود را محکم کرده بتوانند. تخته پایینی باکود گاو رنگ شده و آب بر آن ریخته می شد ودر بیرون در هرای سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ بزند، این عمل سه بار تکرار شد بر تخته بالایی يك ریسمان نصب شده بود تا تخته برفی توسط آن کشش شود ودر حال را ندن سمت حرکت آن در اختیار راننده قرار گیرد.

«تخته برفی با ید حالا آماده و نزدیک در استاده باشند» پکون چنین يك آدمی بود، او می گفت اگر من چیزی را وعده کنم، کلام با اندازه قانون راست خوا هد بود و انرا انجام خوا هم داد. نیکیتادر کنار پسترش نشست وگوشش داد، خانه خاموش بود هیچکسی هنوز از خواب بیدار نشده بود. اگر او لباس ها یش را در ظرف یکدقیقه می توانست بپوشد بدون اینکه رویش را بشو ید و دندا نها یش را بر سن کند، قادر خوا هد بود از دروازه عقبی به

حویلی دا خل شود واز حویلی تا در یا، جائیکه توده های برف در کنار نشیب انباشته شده بود يك سنگ انداز فاصله بود. نیکیتا از بسترش بر خاست و با نوک پنجه هایش در چار گوشه خانه که آفتاب آنرا گرم کرده بود حرکت کرد. در همین هنگام در باز شد و يك کله با عینک، ابرو های سرخ و بر جسته و ریش سرخ تیز نمایان گشت. کله چشمک زد و گفت:

«تو دزد کوچک، از خواب برخاستی»
ارکا دی - ایوانو ویچ
آدمیکه ریش سرخ داشت معلم خصوصی نیکیتا بود - ارکا دی ایوانو ویچ از شام گذشته در تجسس بود و صبحگاهان عداوت

الکسی تولستوی

طفولیت نیکیتا

يك

صبح

آفتابی

مترجم: دکتر خداینداد بشرمل

تراز خواب بر خاست، ارکا دی ایوانو ویچ يك آدم هوشیار و زیرک بود او با طاق نیکیتا در حالیکه خنده معنی داری در چهره اش نمایان شد و به طرف کلکین رفت، به آئینه تنفس کرد و وقتیکه یخ آن آب و آئینه صاف شد عینک ها یش را مرتب نموده از کلکین بطرف حویلی نگاه کرد.

«در آنجا نزد يك در»، او گفت: يك تخته بر فی مقبولی استاده نیکیتا چیزی نگفت و تنها کمی ترو شروی کرد. او مجبور شد لباس بپوشد، دندان ها یش را پاک کند و رویش را با گوشه ها یش و

حتی گردنش بشو ید. بعد از این ارکا دی ایوانو ویچ از شانه ها یش برگشته او را بطرف اطاق نان به ما ر شش بود، ما در شش که لباس ها یش پشیمی بر تن داشت کنار سما وار نشسته بود در حالیکه روی نیکیتا را در دست ها یشش گرفته بود با چشمان روشن و درخشان بطرف او دید او را بوسید. «نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟» بعد او به ارکا دی ایوانو ویچ دست دراز کرد.

«خواب خودت چطور بود؟ ارکا دی ایوانو ویچ؟» او با دلجو یی بر سید:

بروت های سرخش خندیده پهلوی میز نشست به چایش شیر ریخت، پارچه قندی را در دست

اهدا به پسر نیکیتا الکسی ایویچ تولستوی با عشق عمیق مولف

در عوض اینکه ترجمه آلمانسی اش را تکمیل کند برای دو ساعت پهلوی میز پکون نشست و قشش را تلف کرد.

ارکا دی ایوانو ویچ هیچگاه شکایت نمی کرد، این حقیقت است اما نیکیتا همیشه مواظبت می بود. ما در شش در وقت نا شتا گفت که شب هنگام سر ما ی بسیار شد ید بود و مجرای بیلر آب را یخ زده بود و وقتیکه نیکیتا می خوا هد بیرون برود با ید روی او شش عسکری اش را بر تن کندها نیکیتا گفت: «صدا دقا نه می گو یم که بسیار گرمی است.»

«لطفا روی او شش را بر تن کن.» این سخن را ما در شش بر زبان آورد.

«این روی او شش و خسابرم فشار میدهد و مرا خفک میکند مادر! این روی او شش مرا بر یز شش گرفتار میسازد.»

مادر به ارکا دی ایوانو ویچ و نیکیتا دید و وقتیکه گپ می زد آوازشش لرزان بود.

«تو باین حدنا فرمان هستی که نمی دانم يکه می مانی.»
ارکا دی ایوانو ویچ گفت: «بیا که بدرس های خود شروع کنیم.» دست هایش را طوری می مالید که گویی خوشی بزرگتری از حل مسائل ریاضی - دکنه کردن ضرب المثل ها و یا سخنانی که آدم را بخواب ببرد (خسته کن - مترجم) وجود ندارد.

نیکیتا در اطاق سفید بزرگ بیکار که نقشه دو نصف کره در دیوارش آویخته بود پهلوی يك میز که باداغ های رنگ و تصویرهای عریان پوش شده بود نشست و ارکا دی ایوانو ویچ کتاب ریاضی را کشود.

«تا کجا خوانده ایم؟» با تندی گفت. بایک پنسل نوک تیز پرا پلم درسی را نشان داد.

«تاجری چند متر تکه آبی را فی متر سه رو بل و ۶۴ کو پک و یکد اندازه تکه سیار را.» بخوان نیکیتا. همزمان بان، طور معمول، اورا جمع تاجر کتاب ریاضی اش تصور می کرد. او دریك بالا پوش گرد آلود دراز در نظرش می آمد که رنگت پریده و تر شرو بود - يك مسرد سنگین، منور و خاموش، دو کان

نگاهی به اوضاع...

بین المللی رایه زانو درآورد
ارتجاع عرب وداعیه فلسطین :
امپریالیسم و انحصارات ممالک پیشرفته
کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع
سرشار نفتی ممالک عربی، و برای تسلط و نفوذ
اقتصادی و سیاسی خود بالای این ممالک
و نگهداشتن آنها در مدار کاپیتالیستی، دولت
تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال
خود قرار داده است . ولی در سالهای اخیر
در اثر تعمیق وتوسعه مبارزه سازمان آزادی
بخش فلسطین امپریالیسم برای کشاندن ممالک
عربی در پروسه ضد فلسطین وضد حل عادلانه
معضله شرق میانه مساعی زیادی بعمل آوردند.
ارتجاع عرب در قدیم نخستین رژیم سادات

بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، علاقمندی
خاص برای جلب کمک ها ومساعدت های
نظامی واقتصادی امپریالیسم از خود نشان داد.
و در های اقتصادی خود را بی مهابا بروی
چپالوگران استعماری گنود . ارتجاع عرب
نازیدند های که با امپریالیسم داشتند به
نحو از انجا از مساعی برای حل عادلانه داعیه
فلسطین ویرانم های منطقه شرق میانه سر باز
زدند . و در صدر همه آنها رژیم سادات قرار
گرفت . ارتجاع عرب با مبارزات آزادی خواهی
و روحه انقلابی سازمان آزادی فلسطین کینه
می ورزند . و اغلب از کمک های مالی با آنها
ابامی ورزند .

ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار
اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات
الی نیل» هم عکس العمل از خود نشان ندادند،
این شعار را سادات شخصا هنگام مذاکرات
ماه نوامبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشاً نموده
بود . بعد از این تاریخ رژیم سادات همواره
تقاضای کمک های نظامی واقتصادی اسارت بار
را از ممالک غربی وامپریالیستی می نماید .
چنانچه قرا نوشته مجله «افریقا وآسیای
امروز» رژیم سادات از ممالک غربی بیست
میلیارد دلار قرضه را تقاضا نموده است .

چاکر منشی رژیم سادات دراستان
امپریالیسم و صهیونیسم اسرائیل بعدی ارتقا
نموده است که رژیم وی وظیفه پاسپانی
منافع امپریالیسم را در منطقه شرق میانه حتی
قاره آفریقا بعهده گرفته است هم اکنون قوای
مصری در بیش از ده کشور آفریقایی مداخله
نظامی می نمایند . رژیم سادات همچنان برای
تشیق ممالک دیگر عربی در سازش های
جدالانه با اسرائیل نیز میادرت می ورزد .
در اثر تعقیب پالیسی فوهای باز مصر
میزان انقلابیون درین کشور پانزده فیصد
افزایش نموده است .
وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و
بحران اقتصادی شدیدی دامنگیر جامعه
مصری باشد .

در نوزدهمین مجمع عمومی موسسه ملل
متحد که در بیست و دوم نوامبر سال (۱۹۷۴)
صورت گرفت . احترام به حق تعیین سرنوشت
خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی
ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد
فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین
بزرگتری موقتیت بین المللی سازمان رها کرد
بخش فلسطین بشمار می رود .
بعد از این تاریخ پرستیژ بین المللی
سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور
روزافزونی به سطح عالی روبره فروئی نهاد .
همچنان یک کمیته بررسی تامین حقوق مسلم
خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد
تاسیس گردید .

سیم گیری نمایندگان موسسه آزادی
فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد
وارسمان های آن اکنون به معیار قبول و
پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده
است . نمایندگی های این سازمان در بیش
از صد کشور جهان تاسیس گردیده است .
ستراژی صهیونیسم اسرائیل ادامه اشغال
مناطق عربی ، لبنان، سوریه و حتی تمام
شبه جزیره عرب را در بر دارد . چنانچه
اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد
شوم خود ، اوضاع را در «جنوب لبنان فوق العاده
و خیم ساخته است . و این کشور را به کمک
ارتجاع سیاه لبنان وتجزیه طلبان این کشور
به کانون جنگ و لبرد قوای متخاصم تبدیل

نموده است . قوای بحری هوایی و زمینی
اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری
مجهز می باشد همواره به کمک های مهاجرین
فلسطین وقصبات جنوب لبنان مملوله باری می نمایند
صهیونیسم اسرائیل همچنان خیال واهی
نابودی ، نهضت مقاومت فلسطین را که

نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد
صهیونیستی در منطقه شرق میانه پنداشته
می شود نیز در سر دارد . درین مورد بیگن
اظهار نموده است «که در اسرائیل ، جنبش
مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمینی،
در هوا، ویا اقیانوس آفرین می برد » این گفته
بیگن می تواند برای امپریالیسم و ارتجاع
بین المللی امید ییافرند . ولی در واقع
این گفته شکست و نابودی ارتجاع حاکم
اسرائیل را باز گو می کند . ایجاد حکومت
شوم امپریالیسم و استعمار چیزی دیگری
نست .

رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهراً با در
دست داشتن ابزار خانه های سلاح فراوانی که
امپریالیسم و استعمار سخاوتمندانه آنرا هر
اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر
می رسد . ولی در حقیقت پایه های عینی این
رژیم بعد کافی بی ثبات ولرزان می باشد .
امواج نیرومند مبارزات سرسختانه خلق
های انقلابی فلسطین سر انجام بیروز خواهد
شد . همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیسم

مربوب نمود .
«ام - ام» تمام حیوانات روی
زمین مطیع وساعی اند چرا
خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمناً
بحالا تفریح کو تا می خوا هیسم
داشت . «ارکادی ایوا نوویچ در
حالی که لبهایش را روی هم فشار
می داد، انگشت وسطی دستش را
که مانند پنسل معلوم می شد
بر کت داده و از اطاق در سی
خارج شد، در را هرو با ما می
صحبت کرد :

«الکساندر را ایو نیفنا، آیا
نامه دارم؟»
نیکیتا حدس زد که او - از که
انتظار نامه را داشت - اما فرصت
زیاد نبود - نیکیتا یک جا کت
کو تا پوست گو سفندی را بر تن
کرد، بوت های نمدی وکلا هشن را
پوشید، وروپوش را پشت
الماری انداخت تا از نظر پنهان
شود و بطرف دالان دوید ..
توده برف ..

حویلی پهنوار از برف نرم
وسفید و براق پوشیده بود و جای
پای های عمیق آبی رنگ انسان ها
ورد یله های متعدد سگ ها در آن
هشا هده می شد - هوا تند و بسیار
سرد بود . بینی اش را غفلت می داد
ور خسارش را مانند سوزن نیش
می زد - گاراج، چتری ها و طویله
وکلاه های سفید سنگینی پوشیده
بودند و به زمین نزدیک معلوم می
شدند که گواهی از میان برف
روئیده اند - رد پا ها یکسره
از راندن قایق های برقی مانده
بود مانند دو تریسه شیشه بامتداد

تمام حیاط بنظر می رسید -
نیکیتا از دالان از راه زینه ها نیکه
آواز می کردند پا نین شد در پائین
یک تخته برقی کاملاً نو از چوب
کاج ایستاده بود و یک حلقه ریسمانی
که از الیاف نباتی ساخته شده
شده هم بالایش قرار داشت .
نیکیتا بطرف آن دید، محکم ساخته
شده بود، آن را امتحان کرد تا با
سای نی تلفزد - تخته بی فربالای
شانه انداخت ، بیل را هم که
فکر می کرد بدر دش می خورد با
خود گرفت و بنماد طول باغ تا
نزدیک بند دوید . در آنجا دوختان
بزرگ بید ایستاده بودند همه
شبتم یخ زده پوشیده شده بودند
وساخته های شان طوری معلوم
شد که از برف ساخته شده باشد .

نامام

مانند یک مغازه تازیک بود، بالای
یک اطاق هموار غبار آلود دو پا رجه
تکه گذاشته شده بود - تاجر دستش
را در راز کرده، تکه هارا از اطاق
برداشت و با نگاه آرام بطرف
نیکیتا دید .

خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکر
میکنی ؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید :
بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه
فروخت . چند متر تکه آبی و چند
متر تکه سیاه فروخته خواهد بود ؟
نیکیتا عصبانی شد، تا جبر
ساکت و دو پا رجه تکه در دیوار
ناپدید و در گرد و غبار بالای هم
انباشته شد ... ارکادی ایوانوویچ
گفت - ای - ای - ای . و به توضیح
پرداخت ، اعدادی را با پنسل به
سرعت نوشت ضرب و تقسیم کرد
و با خود تکرار میکرد، «ده بریک»،
«ده بردو» - به نیکیتا چنین معلوم
می شد که در جریان ضرب این
«ده بریک»، یا (ده بردو) از کاغذ
به کله اوومغزشش را تکیان
داد طوریکه دیگر فراموشش
نخواهد کرد و یک احساس بسیار
ناخوش آیندی بوجود آورده . آفتاب
بیکه پردو کلکین در سخا نه که
توسط یخ با هم وصل شده بودند می
تابید - همیشه او را صدا می زد :
«بیا بدریا» بالا خز - درس ریاضی
به پایان رسید و املا شروع شد -
ارکاد ایوانوویچ بامتداد دیوار
بالا و پائین قدم می زد بایک آواز
مخصوص خواب آلود، آوازی که
هیچکس برای سخن زدن بکار نمی
بردند املا گفتن پرداخت -

تمام حیوانات روی زمین داریم
در مشقت هستند و کار می کنند -
شاگرد مطیع وساعی نبود ...
نیکیتا در حالی که نوک زبانش را
بیرون آورده بود به نوشتن آغاز
کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد
و ترشح کرد .

ناگهان آواز بستن دروازه بلند
شد و او صدای تماس بوت ها را با
یخ می توانست از راهرو بشنود -
ارکاد ایوانوویچ کتیبایش را پالایش
آورد کرد و گوش داد . آواز خوش
می از نزدیکی هاشنیده می شد ...
پوسته را آوردی ؟

نیکیتا سرش را بطرف کتاب
تمرینش فرو برد، و خند اش
را خفه می ساخت . او به آواز
یکنواخت تکرار می کرد . «ساعی
و مطیع» «مساعی را نوشته ام»
ارکادی ایوانوویچ عینکها پیش را

از زمانیکه بساط ترور و اختناق را اعمال امپریالیزم در کشور ما گسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی و سرور در همه اطراف و انکاف در شهر ها و دهات افغانستان مگردیده در کلبه های زخمکش و بیچاره گان آذای (غم) و اندوه - انجوا و بیکرادی طنین داشت - در فابریکه ها و گشتزارها کارگران و دهقانان و تمامی زخمکشان و وطنپرستان در هر کجایی که بودند تعجب - تعجب - توهین روانه زندان و اعدام می شدند - استادان مکاتب و پوهنتو نهاد دانشمندان دکتوران و پرفیسوران بابتی حرمتی به باسیتیل بلجری کشانده می شدند خلاصه هر آنکه سر وطنپرستی و تعالی مبین و آزادی انسان داشت درودیفکسانی قرا و میگرفت که توبه یکی بی

و برای آخرین بار دست ساطور بدستان در هوا قطع سد خوشبختانه عده ای از زخمکشان و وطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از جنگال مرگ کسانی بودند که افرایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان انک نوبیدی ریخته بودند ، چه در کشتار ماه بلجری هر که را میبردند دیگر هیچ امیلی به زنده بودن او نبود سازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز گاران بنام (نام گیرگ) یادمی شد نام گیرگ یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن چنان رواج داشت که شب هنگام درب بیچاره ای رابه امر امیر میکوبیدند و آنرا به زندان برده به سیاه چاه

کریمداد

نجات از جنگال دژخیمان طاغوت مشرب

دیگر با ساطور جلادان نابود می شدند.

در چنان روز گاران غم آلود که گماشتگان امپریالیزم (باند فاشیستی امین) مذبحخانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند ثور را از سیر اصولی و اصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم و اندوه ، آنهمه رنج و محنت ، آنهمه نجویا و فریاد های کودکان ، زنان ، مادران پدران ، دانشمندان ، مبارزین و تمامی زخمکشان بهم گره خورده و چون گرز کوبنده ای فرق بی مفر سردار ستم راجانان باشان ساخت که امروز حنجره امپریالیزم در مرگش توحه سرائی دارد .

همی انداختند زنده بگور نموده ، تیل داغ ، واسکت بریدن و شتر زدن چشم ها و غیره ظلمها و اعمال ضد کرامت انسانی را روا می داشتند . امیر حفیظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز اوده آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بودو گماشته های امین هم درین باند آن ددمنفائی بودند که شبانگاه در حالی نشه چون گرگان درنده در منزل شخصی افراد به درو دیوار بام حویلی و اتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپائی کردند آن ددمنفان آدم صورت که با تفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح می بودند منزل مذکره را تلافی میکردند و اجناس قیمتی

و با ارزشی آن منزل رابه سرقت برده و بالاخره هر که از افراد آن منزل در جنگ ایشان می افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی ، بشکل وحشیانه بادست و چنم بسته بصوب نامعلومی کشانده می شد ندواین همانند سازمان (نام گیرگ) امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که افلا بپرسد که آن بیچاره رابه کجا می برند ، و گناهی چیست؟

به این صورت با کمال جرئت میتوان این باند فاشیستی رایک باند سیاه و وحشی تنگ زمان نامید زیرا چه وحشت و ستمگری بی نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت و شرافت مردم بازی کردند از کشته هایشه ها ساختند گشتند ، بستند ، برق دادند ، سوختانند ، ناخن کشیدند ، پنجه دست و پا را قطع کردند و حتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبرک و حامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تیپ خودش (فاشیست انقلابی نام) در افغانستان که برای سالان متعادی توانسته بود خود را به لباس مردم جازده سخن پرانی و پروپی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جلی اعمال ضد مردمی ضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد . گر چه ازین امیر نابکار و مرد فریبکار و این فیودال خونخوار عناصر روشنفکر و مترقی جامعه مانساخت قبلی هم داشته و هم داوند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او و وابسته های باند اوسان لفاظی و پروپی این قاتل هزاران وطنپرست را تأیید و برایش کف می زدند و بس : چه دوسنفران انقلابی ما آگاهانه و برویت اسناد و مدارک میدانستند که امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین قدرت بزرگ امپریالیزم است و این وفادار به امپریالیزم از همان دوره تحصیل خویش توانسته بود که موفعانه فعالیت سیاه سیاسی اش را پیش ببرد و حتی در مراکز امپریالیزم جهانی توانسته بود که به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دویار نماید . و این مستند ریاست به کسانی داده می شد که از عضو سازمان سیاه (سی سی ای) می بود و این بهترین دلیل وابستگی این فاشیست نامحافل امپریالیستی میباشد .

در داخل کشور نیز این امیر نابکار دژخیم صفت که با عوام افریبی مختص بخودش زمام امور را بدست گرفت عملا به اثبات رساند که او یک فاشیست و سر دسته تروریستان بوده زود بندش را با محافل امپریالیستی ما هران حفظ نموده بود . این تغه هاروی سخن نیست بلکه حقایقی است که داغهای قلوب هر هموطن مادفتری از بس و دیویدها میباشد در دوره سیاه همین امیر امین بود که بهترین جوانان وطنپرست در زندانها و مخفیگاهها انباشته شده بشکل وحشیانه

مجازات و به صورت دستجمعی کشتار شدند . سهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردیان ویران و پاخاک و خون کودکان ، جوانان و پیر مردان بی دفاع یکسان شد و اجساد بهترین و وطنپرستان بی گور و بی نشان در گودالها و خند قبا پرتاب شد . و امروز هیچ کسی نیست که در نابودی این بالذچنا ویتکار خوش نشده باشد چرا که هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از انحاء داغی از ظلم و ستم این باند رانندیده باشند .

آنطور یک امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور و ادمکنشی ، دزدی و ویرانگری بود . بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان ، کارگران مزدوران ، جوانی ها ، کراچی رانان ، کپه فروشان دختران ، پسران ، اطفال و بزرگسالان ، ملاها ، روحانیون محصلین و متعلمین را مورد تعجب تحقیق توهین ، اذیت ، شکنجه و انواع ستم قرار داده و بالا خره پس از مدتی در حالیکه مست می بودند در صحن زندان و یاد ر پو لیگون آنها ربا تفنگچه و ماشیندار خود بغل می رسانند . رویهمرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم و معرفت ، اخلاق و شرافت یک نگاه هم نکرده و چون (امیر بزرگ) عقده بی دانی داشت با چنین بی حیثیتی به امر همان برادر مهربان و بزرگوارش اولی والیان سمت شمال مقرر شد این بی فهم و جاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکنشی ، چورو چاول ، کشتار های دستجمعی و شهر سوژی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هر یک از هموطنان ما بخصوص درسنت شمال چون لاله های صحراداغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مرد نابکار بهترین جوانان و نو جوانان را کشته خانه های ایشان را حریق نموده کودکان معصوم و خاتم و مادر و پدر شان را در زندان می کشیدند ، شهر ها و قریه ها را یکجا با انسانها ، حیوانات اهلی اشجار و غله چات آن با رتاب بهم ها و اعمال تروریستی خود حریق و نابود میکردند .

در آن فضای اختناق و ترور که هر وطنپرست را روانه زندان می نمودند و گاهگاهی که در زندان جایی برای زندانی نبود بدستور شخص والا حضرت عبدالله امین دست های زندانی ها را بسته نموده آنها رابه دریای امو به دریای کوکچه پرتاب میکردند . بهمین ترتیب هر عضو این

باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم و ستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یک واقعیت انکار ناپذیر است که هر فردی از افراد افغانستان در شمال و جنوب در شرق و غرب به نحوی از انحاء مورد ضرب های آن باند ترور و ارباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن باند جانتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می شدند و خواست مردم مابود دچار شدند .

افسار به مردم وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت و وطن خود را از مسیر انقلابی شان چون یو کاهی نابود ساختند .

الحمد لله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا

ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله



بر گرداننده تصویر ابو ی

از منا بع خار جی

جراحی روانی شیوه خطرناک باباز تاب امیدوار کننده!

مطالب و اطلاعات را در خود جاو
از آن استفا ده بکند که برای همه
افراد يك نسل قبل دشوا رمی
نمود. سنگینی در مغز و حافظه یکی
از زیاد نا را حتی های عصر ما
است و در سرا سر جهان ملیونها
نفر از سنگینی بارفکری و خستگی
های رو حی و دما غی رنج میبرند
آنچنان که در بالا گفته آمده خطر-
اتی که در کمین مغز انسان خوابیده
اند سخت نگران کننده اند. پنا
مغز انسان برای اینکه خود را با
شرایط نو تطبیق دهد تحت فشار
قرار میگیرد و از طرف دیگر شیوه
های نو جراحی روانی نیز ممکنست
بهرترین یا بدترین شیوه باشد. بهر
حال نگران کننده اند.

مغز انسان به مانند يك خازن
بر قی است با ده میلیارد سلول که
مهم ترین عضو بدن است پروفسور
سرجان الیکز دانشمند آسترلیایی
و برنده جایزه نوبل می گوید:
اگر قشر خارج مغز گسترده شود
صفحه ی پدست می آید با طو

پنجاه سانتی متر، سه ملی متر
ضخامت سلول عصبی نشینگاه
همه تجربیات در سرا سر طو
زندگی هستند با احساسات عوا-
طف، ادراکات خاطرات و عکس العمل
های ما، اندیشه های ما همه و همه
از همین ده میلیارد سلول سرچشمه
می گیرند در جهان هیچ پدیده

وجود ندارد که پیچیده تر از قشر
خارجی مغز باشد در زبان علمی
این سلول ها را نیورون گویند
هر نیورون میتواند با سلول های
همجوار خود پنجاه هزار را بطنه برقی

ایجاد کند مغز مادر هر لحظه هزاران
اطلاعات را به شکل امواج برقی
دریافت می کند. سرچشمه
علامات و سگنال ها مواد کیمیایی
هسته که در سلول ها مغزی پخش
شده اند اطلاعات دریاقت شده
به حسب نوع آنها حافظه ما را
تشکیل میدهند (به تازگی کشف
شده است که حافظه ما ختمانها-
لیکولی دارد) بر رسی و مطالبه
مغز بوسیله مکرر الکترود نشان
داده است که در مغز، برای کنترل
اعمال ما مراکز بخصوص وجود دارد
مرکزگرایی، عطفی و تشنگی،

مندی انسان به فرد مقابلش نیز
افزایش می یابد. در عین حال
انسان امروزی محکوم به سرخورد-
گی و تصادمات روزمره عطفی اند،
زیرا در طول دوره زندگی نیازمندی
عاطفی افراد غیر از ضاکننده است.
پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز-
مندی های زیاد و روان پریشی ها
اضطرابات و انواع و اقسام آن اس-
سی برای اختلالات روانی پلا-
ریزی می کنند.

داکتر کوردل معتقد است مغز
يك انسان امروزی مجبور است آند

مغز انسان که از ده میلیارد سلول ساخته شده بز رگترین معماری
آفرینش است.

با جراحی مغز میتوان جنایتکاران و معتادان را معالجه کرد.

با این شیوه جلوگیری از خشونت های جنسی امکان پذیر است.

هم اکنون با جراحی روانی هوش، حافظه و استعداد های گوناگون
افراد رادستگاری میکنند.

سرعت و شتاب زندگی مدرن، و اضطراب های درونی و دما عامل
تحول سریع جامعه بشری که دیگر مغز، انسان امروزی را در
باعث میشود هر روز فشار بیشتری
بر مغز وارد آید بر خورد های
نا مطلوب و ناراحت کننده، دلهره
فورمول پیچیده در هم می تانند نیاز-

مرکز خوشونت، مرکز غرایس جنسی و بالاخره مرکز روپا، درین اواخر مرکز درد و لذت نیز تشخیص شده اند و حتی دانشمندان توانایی آنرا داشته اند تا با وسایل پزشکی در مرکز اخیر الذکر را به تحریک بیاورند و بطور مصنوعی ایجاد درد و لذت نمایند. مهمترین پدیده مغز ما حافظه است و چنین به نظر میرسد که ضبط خاطرات دیدنیها و شنیدن نیهای عمل پیوسته شیمی است که بکمک برخی از مواد ساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاک میتواند این دستگاه پیچیده را اژه می باشد. شاک های روحی نیز می تواند کار حافظه را دچار اختلال و دگرگونی نماید. «زیگموند فروید» ثابت ساخت که حافظه برخی از خاطرات تحمل ناپذیر خود را به صورت خودی بدست فراموشی می سپارد و هم ثابت ساخت که ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند. اما واحد حساسی یونسکو در مورد افراد یکه از درگیری های روحی درنج می برند جالب است طی خبر آخرین این موسسه تعداد کسانی را که در حال حاضر به کارهای علمی و فکری مشغول اند نمود فیصد و نمود کرده است.

کار شناسان اعلام کرده اند که کشف اسرار مغز انسان البته باعث درمان و معالجه بسیاری از بیماری ها در سال های دو هزار و فوق آن خواهد بود. اما آنچه مسلم است شاید انسانها بعد از اطلای به جراحی روانی و پیروند و با دادن الکترو-شاک ها و یا دهها وسیله دیگر مغز انسانها را تغییر دهند. دانشمندان نباید به استفاده های احتمالی از کشفیات خود شان بیندیشند زیرا از هر پیشرفت یا کشف علمی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود. اما این وحشت از آینده نباید مانع کار مردانشمندان باشد. جراحی روانی از هنگامی پدید آمد که یک داکتر پرتگالی بنام آگاس لویز شیوه معالجه مخصوص را برای بیماران روانی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام دارد. مطابق این اصل برخی از انساج را که از ناحیه پیشانی (محل تفکر) به سوی مغز می روند قطع می نمایند. ظاهرا عمل ساده هم است. نیشتری را در سر

بیمار فرو می کنند. و چند نسج را می برند. اما عملا معلوم شد که این بهبود یا فنگان به انساج نهایی تبدیل شده اند گیسج و بی ارا ده تغییرات روانی آنها چنان شده بود که حتی نزد یکان شان به شناخت آنها موافق نشدند. اما امروز شکل تکامل یافته تری از جراحی روانی مغز در آلمان، امریکا از آزمایشگاه ها به شفاخانه ها یافته است با این شیوه جراحی بعضی از صفات خشنونت آمیز و انحرافات جنسی بیمار را از بین می برند. یک کمیسیون جهانی شامل پروفیسوران بین المللی مأمور بررسی درباره این مسند جراحی شد. اعضای این کمیسیون صریحا اعلام داشتند که میتر سند در مورد اینگونه جراحی افراد بشود و از این روش استفاده های غیر انسانی نمایند با این هم رئیس کمیسیون داکتر رایان اعلام داشت: جراحی روانی مغز تا حال به بیماران زیادی کمک کرده بدون اینکه هوشت و فراسنت آنها از بین برود و یا به زندگی عاطفی شان لطمه وارد شود. از سال ۱۹۷۰ به اینسو جراحی روانی بیشتر از پیشرفت زیاد کرده است اما جراحان بخش مغز سعی می کنند که برای عمل خود حدود فاطمی تعیین و برای آن جامعه قانونی در بر کنند تا کار به افراط نکشد. ها کسلی متفکر بزرگ پیش بینی کرده بود که اگر این شیوه از آزمایشگاه های علمی به جامعه سرایت کند. جامعه انسانی دچار سقوط خواهد شد. این بحث و مناظرات علمی، انتقاد و طرفداری، طی سالیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ کنگره جهانی عصب شناسی ادامه تحقیق کنترل عادات روانی را تا سال ۱۹۸۴ اعلام کردند. یعنی این کنگره در مرحله اول شیوه را تا سال ۱۹۸۴ و فوق آن بوسیله جراحان مغز تضمین نمود. و دست اندرکاران و کارشناسان آزمایشگاه را صلاحیت قائل

نونی داد و مطابق با اجرا آتاین کنگره پیاپی ده سال سخن عمل روی بیماران روانی و نهانیان و اطفال قبول گردید. و این وسیله همانندی که پیشگویی می شد میرفت تا داغ ترین موضوع علمی روز را بر

سر زبانها بنشانده اما به یقین اساس این روش در سال ۱۹۳۵ گذارده شد. در گردهم آیی دانشمندان بین المللی که در همان سال منعقد گردید. اساسات آن برای نخستین بار توسط داکتر کارل لیل و داکتر جان غولتن بازگو گردید و یکی بعد دیگری چاقوی جراحی را روی انساج دماغ خوا بایندند. در اوایل ازین طریق به عنوان یک فانتزی

بقیه صفحه ۲۱

نگاهی به اوضاع...

یا دهانی می کردند، نه یک اصل علمی اما بعد از آزمایشات عکس مناشقه را ثابت ساخت. در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تداوی کیمیاپی و استفاده از الکتروشاک باعث پیشرفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جانبی و مخالفات های زیاد حلقه های علمی بیشتر از پیش سند پیشرفت

بقیه صفحه ۴۶

به اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگی کارگران، دهقانان و غیره طبقات پایین و زحمتکش پیوسته تنگتر می گردد.

سازش های مصر و اسرائیل مورد نفرت همه جهان مرقی قرار گرفت. و منجمده پروسه ضد سازش های خسانانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتراک (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود. از مواد برجسته و فیصله نامه این کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت کننده به استثنای صومالی و عمان تصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود.

۱- وضع تعذیرات اقتصادی با حکومت موجوده مصر.
۲- قطع روابط دیپلماتیک با حکومت مصر.
۳- اخراج مصر از عضویت کانگرس جهانی اسلامی.

۴- اخراج مصر از تمام سازمان ها و اتحادیه های منطقه عربی.
۵- قطع صدور نفت به مصر.

همچنان در اجلاس سوم کانگرس خلقهای عرب که در ماه ۱۹۷۹ در عدن به اشتراک هند حزب و سازمان های سیاسی و یکصد و چهل و دو اتحادیه کارگری و سازمان های زنان و غیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها بر ضد سازش های مصر و اسرائیل میبازند خود را با تمام ممالک مرقی و بطور اعم با کلیه کشورهای جامعه سوسیالیستی تاکید نمودند.

کنفرانس لوین و خواست عادلانه فلسطین: در آغاز ماه نوامبر سال ۱۹۷۹ در لسزین مرکز پرتگال کنفرانسی تساند و همبستگی با خلق فلسطین انعقاد یافت. درین کنفرانس اعلام گردید که اسرائیل حائز و حشمتاکی را برای کلیه خلقهای شرقیانه و بخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید و سازش های خرابکارانه مصر و اسرائیل حقوق انسانی و ملی مردمان عرب فلسطین را زیر پا می نماید. و سالیسی سوسیالیستی اسرائیل عمده ترین تهدید کننده صلح و دنیات در منطقه شرق میانه و سراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در این کنفرانس پیرامون ستراتیژی های امپریالیزم ارتجاع عرب و ارتجاع حاکم اسرائیل که حال

در زبوند و اتحاد نامقدس با هم تفریق مساعی می نمایند بحث صورت گرفت. نمایندگان حلقه های سیاسی مرقی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم رادیکال داعیه عرب و تمام پراپلم های ناشی از نتایج بین اعراب و اسرائیل. را مورد نگرانی قرار دادند. اهمیت این کنفرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین و یانیه های برتر کوی بیشتر گردید.

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عرب فلسطین سخنرانی نمود. و او همچنان از کمک و پشتیبانی بیدریغ تمام کشورهای جامعه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد شوروی برای حل عادلانه شرق میانه اظهار خرسندی نمود.

تمام شرکت کنندگان این کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند. که با یک تمام قوای اشغالگر اسرائیل بدون قید و شرطی از مناطق اشغالی که در سال (۱۹۷۶) متصرف نموده است خارج شوند و حقوق طبعی و مسلم فلسطین را مبنی بر تشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد.

در این کنفرانس به آنده از کشورهای که تا هنوز موسسه آزادی فلسطین را به رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید تا هر چه زودتر این موسسه را به رسمیت بشناسند. در خلاصه تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پراپلم های شرق میانه و مسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گردد که همه جوانب ذی علاقه بشمول نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین به اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند. زبوند ها و معاهدات که در خفا خلق عرب و یهودن اشتراک موسسه آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی و سطحی خواهد بود. و در امر صلح هیچگونه تأثیری مثبت نخواهد نمود.

حل عادلانه مسئله شرق میانه قدم بزرگتری خواهد بود و راه تعمیم دنیات و امنیست بین المللی.

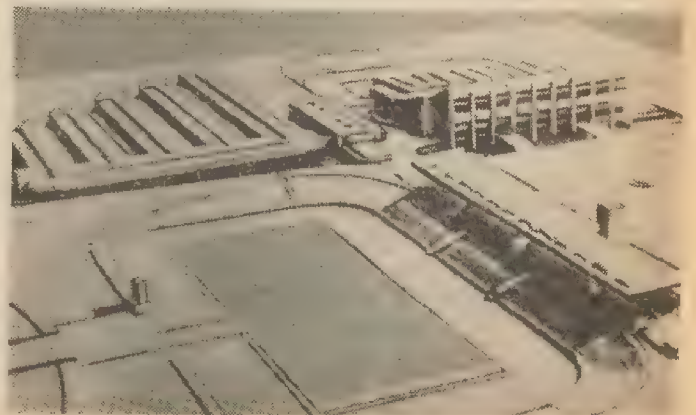
پلان اعمار شهری برای اسپ سواران



مشق و تمرین های ورزشی در ستنده یو می که برای المپیای ۱۹۸۰
ساخته شده است .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی يك ستنده یوم بوده زیرا مردم به
که در آن در سال ۱۹۸۰ مسابقه اسپانی دایر میگردشهری به آن جا رسیدگی نموده و هم
برای اسپ سواران و مسابقه اسپ در پهلوی مناظر طبیعی خوش
دوای در منطقه بیست که در حدود آب و هوای قرار دارد . این ستنده یوم
بیست و شش کیلو متری مرکز در حدود چهل و پنج هکتار زمین
قرار دارد در نظر گرفته شده را در بر میگیرد .

اما مهندسين در مورد تعیین موافق شدند تا توان زمین عمارت
موقعیت ستنده یوم مذکور چهار های بلند و زمین های هموار وجود
تردید و سر درگمی های می باشند آورند . خشک پخته و چوب مادی
اما عده به این نظر اند که این است که روی ساختمان ستنده یوم را
منطقه محل مناسب برای اعمار با آن اعمار نموده اند که رنگ نمای



مودل ونمو نه ساختمان ستنده یوم ورزشی برای اسپ سواران در منطقه
بیست .

خارجی ستنده یوم مذکور با رنگ طبیعی طبیعت همگونی را وانمود می
سا زد . عده ترین قسمت این ستنده یوم را محل جست و خیز و تمرین
تشکیل میدهند در حدود دوازده هزار چوک در روی زمین ساخته شده
که در سه قطار قرار دارند هر قطار آن نود تا یکصد و پنجاه متر می
باشند .

قسمت های درونی ستنده یوم میدان مسابقه در حدود یک هزار و هشتصد متر بطور مدور بوده و بیست
متر فراخنا دارد که در درون حلقه های دو شش محل برای تمرین
و آمادگی برای مسابقه در نظر گرفته شده است .

تعداد زیاد مردم بدون داخل شدن در ستنده یوم مذکور نمیتوانند
از نقاط دور از مراکز و زمین های هموار نیز مسابقه را تماشا نمایند.
در ستنده یوم مذکور دو محفل مرکز گرمی نور و روشنی کافی و



يك ستنده یوم سقف دار برای مسابقه اسپ دوای اتحاد شوروی

برای پوشیدن و تیدیل کالا وجود دارد یکی از این محل ها که سراسر
کشاده بوده دارای یک هزار و پنجصد چوک بوده و دیگری آن دارای
دو هزار چوک است این محل که دارای دو هزار چوک است سقف
آن کاملاً پوشیده است و طوری دیزاین و طرح ریزی گردیده که
اشعه سقف آن در هجده متری طرف دیگر تا پیده و قسمت با لای را در
تیدیل هوای آزاد کمک میکند .

حمام می باشد که در مجاورت آن کلینیک حیوانی و بیتا ران نیز
قرار دارد .
بی لی نا قهرمان جهانی او-
لمپیک در مورد این استند یوم چنین
اظهاری عقیده نموده است این استند یوم
شگفتی انگیز که در اتحاد شوروی
سوسیالیستی اعمار میگردد نه
تنها یک طرح و دیزاین زیبا برای اعمار
يك ستنده یوم بزرگ مسابقه
بقیه در صفحه ۵۰

باشتر اک در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روز نامه ها
و مجلات در خارج کشور:

وجه اشتراک روز نامه حقیقت -
انقلاب نور، انیس، هیواد، کابل -
نیو تایمز در خارج کشور، هوایی
صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج
دالر، زمینی بیست و سه دالر.
وجه اشتراک مجله ژوندون در
خارج کشور هوایی صد دالر، زمینی
سی دالر برای محصلین، هوایی
هفتادوپنج دالر، زمینی بیست و سه
دالر وجه اشتراک مجله کمکیانوانیس
در خارج کشور، هوایی پنجاه دالر،
زمینی بیست و پنج دالر.

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندهار،
ننگرهار، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ
خلق، هنر، کتاب، کوشانی و
و جراید یولدوز، گوراش و سوب
در خارج کشور هوایی پانزده دالر،
زمینی پنج دالر برای محصلین،
هوایی دوازده دالر و زمینی چهار
دالر.

وجه اشتراک مجله آریانا در خارج
کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی
پنج دالر برای محصلین، هوایی نه
دالر، زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روز نامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل
بیشتر و جدی تر در خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین
اطلاعات روز و داغ ترین حوادث روز
را بشما برساند و مجلات و جراید
محبوب خانواده ها را در مو قعش
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم
کند.

وقت گرانبهاست، از زود ترین
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا با ختم
سال جاری میعاد اشتراک پایان
میابد.

سرجع اشتراک:

مدیریت عمومی توزیع روز نامه ها
و مجلات.

در بدل یکصد افغانی و اگر شاگرد
و محصل باشد در بدل هفتادوپنج
افغانی یکسال روز نامه در خدمت
شما است.

کابل نیو تایمز:

اگر روز نامه کابل نیو تایمز
را انتخاب کنید در
هر نقطه کشور که باشید با پرداخت
یکهزار و شصت افغانی و اگر شاگرد
و محصل هستید با ارائه تصدیق و
پرداخت دوصد و پنجاه افغانی
یکسال شما مشترک ما هستید.
مجلات و جراید ما نیز حسب زیر
یکسال در خدمت شما خواهد بود:
مجله ژوندون:

سالانه پنجصد افغانی برای متعلمین
و محصلین با ارائه تصدیق چهار -
صد افغانی.

کمکیانوا نیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،
بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق،
هنر، کتاب، کوشانی و جراید
یولدوز، گوراش و سوب در داخل
کشور سالانه شصت افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق
چهل و پنج افغانی.

مجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت
افغانی برای متعلمین و محصلین با
ارائه تصدیق یکصد و سی افغانی.
شما میتوانید در مرکز همه روزه از
اول تا آخر حوت مدیریت عمومی
توزیع روز نامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتی، انصاری وات
مراجعه و اشتراک نمایید و با وجه
اشتراک تا ثرا از مرکز و ولایات
بحساب (۶۰۰۱) و ارداد
دولت تحویل و اویز آنرا مستقیماً
عنوانی مدیریت عمومی توزیع
روز نامه ها و مجلات انصاری وات
کابل بفرستید.

اطلاعات و کلتور بافرور یختن مرز
تفاوت وجه اشتراک شهر و ده در
خدمت بیشتر علاقمندان روز نامه ها
جراید و مجلات است.

بغاطر اینکه دوسال نو کلیه
روز نامه ها، جراید و مجلات بتوانند
دروازه های تمام مشترکین را صرف
نظر از شهری و روستایی یکسان
بگویند، مدیریت عمومی توزیع
روز نامه ها و مجلات وجه اشتراک
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور
یکسان میدارد.

دوستداران روز نامه ها، جراید
و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و بر برف
زندگی میکنید و یا در دشت های
گسترده و وسیع حیات بسر
میرید....

شما که در کابل هستید و یا در
دره های پر خرم و پیچ میتوانید با
پرداخت وجه اشتراک یکسان در
جمله مشترکین روز نامه ها، جراید
و مجلات ما باشید از داغ ترین
رویدادها، خبرها، حوادث آگاهی
یابید و ساعت ها سرگرم شوید.

روز نامه حقیقت انقلاب نور:

اگر خواهان روز نامه حقیقت
انقلاب نور میباشید در هر جای
کشور که هستید در بدل دو صد
افغانی و اگر شاگرد و یا محصل
باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰
افغانی یکسال بشما روز نامه
میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت
دو صد و بیست افغانی و اگر
شاگرد و محصل هستید با پرداخت
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال
روز نامه رسان درب منزل شما را
میکوبد.

هیواد:

اگر روز نامه هیواد را
بخواهید در هر کنار وطن که هستید



انجیلا وفا تثار

زن و شناخت مسوولیت هایش در فامیل

همانطوریکه مردان در مقابل فامیل و اجتماع خود مسوولیت های دارند و شناخت مسوولیت های شان باعث خوشبختی و سعادت آنها می گردد. زنان نیز درحالی که نسبت به مردان حقوق مساوی دارند، در مقابل خانواده و اجتماع مکلفیت های قابل شناخت دارند که به شناخت و ایفای وظایف خویش می تواند از بسی مشکلات و نارسایی های فامیل بکاهد.

بطور مثال: اگر خانمی با وجود داشتن مصروفیت رسمی روزانه در محیط کارش کمتر در امور منزل سهم و علاقه گرفته و منتظر آن باشد تا پسر، دختر یا شوهرش هفت سگمت در دفتر کار مینماید، دیگر از همه کارهای منزل معاف است، واضح است که، وظایف خود را آنطوریکه لازم است نشناخته، شوهر و یا دیگر اعضای فامیل بخاطر گذشته که دارند، شاید بعضی کارهای محوله او را تا اندازه انجام دهند و یا شاید نتوانند قسمی که لازم است به ترتیب وانسجام امور منزل سپهر گردند. زیرا یک مرد نمی تواند، طوریکه

مادری به اطفالش رسیدگی و همواره مینماید، بهمان کیفیت و کان در قسمت تربیه طفل و یا تهیه غذا

موفق باشند. با وجودیکه مرد در این قبیل کارها مبادرت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت و دیری نمیگذرد که از زندگی خسته شده و ناراضایتی از خود نشان میدهد.

برای جلوگیری از خلق شدن چنین روحیه، در صورتیکه مردوزن هر دو با داشتن هدف واحد و خلوص نیت در کارهای منزل سهم بگیرند. ممکنست نتیجه این اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد. درپای امر با وجودیکه آنها خوبتخت شده و بدون مشکلات زندگی مینماید، درآیه زندگی نیز اتحاد نظر عمل و همکاری متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتی ها و مشاجرات گردد. و هیچگاه ضرورت احساس نمی شود که برای حل مشکلات فامیلی شان شخص دیگر از اقارب میانجی شده و فرو گذاشت هر یک را بر شمرد و بعدا به آنها بگوید که درآن قسمت کی ملامت و مقصر است؟ ازین چه بهتر خواهد بود، قبل از آنکه موضوعات خورد و ریزه خانوادگی کسب و خاومت نموده به درازا بکشد، خانم و شوهرش بیک نگرش همه جانبه، مسووضو عاقتی را که نزد آنها لاینحل و معشوش است، بررسی نموده

و هر کدام در حصه خود راه های حل آنرا جستجو کنند.

چه از اثر همین موضوعات پیش پا افتاده و ناچیز خانوادگی، کشمکش ها بحدی میرسد که بصورت حتم با یکدیگر از شوهر جدا شده و اطفال شان که به تربیه و غمخواری اش ضرورت دارند بی سرپرست مانده و در نتیجه هر دو با عالمی از پشیمانی و مایوسیت حیات پسر بپرند. به مصداق این گفته با یک نگرش سطحی اوراق دو سیه های بررسی موضوعات فامیلی نشان می دهد که در بعضی فامیلها موضوعات بسیار ناچیز که اصلا با لای آنها حساب نمی شده آنقدر کسب و خاومت کرده تا سبب از هم پاشی کانون گرم فامیل و جدا شدن شوهر از خانم گرددیده است.

پس بهتر است، آنعله زنان و مردانیکه به این امر کمتر رقی میگذرانند با شناخت وظایف و موقعیت خود ها جلوی تمام این گونه سو تفاهات و بی اعتنائی هاردر گرفته و نگذارند که با این فرو گذاشت ها، برعلاوه خود شان اطفال آنها نیز پریشان شده و از محبت و لطف مادرانه و پدرانه محروم گردند.

ترجمه و نگارش

عبدالله «محب حیرت»

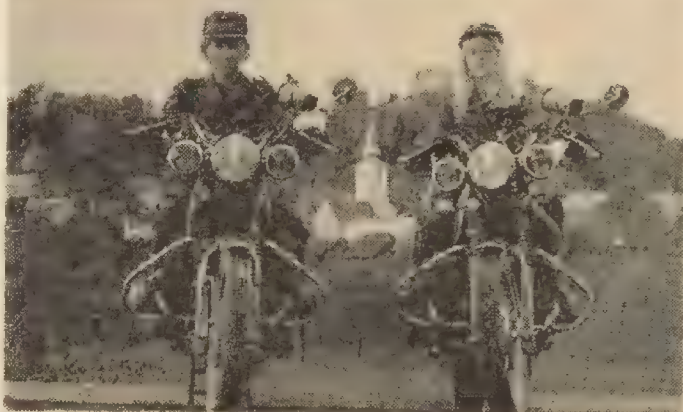
زنان یوگوسلاویا و سهمگیری شان در امور دفاع ملی!

تخت بایست یادآورد شد که جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا بعد از جنگ عمومی دوم جهانی، بتاریخ ۲۹ ماه نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشورهای مستقل گیتی عرض وجود کرد و در ۲۴ اکتوبر ۱۹۴۵ به عنوان ملل متحد شده و تاریخ سیریکم جنوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مردم یوگوسلاویا سرورسامان گرفت و یوچیک کشور آزاد غیر منسلک تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفتهای گوناگونی طور بیگیر گامزن شده و بموفقیتهای مظلومی نایل آمده است که مظاهر آن در هر گوشه و کران آن سرزمین بخوبی پیداست.

قبل از توصل به آنچه پیروزیا و حصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه و رهایی بخشی باشندگان حریت طلب این کشور در مقابل

نجاوزات آلمان هنلری و نیروهای تبهکار و بیرحم فاشیزم، صفحات تاریخ از خودگذریهای ملل آزادخواه و با شهامت اروپای جنوب شرقی را بر رنگ و زیب ساخته است.

البته در پهلوی سایر انکشافات آنجا، مساله تامین تساوی حقوق زن و مرد هم مورد نظر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی و دفاع ملی همین شان



دوتن از دختران وطنپرست یوگوسلاویا، مربوط به گروه پارتیزانان هنگام تمرینات به سواری موتورسایکل.



عسکر دوشیزه‌ای از دسته های پارتیزانی بالباسی وساز و برگ ستر واخنا»



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی ونظری تعلیمات عسکری در دشت ودمین به تمرین ومشق می پردازند .

گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بتالیون وقشون معروف «پوهورچی» طوری تربیت ونظم شده بودند که عملیات شان در بربروزیها و شهرت نیکوی نظامی آن قشون میافزود. طی جنگهای این دوره (۴۱-۱۹۴۵) بیست وهفت هزار زن پارتیزان مقتول وجبل هزار زن جنگجو مجروح شدند . آن عده زنان ودوشیزگانیکه جان بدلاست بردند ، دوهزار تن شان بمقام افسری وآمری رسیدند ونودنفر آنان بهالیقربن مناسب و القصاب نظامی ودارندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند .

مارشال تیتو قوماندان عالی جبهه آترمان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی وقتی گفت : «من بختیار ومفتخرم که قومانده و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بمیدم دارم که شماربرگ آترا زنان در بر گرفته است، لذا من گفته میتوانم که آنان با روحیه شجاعت وقهرمانی خویش درین مجادله بخاطر امضای دشمن نقش وسیم بیشتر وقایل ملاحظه داشته اند ، بتحریکه آنان در مقامهای پیشرو ومقدم قرار دارند ، از آثرو این انگیزه افتخار آمیز و آموخته باغورو ملی مردم یوگوسلاویا برشمرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند» .

بعد ازایان جنگ، شمار ثابت ومعینی از زنان مبارز ورزمنده، بمقصد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا ، بحیث کارمند ومحاسب، قفس ودکتور طب، بدون معید شدن یاملبس عسردیدن با یونیفورم مخفی نظامی، وظایف محوله شانرا ادامه دادند. بدیترتیب در یوگوسلاویازنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمیشوند اما زنان مستعد یکه جسم و روحا نظر در ساحة دفاع ملی ودفاع ازوطن آماده فداکاری و سبمگیری میشوند ، باداوظب میگردند بشمول طبقه دکور (مردان) طور عموم از سنین شانزده تا شصت ونهجساله، اعضای چنین نیرویی را مشکل میسازند و وارد صحنه عملیات رزمی میگردند .

فلا در قشون یوگوسلاویا ، دکترهیرمن «روزایاو» بحیث یک جنرال زن وزبیده از طبقه نسوان مصروف خدمتگزاریمت که هنگام جنگ دکور پارتیزانان میهن خود بود ودر قبال ارزیابی وقدرانی از کارگزارایبی متداومش توانست تا درسال ۱۹۷۳ بمقام ورتبه «میجر جنرال» نایل شود . وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده وتاحال بیش از شصت اقرعلمی او بر اعتبار وشخصیت علمی اش افزوده است . همچنان چندین زن ودوشیزه دیگر بصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوهای اختصاصی بلگراد و سایر ایالات وشهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند . به تعقیب روشها، سنن وطرز العملهای جنگ پارتیزانی وتداوم معاتل رفتار وشوه های بازمانده نسل کهن وپیشین، کلیه واحد های زنان وگروههای رزمی نسل معاصر نسوان بشکل پیشرفته آن در یوگوسلاویا تأسیس گردیده وفعال است . بطور مثال بقیه در صفحه ۹۹

میباشد که محتوای این میحث ، صحنه وشصه از آن دگرگونیهای شرقی را بصورت نمونه بیانگر میتواند شد .

بتاریخ ۲۵ می ۱۹۴۴ دسته های سر بازان آلمان در شهر کراچک «دوار» واقع ایالت یوسنیان (بوسنی) سرازیر شده و بمقصد عملیات دستگیری واژ بین برن بزرگترین سران ورهبران نیروی آزادبخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند . درین وقت گروه های متعدد وبیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند ، بتحریکه ساحة جنگهای پارتیزانی بهرگوشه وکنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یک عده تانک کوچک و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزه متداوم ویکتوری بردشمن متجاسوز ضربات سنگین ومربکاری را وارد آورند، هنگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و نهاجم دشمن، سربازان آلمانی طی یک لحظه کربانه موفق شدند تا در نقطه درجعه پیشروی تانک که محل دید وتشنخیص تانکران است، برده رایفگند وسربازان داخل تانک را ازمشاهده وترصد ماحول شان محروم کنند . بدیترتیب یگانه وسیله نفلیه پارتیزانان درعالم نایبایی ومحمط درمانده حرکت کتان بجای مرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی ای نهادم کرد واژ حرکت بازماند . درین اثنا یکنس ز سربازان مهاجم آمادگی گرفت تا قارنجکی را که یکنوع آله محترقه ومخرب است از روزه تانک بداخل آن پرتاب کندوبدانوسیه آترا بامرئیمینان پارتیزانی اش ازبین ببرد ولی همزمان باچنین رویدادی، یکنز جـئان یوگوسلاوی که مترصد ومراقب آن صحنه بود، خودرا از میان یک گـروب امیران وطنپرست که بدست سربازان مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده وبست تانک بساد شده پیشرفت وبا شجاعت ونهورجرت آوری پارچه افتاده پیشروی نقطه دید تانک را پس زد وآترا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیه وطیروستانه، یکسر لطیفی در برخورد با فیر های مسلسل ماشیندار دشمن تکه تکه وسوراخ سوراخ شد و نسانک پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی ومحاروبی خودرا از سر گرفت .

بائر فداکاری پیغله «میکابوسنیک» آن دوشیزه شجاع اسمش دردفین قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد وپیاد بود و ی ودیگر همزمانی بزرگداشتهایی بعمل آمد. همچنان موصوفه قتی هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپانزدهم بود» موففانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانش افزوده است. در اثنای جنگ آزادیبخشی ملی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت ، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سبم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن نابز دادند . آنان رزمندگان وجنگجویان ، کهمساران سیاسی، پرستاران و نرسنان و آمران بررسی امور معالجه زخمیان و ندای مجروحان درمانده بودند که لمح از تداوم وظایف مقدس شان باز نشتستند . بدیترتیب از زمره یکپزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دسته متشکل پروتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند . در «سلوونیا»



دو شمیزه افغانی با کلاه و بالا پوش زیبای قره قل

پوست قره قل افغانی در بازار های بین المللی

راضی و متبیین شدند که تجارت ما بحالت عادی جریان خواهد داشت . تبلیغاتی که در قسمت کیفیت و قیمت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار و فروشنده تاثیر فوق العاده نمود .

پرسیدم سالانه چه تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد و مشتریان پوست های افغانی کدام ممالک اند ؟

گفت : مجموعا در حدود هشت ملیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد . مشتریان و مصرف کنندگان پوست افغانی را آلمان فدرال ، ایتالیا ، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاندینوی در قدم دوم قرار دارند .

زیاد را مارکیت های بین المللی جلب میکند و تقریبا هشتاد و پنج فیصد تولیدات ما را پوست کبود تشکیل میدهد در حالیکه افریقای جنوبی بسیار کوشیده تا تولیدات کبود خود را بالا ببرد ولی تا هنوز نتوانسته که از پانزده فیصد، مجموع تولیدات خود را بالا ببرد و مجموع تولیدات پوست کبود اتحاد شوروی کمتر از پانزده فیصد می باشد

لطفا بگویید که امسال یعنی ۱۳۵۸ و وضع قره قل از نگاه تجارت و بازاریابی چطور بود ؟

امسال از نظر تجارت پوست قره قل افغانی خیلی خوب بود در ایلام های امسال تنها هشتاد و پنج فیصد پوست کبود فروش رسید . پوست قره قل که در چند سال اخیر

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم که مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشور ها اند ؟

در پاسخ گفت : افغانستان، اتحاد شوروی و افریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که در بازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند . بصورت عمومی تعداد پوست ایکه در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می - گردد چهار ملیون از افریقای جنوبی، سه ملیون از اتحاد شوروی و یک ملیون و سه صد هزار از افغانستان میباشد .

پوست قره قل افغانی برتری و امتیازیکه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیاد تولیدات را تشکیل میدهد که با داشتن رنگ طبیعی و گلهای مقبول و بی نظیر خریداران از مد افتاده بود. مخصوصا در مسالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره قل بحری پایین آمده بود که حتی یکتعداد تاجر و روشکست نموده بود و در جمله پوست باب ارزاترین آن پوست قره قل بود و حالیکه چند سال قبل قیمت منک و پوست قره قل یک برابر بود مگر فعلا قیمت پوست قره قل چهل فیصد قیمت پوست منک را تشکیل میدهد .

در طول امسال مادر پنج ایلام که سه آن در لندن و دوی آن در لینگراد شوروی صووت گرفت مجموعا یک ملیون و سه صد هزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست و هشت ملیون دالر رسید .

- عوامل بلند رفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد ؟

بقیه در صفحه ۹۱

نگاهی تجارت تقریبا بی سابقه می باشد . در ایلام لینگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست منک و (۲۳۴۲) جلد پوست تقر کبود و سیاه شامل بود که صرف یک هزار و دویست و بیست و شش جلد از فروش باقی مانده است . در سابق اتفاق می افتاد که یکتعداد پوست از یک ایلام نایلام دیگر باقی می ماند و حتی دو باره به کابل آورده می شد . مگر در ایلامهای اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد و همه بفروش برسد .

وی افزود: رژیم جدید افغانستان که چشم دشمنان ماراکو ر نموده بالای موسسات تجارتیکه با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بود که خوشبختانه در مفاهمه ایکه در ایلام لندن با آنها صورت گرفت کاهلا

در هشتاد و چهارمین ایلام قره قل افغانی که در لینگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز و مدت پنج روز دوام نموده مجموعا (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمت مجموعی یک ملیون و ششصد و پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده .

مابرامون موضوع فوق با رئیس انستتوت قره قل ، عبدالنبی بابا که چندی قبل جهت تنظیم و رسیدگی امور ایلام پوست قره قل افغانی به لینگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله ژوندون تقدیم می گردد . وی در جواب سوالی گفت : مطلب مهم و باارزش در قسمت ایلام پوست قره قل اینست که امسال هر اندازه پوست تازه که در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که از



ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچه منظوم خواست قربانیانی را انعکاس می‌دهد که زیر ساطور امین جلاد، جان سپردند. مطلع از سیمین بهیبا نیست. بخاطر تصریفیکه در مطلع آورده ام از شاعره بلند پایه آن پوزش میطلبم.

« ز شب رفتگان یاد کن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم ازمارسان بصیخی رسیدی اگر »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیغور:
ازین گور قاریک شبها رهیدی اگر
غم مرگ ما را نشاید فراموشی کردن
بدو گشایدان گریبان دریدی اگر
بفروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بمر چشمه نو و فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حشی چیدی اگر
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی
گهی باده تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن و توشه بیمار چون مرغ نوفان
ازین لاشخواران مسلخ بریدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خونین
سخنهای پیکار خونین شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آزمون را
ازین میل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شیدایی خفته در خاک ما را
گل سرخ وحشی کجایی شمیدی اگر!

سلیمان لایق
۱۳۵۸/۳/۱۰



۱۵۱: به قربانیان فاشیزم

درس و گد آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک
زین غصه گاه گوشه قلب
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال و برزدن آموخت
* * *
بالقلب گرم فاجعه را دیدم
تودر شط شقاوت خونین

غریق نام

۱۵۱

« ما انبوه کرگسان تماشاء
درس و گد آن شهید عزیز، آن غرور پاک
آن دشت آفتابی پرگل

تنها گریستیم

* * *

گفتند:

قلب هزار ماهی مرجانی
دربرگه های زنده گی افسرد
اکنون به سایه در شب آن هول
هول عظیم فترت

دیگر چه اعتباری؟

* * *

نام شما عزیز تران، دانم
چون مرده دیک هستی همراهم
« ثبت است برچیده عالم »

۱۵۱

داغ جبین آن که ترا کشت
با استخوان هستی ما را

بشکست

در پولگون فاجعه تاریخ
تاریخ رنج، اشک، مصیبت
همواره تیره است و سیاهست
* * *

اکنون تو نیستی که بینی
ملت به سوک یاد تو در خونت

در اشکهای آینه میبینم
تصویر توبه خانه هر چشم
در قلب هر شرافت معصوم
- گلگونست
در جستجوی گور تو هممهم

د رفاکجای این شب قاریک
- گل بگذارم؟

زیرا .

حا .

با سنگ ایستاده خالی
دیوان بی شرافت، بدنام
نام ترا چو قامت آن دار

- سوی اوج
بربانکرده اند

رویین



عالم و عابد

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویشی پدروی بردم و ج
وین جهد می کنند که رهاند غریق را
سعدی

شهیدانو و روڼو

ما چي دعا در ته کو له
یا می حق خبره کي له
سترگو اوښکه تویو له
زپه کی مینه پاریدله

چي زندان ته به در تلمه
په سرو سترگو ژپړېدنه
گو نگه خوله به در ید مه
له یخنی به وړید مه

په ژړا وی خو یندی میندی
ور سره دکا لو پښای
پری وهلی یی ملنډی
ډکی پرو ځنی کندی

په کو وو ننو تل به
ما شو مان یی ډارول به
هم بکسو نه یی مانول به
دغلو پشان یی وېل به

ما به ته ځنی غو ښتلی
دوی به سترگی برکولی
او وېل به یی فراد دی
زپه دی ولی پری پرهاردی

نه یی رحم و په زپو کی
نه یی پوهه وه مغزو کی
هسی خوشی شان وحشیانو
بس زمونږ غوښو لیوان و

دوی ته ښه چوکی موږو
هم ولاړو ته نو کر و
خوله پوهی نا خبر و
د ټولنی په ضرر و

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان ننداره وه
توره شپه وه توره شپه
خو نړی شان سلسله وه

زما ورو ښو شهیدا نو
په ریښتني مینا نو
«افغانیار» درنه قربان شه
با غیر ته افغانا نو

ظا لما نو چا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

خوانخواړانو ټیل وهلم
په برچو به یی وهلم

تاته یی کله پرېښولم
په برچو به یی وهلم

په ټیلو به یی ویستلم
په برچو به یی وهلم

پدی شان یی غو لو لم
په برچو به یی وهلم

شپه او ورځ به خور یدلم
په برچو به یی وهلم

تل غمو نو کړو لم
په برچو به یی وهلم

دشپی کله ویدیدلم
په برچو به یی وهلم

کار نامی به مو تل لولم
ولولی به مو تل لولم
«در محمد افغانیار»

حانه رعیت

غافلۍ را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی
تا خزانه سلطان آباد کند بی خبر از قسول
حکیمان که گفته اند :
هر که خلق خدای عزوجل را بیازارد نادلی
یدست آرد، خداوند تعالی، همان خلق را
پرو گمارد تا دمار از روز گارش بر آرد .

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست
واذل جانوران خرو باتفاق خرابی پر به که شیر
مردم در .

مسکین خر اگر چه بی تمیزست
چون بار همی برد عزیزست
گاوان و خران بار بردار
به ز آدمیان مردم آزار

باز آمدم بحکایت وزیرغافل . ملک را
ذمایم اخلاق او بقراین معلوم شد . در شکنجه
کشید و با انواع عقوبت بکشت .

حاصل نمود رضای سلطان
تا خاطر پند گان نجو یی
خواهی که خدای پرتو بخشد
با خلق خدای کن نکویی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر
سر او بگذشت و در حال تپاه او تأمل کرد
و گفت :

نه هر که قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بکثراف
توان به خلق فرو بردن استخوان درشت
ولی شکم بدرد چون بگیرد اندر ناف

نماند ستمکار بد روزگار
بما ند برو لعنت پایدار

سعدی

آورده اند که نوشیروان عادل رادر
شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود .
غلامی بپروستارفت تا نمک آرد . نو شیروان
گفت : نمک به قیمت پستان تا رسمی نشود
وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدر چه خلل
آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول اندکی
بوده است هر که آمد برو مزیدی کرده
تا بدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملک خورد ممیی
بر آورد غلامان او درخت از بیخ
پنج بیغه که سلطان ستم روا دارد
زندد لشکریانش هزار مرغ بسیخ
سعدی

یادونه :

در لولوستونکوبه اته غلو بیستمه گنه کی شفق

زپه تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعر

«سنگر وال» شعر دی

از

گلستان

برچیده

ایم

ازاین بعد، هر چند گاهی وزمانی پایوسته
ودایم ، سیر و گشتی به دیوانهای اشعار
بزرگان ادب و شعر می کنیم و خوشه های
از خرمن پرفیض آن بر میگیریم و به شما
نوفندان شعر و ادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراق زوین سعدی را به تورق
گرفتیم و صفحه گلهای سرخ را با مقالات او
که بی مقالات او، بقولش، «هفت کشور نمیکند
انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی نشان
ونامی و تجدید یاد باشد از ابر مردان
میدان شعر و ادب .. و از جانبی برانگیخته
فکر خوانندگان این صفحه به مکاشفه
و مراقبه در ادب و فرهنگ پربار ما ...



بنیاد ظلم





و نیز همه اضافه گی ها و جریانات بعدی باین
تهداب ها علاوه می شود تا اثر این کار ها
و شیوه ای که آنها به سلوک انسانی تعبیر
می گردند طور قابل ملاحظه به تهداب های
ارتباط و بستگی دارند که توسط فامیل گذارده
شده اند . همین است علتی که می گویند
فامیل ، نه کمتر از هسته های فعال اجتماعی
اندازه جوهر ایدئولوژیکی و فکری جامعه را
تعیین می نماید . این در داخل فامیل است
که روابط خاصی در حیات انسان بهمان می
آید و در آن صورت وقتی که خود ما بوالدین
مبدل گردیم می توانیم از برخورد و تماس
خوب خویش با دیگران به حیث یک ایده آل
عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی بطفل در
حیات اجتماعی نقش ارزنده و مهمی دارند و از
سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات
انسانی این بخش جوان نوع بشر - بزرگان
خود را در موقعی قرار می دهند که در آنها
ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت
صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند .
(پایان)



مواظبت طفل عمدتا با یداز طرف والدین صورت گیرد .

وروانی پرورش دهند و باین صورت می توانند
به پیروزی و موفقیت نایل شوند .

باید متذکر شد که فامیل از نگاه کار و
مسایل اجتماعی یکی از اساسی ترین همه
هاست و این یک تهدابی است که در رشد و
ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد .
غفلت درین ساحه جز عثم تناسب و ایجاد
تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی
آورد . آری این فامیل است که تهداب اصلی
شخصیت ها را گذاشته و برخورد او را برابر
دنیای ماحولش تعیین و تثبیت می دارد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره استیغوت صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین و معلمین در رشد ذهنی و اخلاقی اطفال

تقلید قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین
رو حیه را در تمام شاگردان یک نسبت
به وجود بیاوریم بعضی از آنها تا یل
بیشتر به همکاری دارند و عده به علت
تجارب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان
داشته اند مایل به همکاری نبوده و دا یم
تولید موا حمت می نمایند .

در مدارس موقعیت های مناسبی برای
نشان دادن رعایت حال دیگران به
کودکان وجود دارد و موجودیت دخیلین
مدارس خود نمونه با رزی است در بعضی

طوری که همه میدانند اطفال در صنف
سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه
به علت ترس و انضباط خشک و خالی افراد
دقیق و قابل اعتماد میشوند معلمین که حتی
در مورد تاخیر صنفش ساکت و آرام است
معلمی است که برای اداره صنف از همکاری
و تعاون شاگردان خود استفاده
میکند و با آنها رفتار دوستانه دارند
معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگردان
خود با آنها همکاری میکند و خود
را با آنها وابسته نشان میدهد بعدا
شاگردان نیز رفتار معلم خود را مورد

مترجم : «لیلا بصرمل»

نویسنده : یوری دیوریکوف

مواظبت جسمی و روانی طفل

در عصر ما تربیه طفل بمراتب نظریه زمان
های گذشته، که عمدتا کودک از نظر جسمی
مواظبت می شد مشکل تر است . در مراحل
اولیه حیات بشری بخش روانی طفل جنبه
تکامل خود بخودی را داشت .

ضرورت اینکه نموی فکری و دماغی طفل
باید رهنمائی و مواظبت شود در زمان مابین
احساس می گردد . این حادثه تربیه طفل
را هنوز هم مشکل تری سازد . مخصوصا با
انقلاب علمی و تکنیکی پیشرفته و آرزو هایی که
این انقلاب بوالدین در تربیه طفل ایجاد میکند.
اکثر والدین برای چنین فعالیتی آماده نیستند،

فقدان دانش درین ساحه یک مشکل حاد
اجتماعی است - دکتورها مشاهده نموده اند
که در حدود پنجاه فیصد والدینی که
فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند
چطور باید زندگی طفل مرتب شود - در
ساعات تربیه اخلاقی، ذکاوی و روانی حالت

هشوز بدتر ازینهاست - چنین غفلت غیر قابل
تحمل است، چه مابه کار همیشگی و فعالیت
وسعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیه
که با اساس دست آورد های جدید علوم
بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه
را بگیرد .

در نتیجه انقلاب علمی و تکنیکی در تیوری
و عمل تربیه طفل تغییرات جدی بوجود آمده...
در شرایط مدنیت امروز که به تربیه روانی
و عصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس
میشود - باید در نموی اطفال یک برخورد



کودکان در اطراف مربی شان خود را خرسند فکر میکنند

افراط پیموه شود از صورت لبك و پسندیده خود خارج میشود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده و وظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباسها و یا شکستن اشیاء با زری اشیاء می آید آنطور ریکه دلش میخواهد با زری کند خیلی زیاد رشد کرده است و رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودکان به علت تاکید آن توسط اطرافیان و است قسمی که از ارتکاب اشتباه کوچککی خیلی نا راحت میشود. کسانیکه به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بی اهمیت متحمل زحمات فراوان میشوند در همین قماش اند. بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا وظیفه دشواری دارند و اینها کودکانی هستند که علل پدر و مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت و بی نادانی بزرگتری اینچنین تصورات میکنند که با نیستی در زندگی مسئولیت پدر و مادر فوت شده را بدوش بکنند بر ای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعا احساس مسئولیت فوق العاده مانع بازی و سازگاری کودک است یا نیستی این احساس مسئولیت را در سائر موارد و کارهای که کودک انجام میدهد مشاهد میکنیم بعضی از کودکان دارای احساس مسئولیت فوق العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمانی و بر خوارت و اهل بگو و بخند هستند یک عده دیگری از کودکان که جاسوس نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش نکنند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان را نمی بینند.

به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمک کنند این امر هم در مورد کودکان خود سال و هم کودکان بزرگسال صحت دارد. در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می نامیم اگر متوجه شدیم که کودک علاقه زیادی به فعالیت دارد به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با انگشتان کودک احساس کند که شما با توجه به علاقه زیادی دارید. بگذارید کودک حس کند که شما حتی موقعیکه در خانه نیستید به فکر او میباشید بهمانه به تدوین شمشه میتوان با احساس علم مسئولیت فرزند خود مبارزه کرده و او راه تدریجی و آهسته به قبول مسئولیت بیشتری بنماید شما بتدریج میتوانید به فرزند خود شاگردان یاد دهید که چگونه مسئولیت را بر عهده بگیرد یا سایر کارها یک شمشه فکر میکنند فرزندتان با آن احتیاج دارد فراموش کنید از تطمیع کودک در چنین مواردی بعضی وقتها بر پا ساختن چنین به خاطر کودک میتواند به پیشرفت او کمک نماید ممکن است منظور از این جشن ایمن باشد که به کودک اجازه دهیم یک روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه را پیدا نماید و یا اینکه یک شب به پروگرام تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص به آن مبذول دارید.

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق العاده باشد؟ هر صفتی هر قدر هم پسندیده و مطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن را

داوند پس او ممکنست که در جلب توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه به علت اشتباهات واقعی یا غیر آن خود را مقصر بداند.

ممکنست که در شرایط مخصوصی که ملا غیر مسئول باشد و لی در وضع دیگر، دارای احساس مسوولیت نماید همینقدر که فراموشست که کودک جسمی ضعیف باشد یگر کوشش برای مسئول بار آوردن او چند آن مضر نخواهد بود.

آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهایی ناشی از عقب افتادگی او باشد؟ آیا بجز این راه و اهلای دیگری برای شناسایی عقب ماندگی کودکان در دست است؟ اگر کودک علاوه از غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی عاطفه و بی حال نیز باشد و یا دایما با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیاید یا از چیزهای موهم ترس داشته باشد اشکال چنین کودک کی علت روانی عمیق دارد. مراجعه بشما و این اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر علم مسئولیت کودک کی علل غلطی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به نظر میرسد که کودک به رشد خود به طوری رضایت بخش ادامه میدهد.

و در اینصورت کمکهای اولیه معلمین یا والدین کافی به نظر میرسد اگر نتیجه مثبتی از روشهایی که قبلا عند کردیم حاصل نشد ما میتوانیم با عطا له وضع عمومی کودک قدمهای موثری در این راه برداریم.

صحت در تنهایی با پدر و مادر، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانند

از مدارس متوسطه مدیران و امریسن حتی با از این دایره فراتر نهد اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدرسه تعطیل میشود چند نفر از شاگردان خود را به کلاسها و یا به دهن دروازه مکتب می فرستند تا آنها به اطفال کلاسها در پوشیدن لباسهای کلاسها و یا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدینشان سپرده و یا از میسر ترافیک آنها را عبور دهند. جریانی عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا هوا طلبانه و به نوبت در انجام آن مسیوم شوند و علاوتها پاک نگه داشتن صنوف واحاطه با زری مرتب ساختن کتابخانه - کار کردن در سالن، غذا خوری اینها همگی به ایجاد حس قابل اعتماد بودن و کار دانی کودکان کمک فراوان میکند.

این نکات متذکره بیانگر آن روشی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت نمینماید میباید. پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودک که در خود احساس مسئولیت نمیکند چه طور باید رفتار شود. وقتی که کودکی علی الرغم سعی و کوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خود را انجام دهد ما با یتی فوراً تشخیص دهیم آیا عدم انجام وظیفه این کودک ناشی از توقع زیاد میباشد یا نه چون گاهی شده است که یک کودک غیر مسوول را با کودک فوق العاده کار دانی و قابل اعتماد مقایسه میکنیم.

غیر مسوول بودن دایمی کودک در بعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و احوال خاصی باشد و یا اینکه ممکنست کودک غیر مسوول فکر کند که پدر و مادرش به او توجیه بیشتری



چند نمونه از بازیچه های تجربی که توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی پیشنهاد شده اند

جلو گیری از سوء تغذی و عوارض ناشی از آن



طفلی که در اثر سوء تغذی به این حالت در آمده است .

سوء تغذی عبارت از تغذی غیر نور مال و غیر طبیعی (فرط یا تفریط تغذی) بوده که باعث يك سلسله تشوشات فزیک و روحی میگردد. البته باید دانست که فرط و تفریط تغذیه بصورت جدا گانه باعث امراض گوناگون میگردد .

اول - فرط تغذی :-

فرط تغذی و امراض گوناگون حاصله از آن عموما نزد کسانی دیده میشود که نظر به وضع اقتصادیشان قادر اند تا مواد غذایی گوناگون را اضافه از ضرورت روز مره شان صرف نمایند . و امراض ناشی از این پرو بلم بیشتر در ممالک انکشاف یافته دیده میشود . ولی وقایع آن در ممالک رو به انکشاف خیلی محدود است .

امراضیکه ناشی از فرط تغذی بوجود میآیند قرار ذیل اند :
۱- چاقی ۲- اتیرو سکلیروز (حالتی که با استحاله سختی و تصلب جدار های روعیوی و گاهی اجواف قلبی مشخص میشود).
۳- امراض قلبی و عایی ۴- دیابت (مرض شکر) ۵- فرط فشار خون ۶- تسممات مواد غذایی مختلفه از اثر فرط استعمال شان .

دوم - تفریط تغذی :-

تفریط تغذی یکعه از پروبلمهای عمده حیاتی را در کشور های روبه انکشاف تشکیل میدهد سوء تغذی ناشی از تفریط تغذی ابتداییترین و اولین سبب مرگ و میر درممالک رو به انکشاف قبول شده . و از همه امراض بیشتر حیات اطفال را درین کشور ها بمخاطره انداخته از همین سبب است که در اکثر کشور های رو به انکشاف فیصدی مرگ و میر در اطفال خورد تر از پنج ساله بمراتب بیشتر از ممالک انکشاف یافته است .

آنعه اطفالیکه با وجود مصاب بودن با سوء تغذی زنده میمانند

پرو قینی :
۱- مرض مرسموس : یک مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

۲- مرض مرسموس : یک مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

۳- مرض مرسموس : یک مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

شهری و دهاتی مصاب آن میشوند اسباب عمده این آفات عبارت از فقدان پروتین و کالوری ، انتانات معدی معایی و اسهالات متکرر توپر کلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنوعی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار وبدون غذا های متمم ، گر سنگی پسی در پی ، شیر ابکین و غنا های متمم نامکمل و قبل از وقتمعین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده واز نظر درجه وخامت این مرض به سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سرسمیک کواشیور کوریاد می گردد نیز موجود است . واعراض در جات مو صوف بصورت موقتی

و دایمی میباشد .
اعراض مو قتی آن عبارت از تغییر مو ها برنگ خر مایی جلدار لشم و در خشنده بوده که اعراض اولیه مرض را نشان میدهد بر علاوه اعراض فوق الذکر اعراض کمبود ویتامین های مختلفه بالخاصه ویتامین (آ) نیز بمشاهده میرسد . اعراض دایمی مرض عبارت از تاخیر نشو و نمای فزیک از بین رفتن عضلات و نسج حجروی تحت الجلدی شحمی ، عضلات ضمو ری باختن وزن و تغییرات بسیارخفیف روحی و حرکی ، کم خونی، دیها یدریش ، تغییرات در احشاء و غیره که در بنصورت طفل مریض مانند شخص پیر معلوم میشود . و چهره اش شکل شادی را اختیار میکنند .

۲- افت یا مرض کواشیور کور: این مرض درحقیقت یک سندروم

(مجموع الاعراض) است و عموماً در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از یک سال عمر دارند. و عوامل ذیل باعث بوجود آمدن آن میگردد.

دادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه ساختن بعضی از غذا های غیر پروتینی عادی و معمولی خانواده گاهی به اندازه ناکافی و غیر متوازن رسم و رواجهای نامناسب بعضی از فامیلهای که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلاً: گوشت شیر، تخم، میوه جات، حبوبات و غیره تنها کاهلان فامیل حقیق استفاده دارند. و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمیدهند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند. استعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی اند. گذشتن دادن امراض تب دار مانند: ملاریا، توبرکلوز، سرخکان، سیاه سرفه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسازد. وضع نامناسب اقتصادی و اجتماعی: بیسوادی، غربتوالدین اقتصاد خراب و عدم توانایی خرید غذا های متنوع و مفید. حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره.

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیمایا (پندیده گی)، ضیاع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغییرات روحی و عقلی، کسالت و سستی، تغییرات موهای نازک، باریک، صاف پیرنگ سست و جلا دار میگردد. و از بین رفتن رنگ جلد، تغلس جلدی جروحات مختلفه جلدی، و جبهه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضحای موی و شحمی، طحال ضحای موی، کم خونی و اعراض و علایم کمبود ویتا مین های مختلفه میباشند:

ب: ویتا مین ها:

۱- کمبود ویتا مین (آ): از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کسره عین خشک شده و به کوری تمام منجر میگردد. همچنان در اکثر فقدان این ویتا مین حشرات ایتیل در اکثر نقاط عضویت تغلص نموده

و سخت میشود. بالاخره به اثر پائین آمدن مقاومت عضویت و حملات مکرر انتان مرگ فرا می رسد.

۲- کمبود ویتا مین (دی): در اطفال استخوان ها نرم شده و مقاومت خود را از دست میدهند بالاخره تغییر شکل اختیار می نمایند. در نزد کاهلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوانها که مترافق با اوستیوپوروز (تخلخل غیر طبیعی استخوان بعلمت عدم توانایی استیو بلاستها در ته نشستن در متریکس استخوان) ظهور میکند. همچنین نشو و نما

جوانان تشوشات عمیق تشکله عظام رونما میگردد که زیاده تر در نهائات و نقاط نشو و نما عظام تصادف مینماید.

همچنان تشکلات جدیده عظام و نشو و نما دندان متوقف می شود. بر علاوه در فقدان این ویتا مین مقاومت عضویت پائین آمده و افات انتانی بخوبی شفا نمیشوند.

۳- کمبود ویتا مین (ب یک): از فقدان این ویتا مین عوارضی بوجود میآیند که تحت عنوان بری بری یاد میشوند، ضعف، بی اشتها، باختن وزن، تشوشات



سوء تغذی اطفال را باین روز می نشاند:

ذهنی، درد های عصبی اعراض پیشقسم آن بوده که مترافق با تشوشات روحی میباشند در واقعات پیشرفته و شدید اعصاب حسی و حرکتی دو چار تشوشات عمیق گردیده و عضلات ضعیف مینمایند. فلج اطراف ظاهر شده و قلب مریض بزرگ میشود و یک پرش قلبی شدید شنیده میشود. اینرا هم باید دانست که مریضان مصاب (بری بری) بعضاً از یمائی بوده و یا اینکه بشکل خشک تظاهر مینمایند.

۵- کمبود نیا سین: از اثر فقدان این ویتا مین یک دسته عوارض که معمولاً در جلد جهاز

دندانها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشود. ۳- کمبود ویتا مین سی: از قدیم دانسته شده بود که کسانی که از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند. درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندو تیل سریه نوزف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده بیره ها به التهاب دچار شده و متورم میشوند.

دندانها مقاومت شان را از دست داده و بزودی تخریب میشود. در نزد اطفال و نوزاد

عضوی و سیستم عصبی تظا هر مینماید و تحت نام بلاگرا مطالسه میگردند. وجود میباید که عبارتند از بوجود آمدن یک نوع احمرار و اذیمایا در نواحی مکشوفه جلد که معروض به اشعه افتاب میباشند، خشک و تغلصی شدن جلد و تظاهر یک نوع تقرحات در نواحی فوق الذکر، عدم اشتها، تنگی اسیدیسی معدوی، قبضیت و اسهالات، بی خوابی، خستگی سر چرخشی، سردردی، تشوشات عقلی که بالاخره منجر به دیوانگی میگردد.

۶- کمبود ویتا مین (ب ۱۲): از اثر فقدان این ویتا مین یک کم خونی خبیث بوجود میآید که درین کم خونی لوحه خون تغیر نموده و مقدار هموگلوبین نور مال خون تنگی مینماید. بر علاوه اعراض تشوشات عضوی و عصبی نیز در نزد این مرضیضان دیده میشود.

ج: کمبود مواد معدنی:

۱- کمبود آهن: کم خونی ناشی از کمبود آهن بوجود میآید. ۲- کمبود مواد ایو دین دار: جاغور اندیمیک (در مورد بیماری گفته میشود که کم و بیش پیوسته در یک محل وجود داشته باشد) ۳- امراض ناشی از افراط و تقریط فلورین:

در صورت تقریط: کسرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در مناطقی که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندانهای اطفال پیشتر کرم خورده گی میداشته باشد. - در صورت افراط: فلسورز: زیس بوجود میآید.

۴- کمبود کلسیم وفاسفورس: در اثر کمبود وقلت این دو مترال استیو مالا سی (نرمی استخوان) بالغ بعلمت اهکی شدن ناقص و جذب اضافی کلسیم وفاسفورس از آن) واستیو پورس (تخلخل غیر طبیعی استخوان) بوجود میآید.

حال که معلوم است کم و بیش راجع به سوء تغذی کسب نموده ایم بهتر است تا نخست نکات چند راجع به اسباب و عوامل سوء تغذی ارا نه نموده و بعد از آن تدابیر لازم برای راجع به اسباب و عوامل سوء تغذی ارا نه را تحت بررسی قرار دهیم.

بقیه در ص ۴۸

1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
25
26
27
28
29
30
31
32
33
34
35
36
37
38
39
40
41
42
43
44
45
46
47
48
49
50
51
52
53
54
55
56
57
58
59
60
61
62
63
64
65
66
67
68
69
70
71
72
73
74
75
76
77
78
79
80
81
82
83
84
85
86
87
88
89
90
91
92
93
94
95
96
97
98
99
100

Handwritten notes in the top right corner, possibly a list or index.

Handwritten notes in the bottom left corner, possibly a list or index.

Handwritten notes in the bottom center, possibly a list or index.

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد .
خوب اگر این سخن را بپذیریم و باید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که آماده برای ساختن يك زندگي مشترك خانوادگی اند چه میشود ؟

آیا بگذارند همینطور روز ها و سالها به مطالعه در این زمینه بگذرد ؟
در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه در هر زمینه ، معقول و خالی از فایده نیست اما در بعضی مسائل نباید مانند ازدواج زیاد وسواس و دلواپسی نشان داد .

زیرا آینده راهیچکسی قادر نیست پیشبینی نماید و اگر قرار باشد که روی بعضی مسائل خرد و ریزه زیاد پیچیده شود پس هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد .
امروز که زمینه های بهتری زندگي برای جوانان ما از هروقت دیگر مهیا گردیده است و میتوانند با خیال راحت زندگي مستقل و بدون تشویش را بسازند باید جوانان ما متفرد خرده گیر در این ساله حیاتی

نمایند . در این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشد که اومی خواهد .

اما این مشکل است که انسان تمامی صفات دلخواه خود را در وجود يك شخص نیابد . هیچگاه انسانی یافت نخواهد شد که تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد . پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید يك کمی گذشت داشته باشند و زیاد سخت گیر نباشند و مخصوصا دختران .

خوشبختی و بدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید و به همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تصمیم کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند و می خواهند آرزو دارند زندگي مشترك خانوادگی را بسازند از يك سلسله مسائل كوچك صرف نظر کنند و به بخت و خوشبختی خویش پشت پاز نکنند .

ورداشت او از وطن و مردمش معقول و مشیت باشد .
مادر فهمیده و معلم آگاه پدر دور اندیشی همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند .
در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل و پرابلم كودك را بر رسی میکند و او را در کارش یاری میدهد . این طرز پیش آمد به كودك موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر و مادر و معلمش در میان نهد و از سوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نپرسد .

متأسفانه بعضی از پدران و مادران خلاف تربیتی های قبول شده امروزی با اطفال و كودكانشان رفتار می نمایند .

مثلا بعضی از این پدر و مادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده هینکه طفل و یا كودك شان از آنها سوالی در موارد مختلفی می نمایند والدین به تهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیشی آمد مخالف طرز تربیت امروزی است .

اگر كودك نتواند از پدر و مادر و معلم خود پاسخ مثبت و معقول که بتواند او را قانع سازد بشنود ، این سوال ها در آینده برای او عنده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج و عذاب قرار دهد . بنا پاسخ به سوال كودك آنهم بشکلی که كودك را قانع و مطمئن بسازد از جمله وظایف اساسی و مهم برای والدین جوان و معلمین جوان است .

آزاد گذاشتن كودك در بعضی از مسائل زندگي البته تحت نظر والدین و معلمین به كودك موقع خواهد داد تا در زمینه های مختلفی زندگي بخود متكي گردد و در آینده این اتكاء بخود، او را جوان با كفایت و برومند بار خواهد آورد .

پس ای جوانان، شما که مسوولیت بزرگ پدری و مادری را بدوش دارید با كودك خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست .

اگر به آینده او می اندیشید ، و اگر می خواهید که فرزند تان جوان آزاد ، با دانش و معقول بار آید از حالا به تربیه او كوشش بعمل آورید و این کار را يك باز یچه نه پندارید و نباید آینده او را به تقدیر و سرنوشت بگذارید .

نوشته شیر محمد «هاج»

جوانان و راه و رسم

زندگي جدید

دادند و به قدرت چابانه آنان خط بطلان کشیده شد . امروز خلق مآتوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت عشا و یمن مختلف تحقیر نمیشوند . پیروزی انقلاب زنجیر شکن، گذشته از اینکه به آنهمه بی عدالتی ها و تعصبات قومی و لسانی خاتمه داد در برابر شدن استعداد های خلاق خلق و جوانان ما نیز توجه یس عظیم دارد .
امروز دولت انقلابی مآتحت پروگرام های انكشافی و اقتصادی که بزودی ممكنه در معرض اجرا گذارده میشود ، با روحیه انقلابی از انرژی سر شار آنان استفاده می نماید و به نودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگرده .
جوانان کشور انقلابی ماکه با اتكاء بر ایمان و وجدانی که دارند و با ابتکارات و پیکار

انقلابی در تحقق بخشیدن ارمانهای توده های ملیونی رنجبران ، زحمتکشان همگام با دولت انقلابی و مردمی خویش برای بلند بردن سطح تولیدات و انکهای کامل یسواپی کار می نمایند ، در تهیه و ترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار و پیکار انقلابی اند .
پس با درك این واقعیت میتوان گفت: جوانان امروز از هر نگاه آماده خدمت به مردم بوده و باید نظر داشت راه و رسم زندگي جدید برای نوسازی جامعه خویش گام بر میدارند و به صفت انسان ایده آل، مبارز طوریکه ا ز آنان آرزو میرود در پیکار با نابرابری ها ، بی عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند .

در این عصر جدید که نیرو های مترقی راه تکامل را میساید و تر جریان آن عناصر ارتجاعي راه زوال را می بیناید وظایف و مسوولیت افراد جامعه خاصاً جوانان انقلابی یس سترگ است .

در افغانستان انقلابی با در نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی و بنابه خواست تاریخ تحول عمیق کیفی وینادی در حیات خلق ما وارد شد و به همان اندازه وظایف و مسوولیت جوانان ماراستگین تر ساخته است . جوانان ، با نیروی سر شار و انرژی پر توان در تحکیم حفظ و نگهداشت انقلاب ثور رول پسزا ایفا می نمایند . پس باید با جرأت اظهار نماید که : جوانان انقلابی ماکه مجهز با دانشی پیکار انقلابی اند ، و با درك خصوصیت های طبقاتی ، به صفت انسان نیرومند و انقلابی کار و پیکار مینمایند .

زیرا بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفرین ثور جامعه عقب نگه داشته شده ما تحولات عمیق در همه شون حیات خلق مارونما گردید ، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند . در گذشته ها خصوصاً در زمان فرمانروائی خانانده فاسد نادری ، خلق مآخزیر شلاق چابانه آنان جان می سپردند و حتی آنان جزئی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلق های رنجیده ما قابل نبودند . ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور خلق ما از آن بدبختی ها نجات یافتند و با آنهمه بی عدالتی ها و تعصبات گذشته خاتمه

مسوولیت پدر و مادر در برابر كودك



اما يك چیز که همیشه مدنظر بوده و همواره دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه كودك باید مطابق به محیط و زندگانی مردمی تربیت گردد . این امر می رساند که باید هر پدر و مادر و هر معلم جوان و فهمیده كودك را طوری تربیه نماید که برای وطنش و برای مردمش مفید باشد . یعنی تربیت او طوری باشد که كودك در آینده چون به جوان برومند مبدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد

هر پدر و مادری حق دارد فرزندی را تربیه نماید ، اما چه نوع تربیتی ؟
این سوال برای آینده كودك که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت است . تربیت كودك از طرف والدینش يك مسأله حیاتی برای كودك شمرده میشود ، و اولین خشت های زندگي او را میسازد .
در مورد تربیت درست و معقول كودك امروز جروبثت های مختلفی یسین دانشمندان و متخصصین امور تربیت كودك صورت گرفته



این دوچهره را که میبینید از پدر و دختر میباشند که برای آزمائش ذهن شما چاپ نمودیم این دختر از دختران بزرگ و گف پسر خواست در راه پیش رفت و معروفیت میبندد. ویکی از فصلهای نام (مخوام دشمنایت را بگیرم) است حالا از شما میخوام که اول اسم پدرش را و بعد اسم دخترش را برای ما بنویسید.

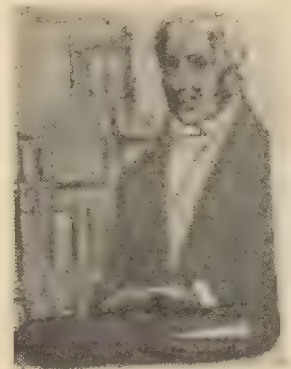
[illegible]

١٠٠٠

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
+	•	*	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•

در این جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دارای ۹۶ ستاره و مربع ، مثلث ، دایره و مربع ، علامه مثبت مثلث گنجینه شده اما در این همین جدول در یکی از خانه ها ترتیب یک دایره سیاه است که بالای آن یک مثلث سفید و در پایین آن یک دایره سفید موجود میباشد آنرا پیدا و برای ما بنویسید .

چه کاره است ؟



هر کسی که در یکی از دایره کار میکند. اسباب و اشیای میز و کارش از وظیفه او نمایندگی میکنند ما هم این تابلو را که در این چاپ نمودیم اتفاق کار یک نفر را نشان میدهد آیا میتواند بگوید که این شخص چه وظیفه را بدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱- اودر سال ۱۷۰۱ در اوسلا (سوئد) بدنی آمد و در سال ۱۷۴۴ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد مردم تا قرن شانزدهم حدس میزدند که زمین و آسمان را در آفتاب تابستان یا بدن یک انسان تب

دار معین میکردند و بعدا فارنهایت و سوسور درجه بندی آله درجه حرارت را در حال یخ شدن آب و در حال بخار آب جوش درجه بندی نمود اودر سال ۱۷۴۲ درجه حرارت صدقستی (سانتی گراد) را درست نموده است .

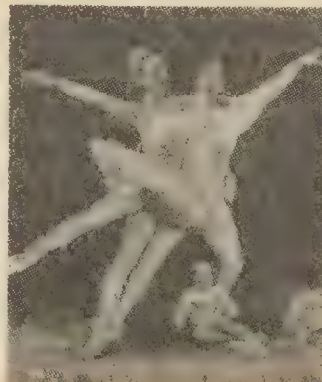
حالا بنگارید که این مخترع کی بود ؟



۲- این شخص که دوسال ۱۷۶۵ متولد شد و در سال ۱۸۳۹ از دنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود و مردم متوجه گردیدند که نمیتوانند از این پارچه های قیمت دار استفاده نمایند و بنیبه که زیاد میباشد چرا پارچه های اوزان قیمت نساژند همان بود که با کمک یک کارگر که در زندان بود دستگاه نساجی را اختراع و بنگار انداخت حالا بگوئید این دوفنر کی ها بودند ؟

بی پروایی

ما این تابلو را که از یک صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جافلی را می بینید که گریه را سر داده ولی آن دو بایک دنیا نشاط و بی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند ما به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شهابه این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکند ما برای کسانی که بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کرد جایزه میدیم و فوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .



این اثر از کدام نویسنده است ؟

ما حصه از کتاب یک نویسنده مشهور جهان را برای شما شرح میدهم از شما تمنا داریم تا اسم کتاب و اسم نویسنده آنرا برای ما بنویسید .

در صحرای بودم صحرایی بزرگ و حزن انگیز که گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم که شب است یا روز گردش میکردیم با برادرم برادر سالیهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که هرگز در فکرش نیست و تقریبا هیچگاه به یادش نمیآورم . صحبت میکردیم و بارها هکذران مصادف میشدیم از یک زن حرف میزدیم که در روزگار گذشته همسایه مان بود و تا در آن کوچه منزل داشت جلوی پنجره ناخن کشیده همیشه باز بود کار میکرد . در صحرای درختی نبود . مردی را دیدم که از نزدیک ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه هرگز خاکستر و سوار بر اسبی بود به رنگ خاک این مرد مرد بوسر نداشت جمجمه اش نمایان بود و بر جمجمه اش رنگ های دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه موثرم و مثل آهن سنگین بود این سوار از جلوما گذشت و چیزی بهما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم اینجا یک جاده گود افتاده بود که بته خاری بزرگ علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاک بودی از چند قدم دیگر وقتیکه حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که دیگر برادرم همراه نیست به دهکده ای که دو آن نزدیکی دیدم وارد شدم و بنگر میکردم که آنجا باید رومئویل باشد . (رومئویل چرا !)

اولین کوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به کوچه دیگر رفتم پشت زاویه ای که از دیوار های این کوچه ساخته میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم و او را پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجاستم جوابی به من نداد دیدم که در خانه ای باز است درون شدم اتاق اول خالی بود به اتاق دوم رفتم پشت در این اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بود از این مرد پرسیدم این خانه از کیست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه یک باغ داشت از خانه بیرون رفتم و وارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد رفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سرگردان ماندم و ناگهان مشاهده

کردم که این يك شهر است همه کوچه ها خلوت و همه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از کوچه ها نمیداشت هیچکس در اتاقها راه نمیرفت و کسی در باغها گردش نمیکرد اما پشت هرزویه دیوار پشت هر در پشت هر دوخت مردی ایستاده بود که مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیک بهم باشند . این مردان با نگاه دنبال میکردند از شهر بیرون رفتن و در صحرای راه افتادم پس از مدت کمی سرگردانم دیدم که گروهی دنبال ما می آیند همه مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتارشان به نظرم نمیرسید اما از من تندتر راه میرفتند کمترین صدا از راه رفتنشان شنیده نمیشد در يك لحظه این جمعیت به من رسید و احاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ خاک بود .

آنگاه اولین مردی که دو شهر دیده و او را پرسشهای کرده بودم به من گفت کجا میروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده پیدا دهان نمیشود تا جوابی گویم و مشاهده کردم که هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صیحه هاان سرد بود و دلنگه پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود و شمع نزدیک به خاموش شدن بود هنوز شب تاریک بود از جابجاست سوی پنجره رفت باز هم سانه ای بر آسمان دیده نمیشد از پنجره اتاق حیاطخانه و کوچه نمایان بود همانند صدای خشک و سخت ناگهان از روی زمین برخاست و چشم او را فرو آورد زیر پنجره دو ستاره سوره که روشنایشان به وضع غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرم رسید چون نیکی از فکرش هنوز در تار و پود رویا غوطه ور بود و با خود اندیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگر روی زمینند آنگاه آشفتنی افکارش بر طرف شد صدای تازه ای شبیه به صدای نخستین بیدار شدن را کامل کرد با دقت تگریست و دانست که این دو ستاره دوجراغ یک فرشته است در روشنایی این سمن چراغها توانست شکل دو شکه را تشخیص دهد این يك تکه اسبه دوجرخه بود که به اسبی سفید بسته شده بود صدای که قیلا به گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش کوچه بود . مادلن با خود گفت این در شکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است . همانند کسی در اتاق رابه آهستگی کوبید .

روزنامه آفتاب

قسمت دوم

اینرا گفته و بمرعیت خود را بدلا خیل
حو بلی و محوطه دفتر رسا نید ، دفتر
باز بود . در برنده عا رضین زیاد جمع
شده بود ند . ما مور و میرزا و عسکر و
نفر زیاد هم آمده بودند بعضی ها لباس نو
و حتی کتک و نشان طلائی هم به سینه
دا شتند ، بعضی ها شمشیر های مر صغ
در غلاف های زر انلود پر کمر بسته بودند
زمینداران بازو باشه شکا دی خو دوا
نیز پا خود آورده بود ند .
پو لبس ها با کمر بند و سر شانه نی
براق و جلادار خود ملک ها و خا ئه ی قریه
با مهر و زنجیر ها ی رسمی خود ، همه در
انجا بنظر میامدند . قدیم هم خودرا در آن
قطار رسا ند و شامای خود را پیسداو
خو یشتن را خم و آهسته اظهار کرد :
صاحب محترم ، عرض دارم . شکایت
است . بجا کم صاحب عرضی دارم .
شکایت از چه ؟
صاحب ... از صیب آب . و بعد از آن ..
دگر چه ؟
خیر . دگر هیچ . مالک چا یخانه وعده
داد که آت را پیدا کند . در مت شد .
چه را پیدا کند ؟
دستمال نان مرا . شب گم شد .
هی ... از کجا هستی ؟
از چو لو .
کالا یت به جل اسپ میماند .
همه کمالیکه در برنده دور قد یم جمع
شده بود ند بلند بلند خندیدند . ما مور
دفتر بیرون پر آمد و چیغ زد :
غافلغال چیست ؟ سر دار صاحبها کم
صاحب قهر میشود .
این نفر غافلغال میکند . کالا یت به
جل اسپ میماند .
چه گفتی ... کدام جل اسپ ؟
چند نفر از جای خود دور شده و راه
را باز کردند . یکی از آن میان بیه
قد یم اشاره کنان گفت :
ایست .. صاحب ... ببینید ... فقط
جل اسپ را پو شیده با شد .
قد یم خیلی آزرده و غمگین بود . میرزای
دفتر جانب او دید و پر سید :
چه میخواهی ؟
صاحب ... آب ...
میرزا به جو یک از میان محوطه
اداره میگذشت اشاره و علاوه نمود :

البته نمیدانی که چطور همرا ی گیلان
آب نو شیده میشود . به لب جوی برو
دست های خود را بر زمین بمان . سرت را
های خود را بر زمین بمان . سرت را
پا یان کن و مثل گا و آب بنوش .
بیچاره گا و نیست . زیر جل اسپ است .
چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش
شد و خودش صدا زد :
صاحب ... صاحبها
فقط جل را پو شیده با شد . و چندین
نفر باهم خندیدند .
ما مور گفت :
آقا یان ... خاموش باشید حاکم
صاحب به قهر میشود . اگر غافلغال تا نرا
شنید خشمگین واز اطاق بر آمده و بر همه
ما و شما غضب میگرداند .
خوب ... تو از کجا متی ؟
آقا یان اینجا یک دفتر است یا یک
پا زار ؟ قد یم چیغ زد و این سوا ل را
پر سید .
او هو .. ببینید . زیر جل اسپ .
من یک تپه آزاد هستم و برای یک
شکایت اینجا آمده ام .
در مقام بلی این گفته قد یم ، کمالیکه
در برنده ایستاده بودند گفتند مارا خو
کنید . ما شما را نمی شناسیم . آقا ی
جل اسپ پو ش و همه شان پتقا بل قد یم
صف زدند یکی از آن میان گفت :
راه بدیدید . باقی عا لیقدر تبعه
آزاد !!
تبعه آزاد برای یک شکایت و حمت
آمدن تا اینجا و متقبل شده اند !!
قد یم یک قد م بجا لب دروازه پیش آمد
اما خود را با زباین مردم محصور یافت .
یکی از آن جمله چنین گفت : ما هیچ
فکر نمی کردیم که یک با دار جد ید بغیر
اینجا تشریف آورده اند آقا یان له قدیم
بعد ی بلند چیغ زد که حاکم صدا کاوورا
در داخل اطاق خود شنید و ما مور دفتر
را نزد خو دطلب کرد ولی خودش فسودا
و بدون معطل شدن برای آمدن ما مور بداخل اطاق
بیرون پر آمده به همه حاضر نظر خشم
آلود انداخته پرسید :
اینقدر غافلغال برای چیست ؟

صا لیقدر ایک نفر دیوا نه پیدا شده !
- کوه در کجا ؟
ایته ، اینجا حاضر و تیار است .
قد یم به پریشانی و بد پختی خود
فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او
را دیوانه معرفی میکنند فریاد کرد :
دیوا نه کیست ؟ مرا دیوانه میگویند ؟
سر دار حاکم جانب او قد م پر داشتو
به شدت پرسید : چه میخواهی ، دیوانه ؟
آب میخواهم ، سر دار !
وقتی قدیم این جمله را گفت از چارطرف
او صدای زهر خند واستهزا بلند گر دید
چند نفر گفتند .
- دیوانه ... بیچاره جوی پا ین طول و
عرض را اینجا دیده نمیتواند .
سوا متی دیوا نه است .
سر دار امر کردند او را بگیرند و ببرید
اگر تبا و ز و نا آرامی میکرد بسته اش
کنید ، را سا به دیوانه خاله شهر . بلی
او دیوا نه است و پا ید هما نجا با شد .
باشناین این امر سر دار حاکم
رنک از رخسار قد یم پرید و پریده بریده
گفت : چه ... چه ... چه بعدا احسا سر کرد
که یک پره کوه پرش افتاد . با صدای
لرزان و شکسته نا لید : سر دار صاحب
رحم کنید . من آب میخواهم . دیوا نه
نیست . یا دار من دیوانه نیستم . من قد یم
اعظم ا غلی هستم .
حاکم پا ز و ز و نزدیک شد . خوب بسرو
صورت او دید و گفت را متی دیوا نه
شده .
او را به دار المجالین ببرید .
حاکم بعد ازین امر پد فتر خود را خیل
گر دید و ما مور به محافظ گفت که قد یم
را ببرد . قد یم مقا و مت وزید . لیکن
اشراف و زمین داران همه یک یک قیله داده
و قد یم بیچاره را از زینه پا یان را کلدند
قدیم یک سکه تفره یی بکف دست محافظی
که او را بیرون میکشید رساند و احسا س
کرد که محافظ از او دست پر داشت . قدیم
فورا به جستجوی اداره میرزا کمال لیگ
پر آمد .
تمام بد نش فرد داشت . راه رفتن برایش
مشکل بود . اما از راه روان پر سید و
برسید به جای مقصد خود را یافت که
بکثرت از قریه خودش نزدیک دروازه آن
ایستاده بود . با خو شحالی صدا کرد :
هی غلام علی !! سلام علیکم و سبی
خویده و او را به بغل گرفت غلام علی که
خودش پیشه دهقان داشت و داغها ی چیچک
روی او را فرا گرفته بود ، در حاکمیکه
عر یضه خود را قات کرد و و به جیب خود
میگذاشت از دروازه یک دفتر بیرون هیبر
آمد قدیم روی خود را بر وی ریش دواز
غلام علی چسبیده و با صدای لرزان اضافه
نمود : اوه غلام علی . اگر بدانی که من
چقدر بد بخت استم . تصور میکنم یک
سال شده که از خاله پر آمده ام . معطل
من باش ، کار خود را زود خلاص میکنم
و بده هر دو یکجا میرویم خاله .
قدیم بغدا قسم که قاطر خود را به
کار و انسرای مانده ام . هیرو م که بینم
بجای خود است یا نه ؟

کار ت را زود خلاص کن . هما نجا یا
پا هم خاله هیرو یم . من منتظر ت میباشم .
غلام علی اینرا گفت و روان شده قدیم مثل
طفلی که راه خود را گم کرده باشد عقب او صدا
زد :
غلام علی ترا بغدا قسم که بی من نروی .
- هیرو م ، خا طرت جمع پا شد .
قد یم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود
که در یک کج گردشی از نظر غایب شد
و پس از آن به اداره میرزا کمال لیگ
داخل گر دید . دید که میرزا کمال لیگ
شصت های خود را به جیب دو طرف و اسکت
گرفته و روی فرش شست دفتر از یسن
سو پا ن سود واز آن سو پا ینسو قد م
میزند . همینکه قد یم را دید پر سید :
- اوه رفیق ... یایا ... چه خبر خوش
داری ؟
صاحب ... من بر عکس خبر های خبر
خراب دارم .
- چرا ؟ چه واقع شد ؟
- هما نظور که گفته بودید ، آتیا سخن
مرا نفهمید ند ... نه آتیا سخن مرا نفهمیدند
بلکه مرا دیوا نه هم گفتند .
در کج دفتر یک میز مانده شده بود .
میرزا کمال لیگ بعد ازین صحبت مختصر
طرف میز رفته به عقب آن دور خورده یک
دست خود را روی میز ماند و دست دیگر
خود را به سرب میوی و طاس خود گردا
نیده و علاوه نمود :
- بلی ... عارض پا ید عریضه قد یم
کند . حرف ما و شما مردم دهات را کسی
درک نمی کند . فقط عریضه میخواند . و
شما با ید عریضه بدیده
وقتی که عریضه دادید ، آن وقت
آتیا خوانده نمی توانند و امری با صد زحمت
بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانند
و زبانی نمی پرسند .
ولی بهر حال هیچ عارض تبا ید بدو ن
عر یضه تحریری بد وایر برود و و تیکه
رفت پا ید عریضه تحریری با خود داشته
پا شد .
سرا مت میگوئی برادر ! اگر غمهای
عارضین کم میبودن مانند چوب خشک
و لاغر و زرد و زار نمیشد م .
اوسینه خود اخارید و قد یم سر خود
شور داد و بعد گفت :
صاحب همینطور است ، همینطور است
امر آدم های مثل شما نمی بود ، من
نمیدانم که احوال ما غریب ها و بیچاره ها
چطور میشد ؟
مرغسها چشم مارا و حیوانها جسم مارا
می خورد ند .
- راست میگوئی برادر . اگر آدم
تنها بفکر خود با شد ، زلد گیش آسان
میشود . مثلا برای ت قصه کنم . یک نفر
درین نزدیکی یک غره دارد . همین غره
سو م از اینجا . از من میخواهد که همراهش
شر یک باشم . برای من میگو ید تو آدم
فهمیده استی ! همین حساب و گتا برادر
تقریر و کار آتیا بکن ، من مثل برگرهای
خران برات پو ل میدهم . اما من برایش

گفتم که اگر من همراهی تو شریک شوم
برادران غریب و غمگین عارضین من چه
خواهند کرد؟ کی عریضه شایر خواهد
نوشت؟ و تیکه عریضه نزدیکم میروند.

اول باید به کتاب ثبت قید گردد.
قدیم پرسید: به کتاب ثبت؟
رفیق من، تو چه فکر میکنی؟ معلومدار
به کتاب ثبت رسمی ایاز آنرا مدیریتش
به دو سیه میماند. که نوشته و نشان
طایفی در آن چاپ شده. عریضه را که
در میان دوسیه میماند باز خود شی
آنرا نزد حاکم میبرد. دوسیه را بدست عارضی
داده و هر دو پیش حاکم خود را خم میکنند
میبینی که احوال عارضان از چه قرار
است؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع شده بود
هر لحظه درد زیاد تر حس میکرد. دیگر تاپ
ایستادن نیاورد. پهلوی دروازه روی
زمین اطراف نشست و سر خود را برای
نصایق گفته های میرزا کمال بیگ نشود
میداد. بیکبار گفت: خدا به آدم های
فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب
کند. قصه منم ازین قرار بود. حال عریضه
من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده
و عکس ترازم که در دیوار نصب است
از همان بالا بر عریضه من مینگرد. اما
اگر از دست خود همین آدم کسلان عرض
کنم چه میشود؟
کمال بیگ دست خود را به عقب گوش
خود قرار داده پرسید:

مطلب چیست، من حرفت را نمیفهمی؟
یعنی گفتم که اگر از دست همین سردار
حاکم صاحب عرض کنی و شکایت کنی
چه نتیجه خواهد داد؟
چه شکایت داری از حاکم؟

تمام جانم و تنم از دست نشان درد
میکند. تمام افکار شده غلو تا مرا
دیوانه هم گفتند.
باشیدن این مطلب میرزا کمال بیگ
بشت میز و سر چوکی خود نشست، آرنج
خود را بالای میز و نخ خود را بالای مشت
خود مانده پرسید: همین بعد عریضه
ات؟
که میخواهی سنی بنویسی و بمقامات بالا
بدی؟

بلای صاحب من با ید دیروز آنرا برای
تان میگفتم.
میرزا کمال بیگ از چوکی خود بر
خاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.
قدیم هم خواست که ایستاده شنیده
حرف بزند اما میرزا کمال بیگ علاوه کرد:
همانطور ستمت حرف بزن... آزاد استی
اینجا دفتر سرکاری نیست.

قدیم چای و زعفران و قند و شکر را
نشست. و پیش از نشستن در تغییر رنگ
میداد و بار دیگر تمام قصه خود را از سر تا آخر
میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام
میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام
کر دستان از خشم می لرزید که صدایش
تغییر و بارش عجیبی علاوه کرد:
بلای میرزا صاحب... بخود یا شاه
بزرگ بنویسی - آقا، صاحب، عریضه

مرا بنویسی و در آن علاوه کنی که آیامان
قدیم اعظم او غلی تبعه آزاد او هستم یا
نیستم؟
همه چیزهای داکه برایت گفتم نوشته
کن... به پادشاه بنویس که قانون های
او را در مورد ماکسی تطبیق نمیکند.
حلی اگر من تمام این داستان را بنویسم
، پوره یک ناول خواهد شد.

برادر ناول چیزی را میگویند که
تو یمنده از خود بیافد، قصه من چه ناول
دارد، همه چیزهای که برایت گفتم راستی
و حقیقت است. بخدا قسم میخورم که هر
حرفی را سستی است. یک کلمه دروغ نگفته
ام. همه را بنویس. همانطور که است
بنویس.

میرزا کمال بیگ یک ورق کاغذ خط دار
را از روی میز خود کشیده و یک قلم را هم
بدست گرفت. قدیم باز گردن باریک
و استخوانی خود را در حالیکه رگهای
آبی رنگ آن ورم کرده و بر خاسته بود
پیش آورده و گفت:

بنویس آقا جان. بنحضر پادشاه، من
دیوانه نیستم. و بنویسی که من قدیم
عظیم او غلی، رعیت صادق تان می باشم
و بنویسی که من برای پنبه خود آب
میخواهم. زمین من خشکیده و بدون آب
مانده و از بی آبی ترک ترک شده. هر چه
را که میدانی بنویس، نوشته کن که...
بلای آقا هر چه را خبر داری بنویس، همان
طور که من میگویم بنویس، از رویه حاکم
اینجا هم بنویس، ترس و هیچ و هم
و خوف را بدلت جای نده، من جواب
ده هستم. هر چه واقع شد من جواب
میدهم.

میرزا کمال بیگ ناگهان جیغ زد:
اما او برادر خط مرا همه میشناسند.
مرا به کشتن لده.

ترس، من جواب ده هستم من جواب
میگویم. هر چه را من گفتم همان طور
بنویس.

میرزا کمال بیگ برای قدیم عریضه
نوشت. به عنوان همان عالیترین مقام
نوشت. اما تنهادر باره ضرورت اوبه
آب جهت کشت پنبه اش نوشت. دیگر چیز
ها را ننوشت. با کاغذ جاذب، نوشته
های خود را خشک کرد. عریضه را به
یک گوشه میز مانده و دیوانه را به
طرف قدیم پیش آورده و گفت:

شخصت خود را اینجا بچسبان.
من سر خود را می چسبانم. توتنها
انگشت مرا میگوئی. اینرا گفته انگشت
خود را بزرگ زد و بعد به قوت زیاد بر
کاغذ چسبانید.

میرزا کمال بیگ، یقین داری که هر
چه را برایت گفته ام نوشته ای؟
بلای، همه چیز را نوشته ام.
و عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته
ای؟
بلای.
در باره رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد و اضافه
نمود.
هر چه ضرور و لازم بود نوشتم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را سزا
برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به
پسته بپنداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمانید
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نوت را هم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت.
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حامی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعا میسر تان را
میکند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بزر و دی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلکین
و غرقه پیش کنان از آنجا پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده یا لیده
غرقه مربوط را یافت و گفت:
عریضه بدر پا شاه... گفته و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدهد.
- به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟
اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی آید ختم و سرش
نمیکردم.

و قی بدست خود پادشاه برسد مطلب
را خود میفهمد.
چنین جوابی آنهم از جانب یک دهقان
ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:

- چرا مثل سر که ترش هستی؟
- من وقت گفتگو ندارم. بول را
بگیر.

ولی بادش آمد که با ید بد خلقی نکند
و بهتر است قبر خود را بپوشاند و باز
گفت.

- او برادر جان... میرزا صاحب...
قریان... لطفاً تو چه کن که همین عریضه
من اینجا در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جا که نوشته ام برسد.
کاغذ تو پسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دفعتاً اینطور تغییر کردی
سر که به یکبارگی آب شد!
ساز سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.

- آب باتوجه گرفته؟
- اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لطفاً بگیر و رسید بده و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر نزد تو میایم و تمام گپ و سخن
را برایت نقل میکنم.
- آوه... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟

- آدم رفیق را در وقت تنگدستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. تو چه
کنی پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من منبهم که تو رفیق من هستی

کتاب عریضه را بد فتر قبت کرد. بول
پسته را از قدیم گرفت و رسید راجستری
را داد.

قدیم با و گفت: اگر عریضه من گم
شد باز من میمانم و تو!
یک عارض دیگر که در عقب او ایستاده

بود بی صبرانه او را بادست خود متوجه
ساخت که زود از غلغله دور شود تا
نویس با و پرسد که نزدیک غرقه بیا
قدیم زود جای خود را با داد. اگر چه
قبر شد اما چیزی نگفت. قدیم از پسته
خانه جانب چایخانه روانه شد. تمام کار
و اسرای را با لید تا غلام علی را بیا
همراهی او به قریه برود. اما غلام علی
نظر نداشت.

چند قرص نان خرید. آنها را به

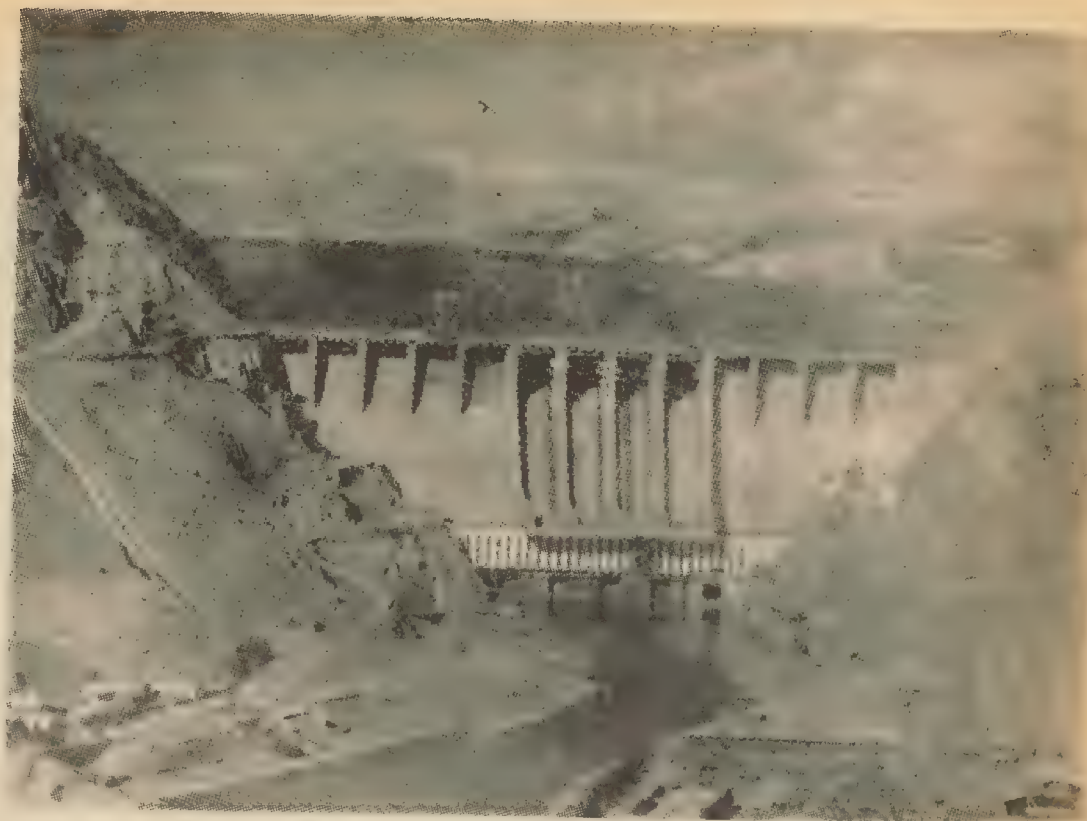
جیب هاویز بر بفل های کرنی خود جابجا
نمود و جانب خانه خود روا نه شد.
زمین دار بزرگ قدیم قبر شده بود که
قدیم چرا به شهر رفته و چرا شکایت
کرده. هر صبح و شام میرزا را نزد خود
خواسته و سر او غضب میشد و میگفت:
بغضب خدا شوی... لعل من ترا بشیر
ماند... چرا کار او را نمائنی - چرا
نکشتی که از غمش خلاص می شدیم.
- با دار جان بخدا قسم که ما فکر
کردیم آنقدر زده بود یمش که نفسش باید
بر آمده می بود.

سوازی نشی او و ابروی زمین ماندی و
رفت؟

- این از بی احتیاطی ما بود. ما با ید
او را در پهلوی جوی گور میگردیم.
اما تو این کار را نکردی. ماندی
که زنده شود و برود شهر و عرض کند
ما مور پولیس فقط بپا نه میخواهد. یک
تولی پیره سرمن بواله خواهد کرد تا
یک هفته پوره آب و نان برایشان بدیم
بعد از او باز نوبت حاکم میرسد که بپاید
و من با ید چاره او را کنیم. یک هفته این
کار دوام میکند. باز نوبت نایب سبب الحکومه
صاحب میرسد. و من باز باید پیش او
چاره گویم. آخر برای چه؟ صرف
برای اینکه یک دهقان از دست سر هنگ
آغاشکایت دارد. هر آدم بی سربوبی
حالا برای ما چه میکند؟! وزیر پای
ما آب میراند! حال یک دهقانی مثل قدیم
هم شروع کرد.

وفیل هم نمیتواند بمقابل او ایستاد می
کند. و گنا و این همه بگردن کیست؟
گناه تو، میرزا ابحق لوده... پروتبهای
خود را مثل دم خر کلان کردی و گردنت
از چاقی پنهان کردی. گرتی بالا با تو
دوزیت، کفن جانت شود!
- با دار جان قسم میخورم که قصورش
را میگردم. تو باش که یک دهنه پس
اینجا بیاید. زنده بگوش میکنیم.

- بعد از اینکه رفت به شهر شکایت
کرد و عریضه داد. تو خواهی به آن
ما مور پولیس که پدرش را کشته بود باز
فرست برسد که از من انتقام بگیرد.
ناامان



نمایی از سربند برق نغلو (یکی از منابع مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی در جهان

آفتاب به حیث بزرگترین

منبع انرژی

قسمت دوم

با گرفتن اندیشه مترقی دهنده انسانهای نحت ستم و پیروزی انقلابات دموکراتیک در جهان و جهان شمول شدن حکومت های پروتاریا و سرنگونی دولت های امپریالیستی جنگ طلب، بدون شک استفاده از انرژی اتمی بدست خود کارگران پیروز مند عو میت پیدا میکند و انسان پالنده و دورا نماز اتم را بصورت واقعی در خدمت انسان قرار میدهد و سرنگوله های ذروی را که جهت کشتار انسانهای فد بر افراشته برای کسب حقوق انسانی شان رهبری شده اند، برای همیشه نابود میسازد و افق های تاریک انسانی تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتمی، نورانی میگرداند.

در جهان سرمایه داری استفاده از مظاهر جدید زندگی عالی شکل طبقاتی داشته که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه پیدا کرده باشد و ازین سبب استفاده از انرژی آفتاب نیز در جهان کینا نیست. جنبه طبقاتی خواهد داشت و تعداد محدودی از نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند

کرد که تعداد کثیری از انسانهای دیگر اصال از چگونگی انرژی آفتاب، انرژی اتمی و شکل استفاده از آنها اطلاعی نداشته باشند. بهر صورت کمبود انرژی طوری که امروز فوق العاده محسوس است و منابع آن رو با تمام است نگرانی زیادی ازین ناحیه متوجه جوامع بشری گردیده است.

بالا رفتن فی بیل قیمت نفت در ارسال و پالایش نفتی مواد سوخت چو ذغال سنگ و چوب سوخت نه تنها باعث درد سر برای کشورهای صنعتی جهان گردیده است بلکه باعث اندیشه و نگرانی قاطبه سر نشینان این کره خاکی، میباشد که با دید جهان ما در روشنی صلح علاج واقعه را قبل از وقوع ننمایند و بجای مصارف نظامی و پولهای مصرف شده در مسابقات تسلیحاتی در راه سرسبزی جهان، کشف منابع انرژی جدید زیر زمینی و عو میت دادن استفاده از انرژی اتمی و انرژی آفتاب بنمایند تا

حادثه و بغرنجتر گردد، نمی توانست بشکل قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگهای خائنانه نوسازی قوع نمی یوست و یا در آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد و این زبانی میسر شده میتواند که جهان ما تا بسع یک نظم جدید اقتصادی و سیاسی باشد که دموکراسی واقعی بنفع کارگران، زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم بر تو افکن گردیده و بشر دست بدست هم داده در چارهای شگوفان و فارغ از استثمار زندگی با همی اش را ادامه دهد.

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که از طرف کارگران و زحمت کشان بعیا نیدار منافع انرژی طور عادلانه در خدمت انسان قرار میگیرد و با برکت علم و تکنولوژی عصری و بکار بردن ابدیشه خلاق و دورانماز طبقه کارگر خلق های دور انماز که در کنج و کنار این کره خاکی بصورت پراکنده زندگی میکنند، منافع جدید انرژی کشف و مورد استفاده همگانی قرار میگیرند که بدون تردید اندیشه و نگرانی سراسر آوارهای از کمبود انرژی و بحران آن در آینده بر طرف میگردد.

جنگلات، مواد نفتی، ذغال سنگ انرژی

برقی اتم و آفتاب یا این بزرگترین منبع انرژی در جهان، در روشنی صلح

و همزیستی مساومت آمیز طوری در خدمت انسان قرار خواهند گرفت که از هر حیث رشد سریع جوامع عقب مانده صورت می پذیرد که با پیش و گسترش اندیشه ترقی و آید یولوژی دورانماز طبقه کارگر خلق های بیامی خیزند و طسراج برنامه های انکشافی خود می شوند و با بکار بردن نیروی خلاق و زوال نا پذیر خویش بدون

تشویش و نگرانی ای که امروز از ناحیه مواد سوخت و جهات دیگر ناشی از اقدامات سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد، زندگی با همی شان ادامه میدهند و با دو خدمت انسان قرار دادن انرژی اتمی و آفتاب، بر بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در آینده خاتمه میدهند.

پایید گفت که استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی چو امی تشری را از بحران انرژی در آینده نجات میدهد، مشروط بر اینکه دست امپریالیزم جهانی از سر خلق های تحت ستم کوتاه نگردد و کاکهای ظلم و ستم استثمارگران در پیش پای زحمتکشان و اوژگون نگردد و جود بی حد و حصر امروز امپریالیزم جهانی که بر خلق های تحت ستم جربان دارد بر طرف شده و اینواسته های قانری زحمتکشان سراسر جهان با سبب مثبت داده شود، صلح دایمی در جهان برقرار میگردد که در روشنی صلح و زندگی با همی اجناب بشری تسوا نند از منابع انرژی به صورت عادلانه استفاده نمایند.

جوامع بیش ازین انکشاف کنند و در پرتو صلح و صفا با تأمین مزایای عالی دموکراسی در سراسر جهان یوغ بردگی را از شاهای همنوعان بردارند و برادر وار بدور هم گرد آیند و انماز بع کشف شده و نا متکشف بصورت عادلانه استفاده نمایند.

همانطوریکه ریشه تمامی بحرانهای صلح نا پایدار آب می خورد و پاکشیدگی و تشنج در گوشه ای از جهان صلح جهانی را بخطر مواجه میگرداند، بحران انرژی و کمبود مواد سوخت نیز اثرات ناگواری بر جوامع مترقی و رو پانکشافی میگذارد و هیچ طرفی از متحمل شدن خسارت وارده ناشی از بحران انرژی گزیر ندارد شسته و نخواهند داشت.

قرار احصایه های تخمینی طرف پنجاه سال گذشته که دهم جنگلات بهره ای از جزایر حاره ی ناپدید شده اند، جنگل های استوایی نیز بنوبه خود مورد حمله قرار گرفته اند که استفاده بشکسل ابتدایی از جنگلات مقدار انرژی زیادی را که در انکشاف آینده کشورهای رو با انکشاف از آن استفاده مطلوب صوت خواهد گرفت بهدر رفته است زیرا گروههای زیر سر فساد را نیزهای فوری، منابع انرژی را طوری بغارت می برند که اگر توانا بکار برد علم و اندیشه مترقی از آن استفاده نکرده بحرانات ناگواری بدینال می آورد که جبرائش میسر نخواهد بود. مسا له بحران انرژی که بشریت امروز به آن مواجه شده و در آینده شاید این مشکل

خوا ب چند ساعت با ید طسول
بکشید ؟ آیا اشخا صی هستند که
بکلی نمی خوا بند ؟ برای خواب
نورم منا سب ومعین مو جو نیست
و همچنان اشخا صی هستند که در
صحت و سلامتی زند گی نمی
کنند .

از تجا رب چند ین سا له در قسمت
مر یضان مینلا به بیخوا بی نتیجه
ذیل بد ست می آید ، آنها بیکه
از بیخوا بی شکا یت دارند در حقیقت
خواب هستند . بهتر است در این
مورد از گفتار روان شناسی معروف
پرا نسوی پیرو ن یاد آوری شود
(شخصی هیچگاه نه می خوا بد که
همیشه خواب است این نوع اشخا-
صی برای مدت کم خواب میکنند اما
بعد از هر چند ساعت).

اشخا صی هستند که بطور مثال
کم می خوا بند . پتر اول ، ناپلیون ،
شیلر فقط پنج ساعت در شبانه
روز اما ادیسن دوالی سه ساعت در
شبانه روز می خوابید . تعداد زیاد
مردم در یک شبانه روز در حدود
شش ساعت می خوا بند اما
مشخصات جسمانی آنها به حالت
بهتر آن باقی می ماند . در عین
زمان اشخا صی یافست می
شوند که مدت خواب مکمل آنها تا
۹الی ده ساعت طول کشیده و بعد
از آن خود را آرام حس می کنند .

طبق ار قام معلوم و بدست آمده
در بسیاری مما لك انكشاف یاف-
فته و سوم قسمت مردم از خواب
خراب خود شکا یت دارند . در اتحاد
شوروی در شهر مسکو تحت یک
پرو گرام معین از شش هزار نفر
درین قسمت پرسش بعمل آمد .
قسمتیکه معلوم شده در حدود چهل-
و پنج فیصد آنها از خواب خراب
خود شکا یت داشتند . در این جمله
بسیار و یک فیصد آن خواب خراب
چهارده فیصد اشخا صی هستند که
از خواب عمیق خود رضا یت دا-
رند اما مدامت آن کوتاه است .
(این نوع اشخا صی را کم خواب می
نامند) و ده فیصد آنها اشخا صی
تشکیل داده که زیاد خواب میکنند
اما نه چند ان عمیق . گروه اشخا-
صی کم خواب را معمولا متعلمین و
محصلین تشکیل می دهند .

گرو پی که از خواب خراب خود
شکا یت میکنند معمولا لا داری
سن اضافی تر از چهل سال مسی
باشند . این اشخا صی به زحمت می

ترجمه : س. احمد

تدابیر عمده در قسمت خراب و صحت

.....

خواب بیدار میشوند و از خواب
خراب خود شکا یت می نمایند
از خواب عمیق آنها که گاهی با
خرو پف نیز همراه می باشد تنها-
دستی دهند .

در تحقیقات متعدد دی پالای مر-
یضا نی که از خواب خراب خود
شکا یت داشتند حقیقت فوق به-
اثبات رسیده است بطور مثال اغلبا
این نوع مر یضان را قبل از خواب
یک صفحه کاغذ و قلم می دهند تا
در هر نو بت بیداری خود با لای
صفحه کاغذ یک خط بکشند معمولا
دید شده است که صفحه کاغذ
بدون کدام خط به حالت اولی
خود باقی مانده است .

در یک قسمت تحقیقات حتی تو-
سط آلات ولوا زم مخصوص حرکات
مر یض در زمان خواب تبیین گرد-
یده و دیده شده است که در یک وقت
معین به حالت آرام باقی مانده
این حالت در وقت بیداری هیچگاه
به نظر نه می خورد .

علت چیست ؟ ممکن است مردم
بطور شعوری خود را در این مورد
تلقین می کنند و فکر می کنند که
خواب خراب دارند ؟

قسمتیکه معلوم است این طسور
صورت نمی گیرد زیرا نخست
اینکه شخصی ، شب در مدت بیداری
تصور می کند که وقت دیر تر
میگذرد . دوم اینکه بعضی از اشکال
فعالیت روحی را که در خواب می
بینند مانند بیداری فکر میکنند .
سوم اینکه حالتی موجود است که
در صورت آن موجودیت خواب نفی
میگردد . تعداد زیاد دی از سوا لها
زمانی حل گردید که علما به ثبت

عینی فعالیت مغز انسان در زمان
خواب رجوع کردند . از تحقیقات
مذکور نتایج ذیل بدست آمد :
اشخا صی وجود ندارند که بدون
خواب زند گی کنند . بدین لحاظ در
حال حاضر استعمال اصطلاح بی-
خوابی ، درست نیست ، این لفظ
از نقطه نظر ماهیت خود نیز
صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر
شرایط ناگوار روحی را بار می
آورد حتی اشخا صی که از خواب
کردن بکلی انکار می کنند مدت
خواب آنها به بیست و چهار دقیقه
می رسد در حالیکه نورم این-
اشخا صی ۱-۵ دقیقه می باشد .

در این مورد اشخا صی را که
خواب خراب داشته باشند بطور
میتوان کمک کرد ؟

در این قسمت بهتر است از
استعمال دوا های متعدد پر هیز شود
و در عوض رژیم استراحت ، کار
و تغذی بطور مناسب تعیین شود .
در این قسمت انتخاب کار از اهمیت
بسیاری برخوردار می شود . بد-
نیست که در اینجا نکته چند آرا-
دگی برای خواب سخن گفته شود
تمام وقت بیداری در حقیقت مقدمه
چینی برای خواب است . در این
مورد باید به عادات مقرر از احتیاط
کارگر فته شود . یک شخص بعد
از تفریح خوبتر خواب مسی
کند .

بعضی هازمانی که گرسنه باشند خواب
کرده نمی تواند اند اما برعکس بعضی
ها را این کار مانع نمی شود . بصورت
عموم بهتر است که قبل از خواب
کمی تفریح شود و از خوردن غذایی
قبل از خواب خودداری شود حمام
گرم بگیرد . اما عادات در این قسمت
از هر نوع توصیه ها مهم تر است .
بطور مثال تعداد زیاد دی عادت
دارند قبل از خواب مطالعه می کنند .
داکتران چشم اظهار نظر می کنند
که این کار اثرات منفی بار آورده و
مضر است . اما اگر در صورت
خلاف رفتاری از این کار خواب برهم
زده شود بهتر است تا آنرا ادامه
داد . علت برهم خوردن خواب بطور
ثابت اختلال سلسله اعصاب مسی
باشد . اگر چه مبارزه با این اختلال
کار نیست بس مشکل اما میتوان آنرا
مغلوب نمود .

بقیه در صفحه ۴۹

جراحی روانی...

و آنگاه میشد در دهه شصت و بعد از آن جراحی روانی به طرز روشنی گرفت همگام با تکنیک لوژی معاصر روش های نوین و توهمی ابتدایی متروک و بجای آن عملیه های منجمد سازی، انساج، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکترونها بپیمان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل روی میز جراحی قرار میگیرد. طریقه های گفته شده شامل فرو ریزی و انهدام یک عده انساج بخصوص مغز بوده تا عادت غیر نورمال و غیر قابل مهار در اداره آیند.

با آنکه قسم های مثبت برای شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می گرفت گروهی از جراحن مغز رد دستشانرا آهسته ساختند و عمل را محدود و اعلام داشتند که در بسی واقعات قادر منحنی آخر بن در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پلیسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض بر مسئله توسط داکتر پتر پرژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. وی را قاتل ضمیر و روان خوانداز دیدگاه داکتر پرژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن تغییر در شخصیت و منش، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سرکوب ساختن احساسات و عواطف چیز دیگری نیست ضمنا او خطرات احتمالی را بیشتر انگشت گذاشت و علاوه کرد چون نتایج این اصل ناباز گرداست کاری است بسی خطرناک، ازسوی دیگر:

۱- جراحی روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد. که نتایج خوبی به دنبال ندارد.

۲- جراحی روانی مداخله مستقیم به شخصیت، عادت و منش هر فرد دارد. حال که کم و بیش از مخالفان عمل گفتیم، بینیم مدا فغان در مورد چه گفتنی دارند و چگونه دلیل میآورند: دانشمند جان دو نلی روانشناس

سراسر یکایک در داغترین روزهای انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل بهتر حاضر می شود. وجهان طبابت نمیتواند از موجودیت و همگانی آن انکار نماید. داکتر ویلیارد گالین به پیشرفت این طریقه حتم دارد به نظر او با اندکی تعدیل و دست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس العمل های منفی روانی که با این وسیله

تحت کنترل در می روند تا ثیرات گروهی داشته و نصب الکترونها را نیاز مند است با آنها فایده های آن نسبت به زیان های آن پیشی میگیرد. نظر به گفته های بالا بیمارمیداند که شیوه جراحی

بقیه صفحه ۱۸

ریکار د بودو...

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استفاده های زیاد بعمل آوردند. در واقع تیکه کار آنها رو به اختتام بود معلوم شد که آنتن رادیو تلسکوپ از استیشن سالت شش جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت خود گذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست. برای اینکه آنتن از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند. سابق کیهان نوردان به فضای آزاد در روزهای اول پرواز خود می برآمدند یعنی

و تیکه دارای نیروی کافی بودند اما این دو کیهان نورد مجبور شدند تا در روز ۱۲۷ کار خود به فضای آزاد بیرون آیند اگرچه از نقطه نظر داکترها این عمل امکان پذیر بود. بالاخره به تارین پا نزده اگست در محل اختتام کار خود این عملیه را نیز به پایان رسانیدند و علاوه تا به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادند منجمله طراحان استیشن میخواستند بداند که در دریچه های استیشن چرا کسی تا ریکی ایجاد شده بود. روی زمین

تغییری در شخصیت او وارد نخواهد کرد که این عمده ترین تیوری روانی خود و حمل است من یضان روحی که به اصول های دیگر درمانی تن در نمیدهند این تدوی را به عنوان آخرین راه در مورد می دانند.

نظریه آینده: سالیان آینده دو هزار و فوق آن هر چه بیشتر باز تاب فشارها پیش را بر مغز ما وارد خواهد کرد و بیماری های روانی و روان جسمی را در دنیای طب پخش خواهد کرد که امروز آن نامی نیست. بهر حال اگر در گیری های روحی و خستگی روز بروز زیاده میشود و مغز ما را تسخیر می کند،

گسترش و تحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سال های دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عواجل بیماری را در قلا خواهد بود

۱- این اصول در آینده در صورت هدایت گروهی جراحان باید صورت گیرد بدینگونه عمل بوسیله کمیته ها بر رسی گردد. موافقت بر یض با عمل در زمینه در صدر مسئله است.

۲- این وسیله بیشتر با لای بیماران روانی و زندانیان و اطفال تطبیق خواهد شد. پژوهش های نو در زمینه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگاه کادرهای حقوقی و اصول های جامعه قابل قبول است و کمیته ای ویلیو همه امور مربوط را کنترل می کند.

جراحی روانی بدون شک به حیث یک بعد قابل بحث و در عین حال جنبه ای در روانشناسی مدرن باقی خواهد ماند.

فردا نوبدی است با دست آورد های نوین در جهان دانستنی...

اقامت در فضای کیهانی آینده بشریت را تشکیل میدهند به این ترتیب این سفر دور و دراز فضایی نیز خاتمه یافت. حال علما از تحقیقات و تجربیات اجرا شده آنها نتیجه گیری می نمایند اما سالت شش هنوز

هم به کار خود ادامه میدهد. این استیشن برای اولین مرتبه دو سال قبل به فضا پرتاب شد تا حال عده سفینه با او ملحق شده علاوه تا شش سفینه بار بر مواد محروقاتی نیز به استیشن سالت شش سفر کرده اند. اضافه تر از یکسال کیهان نوردان در آن کار کرده و تا هنوز چهاره نفر به آنجا سفر کرده اند. اساسا سالت گذار سفینه های

فضایی اتحاد شو روی تسلیا لکوس فسیکی آرزو داشت تا در فضا شهرها ایجاد شو ند، دستگاه های ساخته شوند که مواد قیمت بهارا که در زمین ناممکن است بدست آیند استیشن های برق فضایی ایجاد شوند تا از انرژی آفتاب به این ترتیب در زمین استفاده شود. پر واز آخری و تیکه نشان داد انسان میتواند برای مدت زیاد در فضا باقی بماند و در حالت بی وزنی زندگی میکند در آینده نزدیک آرزو های تسلیا لکوسکی را بر آورده خواهد ساخت.

توسط دستمال کاغذی مخصوص در پیچ را پاک کرد و دستمال را با محتویات آن به زمین با خود آورد. ریو مین ولیا خوف یک ساعت و بیست و سه دقیقه در فضای آزاد سیری کردند و سه روز بعد سیوز سی و چهار در منطقه معینه به سیماز

نرمی پا ثین آمد. به این ترتیب ریو مین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را در فضا سپری کردند تا هنوز این رقم ریکسارد جهانی در قسمت بودو باقی در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن ریکسارد نیست بلکه هدف این است تا دانسته شود که بودو با شش زیاد و طویل کدام خطرات را بار می آورد. علما

این مسایل را بطور موفقانه حل مینمایند و وسایل حفظ ما تقسیم را برای مبارزه با تمام ناگواریهی هاطرح میکنند. این نکته هم اتفاقی نیست که مدت اقامت در فضا روز بروز طولیتر میشود بطور مثال یوری روما ننکو و گیورگی گرپچکو نود و شش شبانه روز و ولادیمیر کوالو نوک و الکساندر ایوانچنکوف یکصد و چهل شبانه روز را در فضا سپری کردند و حال ریو مین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را بلند بردن با لثرت مدت

پرستاران مربوط در قسمت کمک با مر یض ، ثبت تا ریخ مر یضس و وقایع مر یوط به او با داکتر مر یوطه همکار ی نمود ه وحتی در قسمت معا ینه آنها نیز تلاش و فعالیت به خرچ میدهند. در بعضی حالات مهم که پرستار و معاون پزشك نتواند کاری را انجام دهد با دكتور مر یوط ارتباط برقرار می سازد ودر مورد مشکل موجود از داکتر و متخصصین مشوره طبی وهدایت های لازم را می خواهد در نقاطی که از مراکز صحی کا ملا بعید بوده تما سس مستقیم نتوانند صورت گیرد در چنین حالاتی ازطریق یق امواج را دیو یی ومفاهمه تیلفونی حل مطلب می نمایند وحتی ازطریق مفاهمه تلو یزیو نی ورا دیو یی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبولانس ها انجام داده اند .

یکی از دانشمندان گفته است که آنچه که باید يك پزشك انجام دهد منوط به عملیات وجرا حیسی مر یض نبوده بلکه آنچه که عمده تر او میتواند انجام دهد مشوره طبی وهدایت های لازم است که چگونیه مردم میتواند کمک های عاجل واولیه را حین بروز حادثات ناگوار خود بخود انجام دهند وتوانسته باشند تا رسیدن به مراکز صحی حیات شانرا تضمین نمایند .

اضلاع متحده خدمات صحی عاجل از طریق هلیکوپتر صورت می گیرد این کار توانسته است که در حدود پنجاه فیصد خطر مرگ را از بین ببرد .

یکی از متخصصین مر یوطه گفته است از زمانیکه سیستم عاجل صحی روی دست گرفته شده در بسا واقعات عاجل رسیدگی آن صورت گرفته ودر حدود اضافت از هشتصد حملات قلبی مر یضان به صورت فوری تد اوی وعلاج گردیده واین پزشكترین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بدست آورده است .

متخصصین مر یوط اظهار نظر نموده اند که امبولانس های سیار وهلیکوپتر های مر یوط کا ملا با آلات و ادوات صحی مجهز بوده تقریبا شباهت نزدیکی به يك شفاخانه میداشته باشد که در آن امراض گونه گون تد اوی میگردد. در امر یکا در چنین موسسات صحی عاجل اکنون اضافه از یک هزار و شصت متخصص طبی ویکصد مکتب صحی موجود است که پرسوئل مورد نیاز را تربیه وتعلیم می دهند .

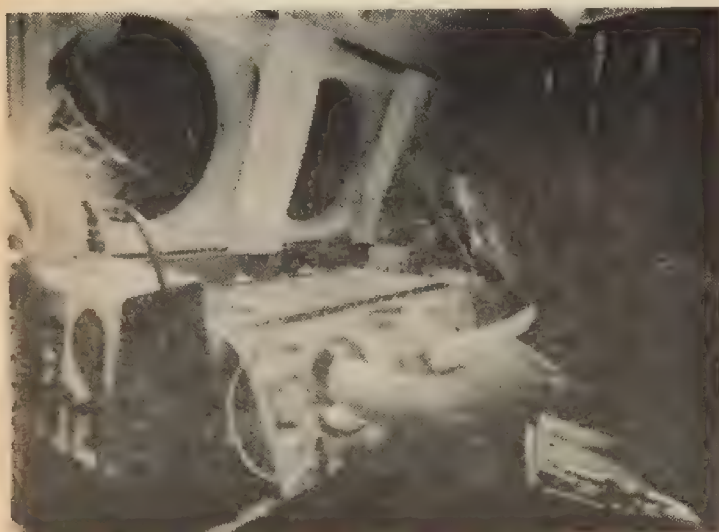
در هر یکی از امبولانس ها وهلیکوپتر ها داکتر معا ون داکتر ونر سها وجود دارند که نرسو



صحنه یی از خدمات عاجل صحی که در امبولانس هلیکوپتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشری انجام می یابد .

مترجم: حفیظ الله عا دی

ساینس در راه مبارزه با مصائب ناگوار در جامعه بشری



یکی از عملیات طبی بداخل هلیکوپتر

در ین اواخر در شهر های مزدهم که در آنها تعداد زیاد مردم زندگی میکنند و رسیدن از يك نقطه به نقطه دیگر وقت زیادی را در بر میگیرد واین امر حین بروز مصائب و حادثات ناگوار چون حادثات ترافیکی ، حریق وغیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن تا مرکز صحی بعضا منجر به تلف شدن اشخاص می گردد روی این لحاظ در چنین کشور ها خدمات صحی عاجل توجه بیشتری را بخود معطوف نموده و تلاش های صورت گرفته تا خدمات صحی را از طریق هلیکوپتر ها نیز در مرحله اجسرا قرار دهند چنانچه در بسا نقاط

جلوگیری از سوءتغذی

ازدیاد و تکثیر نفوس در ممالک روبه انکشاف :

تولدات بی در پی و نبودن فاصله معین و لازم بین دو طفل ایستادن تکثیر نفوس را سبب میشود .

۲- قلت و کمبود مواد غذایی از اثر زراعت و فلاحت غیر کافی .

۳- تقسیم و توزیع نامناسب مواد غذایی بتمامی افراد جامعه

۴- عوامل اقتصادی و اجتماعی : عده از باعث فقر و بیچاره گسی

قادر بخريد مواد غذایی او لیسه نیستند . و بعضی ها نظر به کلتور و عنعنات در مقابل بعضی غذا ها

تعصب دارند . یا اینکه بنا بر نداشتن معلومات کافی تغذی

نمیخواهند مواد غذایی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت

و بیسوادی اسباب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :

بی اشتهاپی ، قیات ، اسهالات ، عمل هضم و جذب غیر طبیعی ، افات

سپروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده شده نمیتواند) .

امراض خبیثه ، تب ، سرماخوردگی ، سوختگی ، کسور عظام ، دیابت

(از باعث اطراح گلو کوز از طریق ادرار) . سند روم نفرو تیک زیرا

باعث اطراح پرو تین از طریق بولی میشود) عبارت از امراضی

اند که باعث سوء تغذی میشوند .

۵- ضرورت زیاد مواد غذایی :

مثلا در زمان حاملگی و شیر دهی ، کار زیاد و شاته خصوصاً

در هنگام سرما که در بنصورت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند .

عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشوند :

تنقیص قوه بشری در پروسه تولید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشکسالی ها

و کمبود آب خصوصاً در موسم کشت ، زراعت یک نواخت و زرع

بکثرت مواد غذایی غیر ضروری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به

حرا گاه ها قلبه نمودن خراب و غیر مرغوبی و آفات مریضی

بسیاری از مریضی های تغذی که در ممالک روبه انکشاف دیده میشود

مطالعه نموده و اندازه فیصدی سوء تغذی را باتمامی عوامل مؤثره آن دریافت و تشخیص نموده وبعد از آن مطابق به علل و اسباب در یافت شده تدابیر و قایوی را طرح ریزی و اشخاص مصاب را تدایوی نمود .

تدابیر عمده و اساسی وقایوی سوء تغذی :

۱- بهبودی وضع اجتماعی و اقتصادی بصورت عمومی و ازبین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که

عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل میدهند .

۲- بهتر ساختن وضع حاصلات زراعتی ، مالداري و غیره .

۳- تأسیس و انکشاف خدمات صحتی یا اساسی از نظر کمیت و کیفیت بصورت کلی و همهجانبه ،

۴- تربیه پرسونل طبی داخل سرویسهای صحتی و اشخاص فنی که در ساحه کار میکنند .

۵- تعلیمات تغذی به والدین اطفال ، بخش تعلیمات و تبلیغات

تغذی بگروپهای مختلف مردم شامل نمودن این چنین تعلیمات در

پروگرامهای تربیوی معارف و گنج نیدن آنها در نشرات مختلفه

کشور از قبیل رادیو ، تلویزیون روزنامه ها ، مجلات و توزیع

پوستر و پامفلیتها در بین مردم پیشبرد پروگرامهای تغذی تطبیقی

و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .

۶- ترویج استفاده از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت .

۷- گسترش و انکشاف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر

مؤثر تر در جلوگیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاک و

صحتی .

۸- فاصله بین دو حمل باید مطابق به اساسات (پلان خانوادگی)

صورت گیرد تا ولادت های بی صورت گیرد تا ولادت های بی

بی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیآورد .

۹- به سرطان نیز جلوگیری میدارد . عدد از کارندان یک فابریکه مشروب سازی

است که از یک نوع سموم الکحول و نوشابه های الکحولی استحصالی داشته است . پس

سموم اینک میتواند بجای الکحول نیز کار بدهد ، ازینرو در جهت شناخت نوعیت و

خواص این نوع سموم و طبعی سموم ها مطالعات خاصه جالبه ای ادا شده دارد . بسیاری از انواع

سموم های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلف از علوم طبی

دارد .

اطفال شان را شیر پودری بدهند با یاد اولا شیر رادر گیلایس ویا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند .

در نتیجه تجارب و تحقیقات علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین

غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شک جای شیر مادر را بگیرد بر

صحت طفل اثرات ناگوار دارد . زیرا از یک طرف طفل بمقا

زیاد شیر ضرورت داشته در حالیکه شیر پودری گران بها بوده

و اکثر والدین مقادیر ضرر و ری شیر را خریداری نموده نمیتوانند .

از طرف دیگر عدم مراعات حفظ الصحوی سمانیکه شیر در آن تهیه

میکردد و نشو و نمای میکروبیهای گوناگون در شیر مو صوف اولا

باعث ایجاد امراض انتانی و بعدا باعث سوء تغذی طفل میگردد . که

به اینتر تیب در صورت استفاده از شیر پودری بر علاوه گر سنگی

انتانات نیز در تشدید سوء تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یک عمده مواد غذایی غیرمفید

و بی ارزش نجارتنی توجه مردم را جلب وایشان را براه غلط

رهتمونی نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگردد .

پخت و پز نامناسب و نام مواد غذایی .

یا اینکه باعث عدم هضم و جذب میگردد و یا اینکه در اثر پختن

اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب و غیر

قابل استفاده گردیده و به این ترتیب راه را بطرف سوء تغذی

باز مینماید .

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلوگیری نمود لازم است تا اولتر

از همه در بی دریافت عوامل آن طوریکه فوقاً تذکار بعمل

آید شتافت که برای این منظور باید قبل از همه یتال وری اجتماعی را

بقیه صفحه ۱۷

بیماری

های مکرر بکثرت دیگر سموم متواتر مرغان مبتلا به سرطان را از شر این مرض

مهلك و جانگناه وارهاند و پس از تدایوی مداوم در بهبودی زخم ها و کاهش وحمو

روری های سرطان کفک فراوان میدارد .

سموم های شفا بخشی از گسترش و انتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا

تدابیر عمده...

یکی از طرق مبارزه ضداختلال معالجه طبی است زیرا در حال حاضر طبی بت از وسایلی بهره‌مند است که ابلاهی محیط دماغی تأثیر مثبت داده می‌کند.

به این ترتیب معالجه بیخوابی بطریق طبی و روانی صورت گرفته می‌تواند. اغلباً به معالجه روانی روئ پیشرو داده می‌شود در ضمن قسمت اعظم معالجه مر بوط به خودمریض نیز می‌باشد.

اگر علت بیخوابی عوامل خارجی بطور مبالغه‌آمیز باشد، ترا نسبت به رت شمرده شود اثرات منفی بار می‌آورد. معمولاً اشخاصی که در محیط پر شور می‌کنند بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد به بسیار آرام می‌شوند این اشخاص خود را آرام حسی می‌کنند. اگر بطور مثال علت بیخوابی عوامل خارجی شمرده شود گرچه در اول چندان مهم به نظر نه می‌رسد چندی بعد شکل عوامل اصلی به خود می‌گیرد و چون نکه تمام افکار متوجه‌ها عوامل خارجی می‌شود همیشه باعث اختلال خواب می‌شود.

طبق احصائیه دقیق در حال بنیه صفحه ۱۹

چگونه مبارزه با حوادث

نمی‌آیند آنچه که طوفان‌ها در گذشته‌های دور تاریخی و حتی در چندین دهه قبل خسارات را بوجود می‌آورد امروز فاقد آن قدرت و توان اند زیرا دانشمندان در گوشه و کنار جهان در صدد آن هستند تا وسایل و ادارات مجهز را تأسیس نمایند که قادر باشند بلای‌های و قایوی و مبارزه با حوادث ناگوار را داشته باشند یکی از موسسات فعالی که تاکنون وجود دارد در ایالات متحده امریکا است که با وسایل مجهز از قبیل اقمار مصنوعی بسه فاصله هزارها میل در فضا ناظر پیش‌بینی حوادث و مخاربه آن در کره ارض و به اداره مربوط می‌باشد.

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر و طیارات اند که می‌توانند طوفان‌ها و هریکن‌ها را به‌موت متواتر تعقیب نموده و وقوع آن را بزودترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی‌های بحری نیز روی این منظور در عقب وسطوح ابحار در گشت و گذار

حاضر اضافه تر از پا نزده فیصد نفوس جهان در زمان خواب ازدواهای خواب آور استفاده می‌کنند. اما اگر دواهای مذکور مدت زیاد استعمال شود بالاخره شکل عادت را بخود گرفته و بی‌الاخره شخص مجبور می‌شود تا هر روز آن استفاده نماید زیرا بدون آن هیچ خواب کرده نه می‌تواند.

اگر از استعمال آن در این وقت نپسندید قوتش عتیقند آه صرمت صرف ظر شود فشار روحی زیاد را بار می‌آورد. دواهای خواب آور معمولاً رژیم خواب را بکلسی تغییر می‌دهد. قسمیکه تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سریع ایجاد شده و تقریباً ده دقیقه ادامه می‌یابد در طول شب مشخص چهار الی شش این نوع مرحله را می‌گذرانند و در اوقات صبح مرحله خواب سریع سی تا چهل دقیقه طول میکشد. تجارب طبی نشان داده است که استعمال مشروبات الکولی این مرحله خواب سریع را که برای انسان ضرور است برهم زده و به تدریج قلت آن حس شده و بالاخره سیستم کار رشته‌های عصبی را برهم می‌زند. بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های فوق استفاده شود ممکن است به صحت و سلامت انسان کمک لازم نماید. و فرود خول اشک ریز لازم بنماید.



گروبی از واحدهای دفاع ملی یوگوسلاویا که هنگام مقابله علیه تجاوز دشمن، داوطلبانه سهم می‌گیرند.

بنیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

در «سلوونی» که هنگام جنگ دسته زنان پارتیزان سراسری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می‌کردند، امروز از بقایای نظام مذکور یکدسته بزرگی از دوشیزگان جوان و صاحب انرژی و مستعد در جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانک و تانکهای دشمن را فرا گرفته اند بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثه جنگی، می‌توانند با استعمال بمبها و نارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند. این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «بروانه‌ها» شهرت داشته و از یکدسته شاگردان فارغ مکاتب عالی و ثانوی و کارگران جوان مرکب و مشکل می‌باشند که واحد های کوچکتر آنان در هر منطقه حساس یوگوسلاویا موجود بوده و هنگام تجاوز مخاصمانه دشمن خاک، چون موروملخ یا بمان گمان زهرناک بر سر روی شان میریزند و با سمپاشی و کاربرد لاریتکیا در امتحای آنان دلیرانه دست بکار میشوند.

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزشی و فراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات و کارمندان تعلیم و تربیه نظامی زنان بشکل منظمتر و پیشرفته تر آن، موضوع افراد کلی مربوط به مجموع مسائل دفاع ملی کشور، فاکولته (پوهنشی) مجبزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گرفت و نخستین بخشی اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد. همچنان مطابق پروگرام منظم و مرتب، نوع چنین پوهنشی بی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد و فعلاً در طریق آموزشی عسکری دوشیزگان زنان جوان دست بکار شد. بنحویکه این تجویز به استقبال بر حرارت زنان و دختران مواجه گردید و شمار ثبت نام درین رشته بیک میسار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد. باید متذکر شد که قسمت زیاد امور دفاع ملی بشکل آموزشی عملی آن، خارج از محیط پوهنشی و آموزشگاه نیز دنبال میشود و این

انگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان و تقویت حسی شهادت آنان تأثیر مثبت و موثر دارد. بطور مثال: پیغله «سوزاناکو فلزویک» که چهارده سال عمر داشته و یکی از اعضای سازمان کوچک موسسه سکوت یا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواک» واقع ایالت «صربیا» بوده و اخیراً به لقب و عنوان بر افتخار «پارتیزان کشف» یا «کشف پارتیزان» منتخر و موفق گردیده است، ضمن مصاحبه به خبر نگار مجله ماهانه «ریویو» چاپ بلگراد گفته است:

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آنرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت از جنبه عملی مهارت کار، هنگام آزمائش وظیفه محوله و تحیت قاصد پارتیزانی بود که در قبال صبر و وفات خود را بدان معتاد ساختم. چنانچه یکرور تمام اوقات خود را بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه و دور از نظار و تکیسای پاسبانان و پاسبانان طسوری گذشتاندم که آنان گاهی بشکل مستجمعی و زمانی بطور پراگنده در جستجوی من بودند نامر دریاوند ولی موفق نشدند. در آنحال پس از بکسلسه عملیات تجربی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه و نقطه چشم انداز شان خود را چنان بپوشانم که مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد. تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت و مهارت برآه طولانی روان شدم که پاسبانان حتی رده قدم‌آهراه با فراست، مواظبت و هشیاری عمیق راهپیمایی میکردم. کلیه آنچه پنهانی می‌پیمایم محوله و سپرده شده را بخاطر می‌آوردم که از رهگذر یک عملیه آزمائشی بمن تسبیم و محول گردیده بود....»

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بر پوهنشی‌های اختصاصی نظامی در یوگوسلاویا در افراد درسی همه پوهنتونهای غیر نظامی آلتکور، مضمون تعلیم عسکری نیز در جهت معلومات عمومی محصلان شامل است که شاگردان محتوای آرا باولع و اشتیاق تمام می‌آوزند.

عیار نمودن...

بین السیارات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئله مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضویت را میا زارد . از یک طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانب دیگر زمانیکه کیهان نوردان به سطح سیاره مریم و یامادرسیاره زهره بر سند دیگر هیچ وقت برای استراحت شان نخواهد داشتند . مگر از دیاد وزن پسان کاهش وزن معکوس گردیدن عادت خواب و بیداری را سبب گردیده و هم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل خواهد گردید . آیا میتوان معضله اخیر را حل نمود ؟

دو کتورس . س . ستیا نو فا (ماستر طب) در مونو گرافش معضلات مهم بیوریتیمو لئوژی کیهانی (مقاله جالبی را تحت عنوان (معلومات و ارزش انرژی بیست و چهار ساعته) بر شته تحریر در آورده است . بگمان دانشمندان ساینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یک مقدار معین و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یک اندازه معین و مشخص معلومات را کسب مینماید . ظاهراً این یکی از قوانین اساسی است که ساختمان وظیفوی و ریتمو لوزیک عضویت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرافات از حالت نورمال در هر دو جهت ریتم خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگونه وقایع در حین یک پرواز طولانی اشکار گردید باید سیکل شبانه روزی با افزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نورمال نگهداشتنه و هزینه انرژی) ادر حالیکه زمان خواب بحال نورمال نگهداشتنه شود طولانی تر گردد . البته بطور طبیعی بار عضویت افزایش خواهد یافت .

ما دامیکه وقت کار شاقه آمد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیداری در حالیکه زمان خواب و استراحت بحال نورمالش نگهداشتنه شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بیالای عضویت خواهد شد . از نظر تخنیک اجرای این چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

پر. یود شبانه روزی زمینی و زمان سنجهایک سیستم مصنوعی که میتواند به بسیار ساده گی به یک سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعویض خواهد شد . مگر شاید خواننده گرامی پرسد که او با تکنالوژی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بود که انسان نمیتواند خود را با پر یود های طولی یا کوتاه تطابق دهد . و این شامل انحرافات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکند) میباشد .

عضویت انسان میتواند خود را فقط به انحرافات کوتاه (که یک یا دو ساعت دوام کند) تطوایق دهد . ضمناً اگر اشخاص انفرادی کاملاً از تحت تاثیرات خارجی

بقیه صفحه ۲۶

پلان اعمار شهری

جهانی است بلکه محل تجمع و گرد هم آیی هزاران هزار چهره های ورزشی جهان ما شمرده میشود که در رابطه و نزد یک شدن آنها و شناسایی یکدیگر نقش بزرگ را ایفا می نماید و علاوه میکند که چنین گرد هم آیی ها هر قدر یکبار زیاد تر صورت گیرد به همان پیمانه میتوان در رفع کدورت ها و درک های نا درست مردم از یک دیگر قدم برداشتنه و این امر در

بقیه صفحه ۱۱

باج

نوی وخت داسی خو بنی و زیرولی حی دمحمد عمر کوچی په شان ډیر نور غم لری کړ چیان د داسی بد بختیو څخه خلاص شول چی تصور یی نشو کولای . داسی انقلاب راغی چی دخوارانو مینه پکی وه د زړه سواندو څپو نغمی بلبلانو و غړولی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی کړی چی نندارونه یی هر چا گټه اخسته . دشرق ځلانده ډیوی ډیری تیاری خوئی رو ښانه کړی .

تجربید شوندد هر کدام شان (برنامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبانه روزی یکی شان بیست و سه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و شش ساعته و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یک ریتم انرژی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیر محیط زمین خاکی آزاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخل گشتی فضای دور از سطح زمین ریتم انرژی کیهان نوردان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمک شان کند .

استحکام پایهای دو لای - صلح وترقی و شگوفانی جا معه بشری سهم از زنده بجا خواهد گذاشت او اظهار نظر نموده که بعد از ختم هر یک از مسابقه گفته میشود که درین جا در حدود بیست و هفتصد الی هشتصد اسب برای کسانیکه مشتاق اسب سواری باشند وجود خواهد داشت او هم چنان میگوید که در اینجا محل مناسب برای آب بازی - جمناستیک نیز بوده و کسانی که علاقه تام به آموختن انواع گونه گون ورزش داشته باشند میتوانند تحت راهنمایی مشاورین بجهت آموزش آن بپردازند .

محمد عمر کوچی هم دخمکی خاوند شو . دکور خاوند شو دعزت خاوند شو . بالاخره داسی ژوند یی پیدا کړ چی د تیرو زړو خاطرو لپاره نکی ځای نه و . هو دا دثور انقلاب و . دا هغه ویاړلی انقلاب دی چی د ډیرو بسی وژلانو لپاره پکی د ژوند خو اړه زیرو پراته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خو بنی کوی . اتیو نه کوی ، میلی جوړوی ، هو ، کوچیان ، هو هغه سرگردانه کوچیان چی کور یی نه درلود ، په سرو او تودو کی لوی شوی کوچیان چی تیرو زړو مناسباتو ربړولی وو .

(پای)

ده مخ پاتی

دمسلمانانو...

داسلامی هیوادونو سپورت مینانو زیاتی آسانتیاوی برا بری کړی ؟ هو ولی نه اددی له پاره چی سرب کال داوړی په موسوم کی دالمپیک نیویا لوبو په وخت کی د اسلامی هیوادونو ورزشکارانو او سپورتی تیمونو ته زیات تیا آسانتیاوی برا بری شوی وی د شوروی اتحاد داسلامی بورد له خوا همدا اوس یو لوبلانو نه طرح اوتر اجرا لاندی نیول شوی دی . ددغو بلانو نو له مخی دثو لو هغو اسلامی هیوادو سپورت

مینانو ته چی ۱۹۸۰ کال دالمپیک په نیویا لوبو بوکی دبرخی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ورکول کیږی چی دمسکو په جوماتونو او اسلامی مرکزو نوسر بیره دتاشکند ، دوشنبه بخارا او دغه راز د هغه هیواد دنورونیارونو په جوماتونو کی اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی کیله چی دمسکو ۱۹۸۰

کال دالمپیک نیویا لوبو بیروزی دمبار کی میاشتی نیکمرغه ورخو سره سمون خوری دشو روی اتحاد دمسلمانانو دپورد له خوا ددغه

مبار کی میاشتی دذهبی مرا سمو دتر سره کولو دپاره ضروری پرو-

گرامونه او تدبیرونه تر اجرا لاندی نیول کیږی . ددغه پروگرامونو په تطبیق اوعملی کولوسره هر مسلمان

ورزشکار او سپورت مین کولای شی چی دالمپیک دنړیویا لوبو په ورخو کی روژه ونیسی او خپل مذهبی مراسمو په ځای کاندی .

اعظم لاکبر ددغه اختیصاصی مرکو په پای کی هیله غر گنده کړه چی دنړی ټول مسلمانان دسولی او نړیوال امنیت دپینځنیت په برخه کی دهیڅ ډول مرستو او همکاریو څخه ډډه ونه کړی .

- انستیتوت قره قل يك موسسه غیر انتفاعی می باشد که جهت انکشاف تجارت قره قل فعالیت می نماید .
وی افزود : تمام فعالیت های مربوط به پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت رهنمایی و کنترل این موسسه صورت میگیرد .
مثلا رهنمایی آتش دادن، سورت، عدل بندی انتقال بیمارکیت های بین المللی ، عرضه و فروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغات در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پوست افغانی .



رئیس انستیتوت قره قل، هنگامیکه در مورد لیلامهای لندن ولینتگراد معلومات میدهد .

بیه صفحه ۳۰

پوست قره قل افغانی...

این انستیتوت پوست تاجر انفرادی رامثل يك اتحادیه جمع ودر حقیقت يك خدمت به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند از جویان گرفته تا فرد آخر .
همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان ما از طریق مجلات و پامفلت ها تبلیغات و نشرات هم می نمایم .

کار عمده امسال انستیتوت قره قل این بود که پنجاه و هفت هزار جلد پوست تجارت انفرادی را در يك پارتنی بزرگ مخلوط و بنام انترسورت بیمارکیت لندن عرضه نمودیم .
تقریباً اثر سورت از چندین سال پیش نهاد شده بود مگر در زمینه کام عملی نهاده نشده بود . و ما توانستیم در ۱۳۵۸ تاجر را قانع سازیم و البته پول پوست هر تقریباً تا سب کیفیت پوست آن داده شد که تاجر از نتایج آن راضی بوده و امیدواریم درین راه سال آینده قدم فراتر بگذاریم و پوست بیشتر انترسورت نمایم .

بوده و از ساینس و تکنالوجی در زمینه استفاده بعمل می آید مگر در کشور ما تریه گوسفند قره قل به شکل عنعنوی آن وجود دارد ، مالدار بصورت عنعنوی و تجربه از اجساد آموخته اند که چگونه گوسفند تربیه و جنسیت عالی و خوب بگیرند و ناگفته نماند که جنسیت قره قل ما عالی و کم نظیر هم میباشد .
در آخر از عبدالنبی بایا خواستیم تا مختصر معلوماتی در باره فعالیت های این انستیتوت برای ما بدهد .

آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی خواهد بود و امید ما بتولیم صادرات پوست را انکشاف دهیم ، یکزمانی افغانستان سه میلیون پوست قره قل عرضه می کرد .
عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل چه می باشد ؟

- چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید می نماید تغییرات مد و فیشن، پراکندگی ارضی وضع جوی و غیره عوامل می باشند، خوشبختانه امسال در اثر بر فباری های اخیر گوسفندان از ناحیه کم آبی و خشکسالی آسیبی نخواهد دید .

از رئیس انستیتوت خواستیم تا بگویند که مناطق تولید کننده پوست قره قل کدام قسمت افغانستان می باشد و هم تریه گوسفند قره قل در اتحاد شوروی و آفریقای جنوبی و کشور عزیز ما چگونه صورت می گیرد ؟
وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه ننگسان و ولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور موقعیت دارند .

در قسمت تریه گوسفند قره قل در اتحاد شوروی و آفریقای جنوبی با ید گفت که تولیدات پوست قره قل در آن ممالک میکائیزه

- کمپنی های بزرگ که با پوست قره قل سروکار دارند از عدسیت ها، شاپای کلان و دیگر منابع خواستند تا با ابتکارات و طرح های جدید پوست قره قل را دوباره مد کنند، به اصطلاح بازی باقره قل را آغاز نمودند از پوست مذکور انواع مختلف کلاه، بالاپوش، کت، واسکت بافرم و دیزاین های مختلف استفاده کردند و مخلوط آن با جرم و چمبر بیشتر مورد پسند قرار گرفت .

در نمایشگاه فرانکفورت که اکثراً توند مارکیت در آنجا نشان داده می شود پوست قره قل خوب نمایش داده شد و در اتحاد شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره مورد توجه مردم قرار گرفته و مخصوصاً خانها به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع شد که بطور طبیعی بفتح قره قل افغانی تمام می شود ، که مظهر آن در لیلام ماه می معلوم شد و در لیلامهای بعدی قیمت قره قل شروع به بلند رفتن نمود که البته برای تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام پوست هاییکه جمع آوری و به معرفی لیلام گذاشته شده بود بفروش رسید .
فعلاً از وضع مارکیت پیداست که سال



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

زندگی‌های رنگارنگ جهان

چهار نفر دانشمند و چهار نفر دوست

هال تحقیقات و تیوری های علمی او زنده است و بر مبنای همان تیوری ها خصوصاً تیوری نسبیت او است که تکامل علوم بی سابقه تر شده و انقلاب عظیم و چشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تیوری نسبیت را پی ریزی نمود.

همینگونه «مکس لیو» ثابت نمود که اشعه اکس را می توان از گسترل ها عبور داد همچنان «آتوهان» ثابت کرد که اتم های ماده یورانیوم را می توان از همدیگر جدا نمود.

درین او آخر یاد بود از چار نفر دانشمند شصیر جهان که خدمات بزرگ و چشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت. هرچهار این دانشمندان در طولیت و حتی در دوران جوانی و اکادمیک باهم رفیق و دوستان صمیمی بوده اند.

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸، «آتوهان» در ماه مارچ ۱۸۷۹، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «مکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم بجهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثراً مدیون تلاش و فعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است.

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی و اکادمیک خود فقط بکشور خودش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر یک شخصیت علمی بین المللی محسوب میگردد همه کشور ها مخصوصاً دانشمندان و دانش پژوهان هر کدام صرف نظر از اینکه از کجا هستند و به کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند. همین نظر ها باعث شد که سوسیالست های لاسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این را نمودند که کارت هویت همشهری و تبعه بودن او را از او سلب نمایند.

باوجود اینکه مدت ها است که آنها خصوصاً انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند و یا چهار نفر دوست عضویت اکادمی علمی برلین را داشتند. اسناد - شواهد و مدارک تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است. این چهار نفر بودند که آینده آلمان را به صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیک رژیم جمهوری مبدل شده و بالاخره بسوی جامعه سوسیالستی هدایت خواهد شد.

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد. رفیق او «لیزمیتز» بعد در سال ۱۹۳۸ «آتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی

هادر آلمان باقی ماندند. پوست کارت ها و عکس هایی که ازین چهار نفر دانشمند رفیق بجامانده نشان میدهد که این چهار نفر رفیق علاوه بر مشغولیت هایی علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند.

البرت انشتین در اختراع بمب اتم کار های مهم انجام داد. او بخاطری بم اتم را اختراع کرد که بتواند آزادی را صیانت کند نه این که از آن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند. «هان» و «میتز» با کشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند. «لیو» در سال ۱۹۱۴ - انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» در سال ۱۹۱۴ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند.



چهار نفر دانشمند علوم و چهار نفر رفیق و دوستان صمیمی جهان

موزه های موتور دار

اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش بپردازد و حتی از موتورها غیب نماید. علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند. موتور ها در قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمربند نصب است به کمک کمربند مذکور سبند های موتور هوا گرفته و توسط مخلوط داغ چارج میشود. درین اله منحیث محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است.

بالین موزه ها در یک ساعت (۲۲-۲۰) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند. جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرم مواد سوخت را به مصرف میرساند.

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه ثانیه و یاد دوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلیمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد. طول «قدم» به سه متر و ارتفاع پرش آن نظر به سطح از (۲۰) سانتی متر تجاوز نمیکند. این نکته نیز ضرور است تا بگو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند. هنوز قبل



کند. بعبارة دیگر لازم است تا درین قسمت تجارب صورت بگیرد. به احتمال قوی برای اولین مرتبه سبورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد. این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت؟

اول اینکه شبان میتواند به بسیار سبورت کلمه خود را اداره کند. چویدیز یست ها نیز ممکن است به این موزه ها نیاز پیدا کنند. اما پسته رسان دهاتی ؟ مسیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میک» نیزه شده. را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آرا تهیه کرد و مورد استعمال قرار داد.

عصری ترین وسيله ارتباط

متخصصين اتحاد شوروی سيمتيم ارتباط
رادیو تليفونی را درین اواخر طرح ریزی
کرده اند .

این آله که بنام «التای زم» یاد میشود
در زمان بازی های المپیک در مسکو بکار
انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی
از آلات نیم هادی ساخته شده و وزن آن
ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در
قوه حرارت، پروت مورد آزمایش قرار گرفت
و امتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات
نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیله
ارتباطی مذکور پروژه های سورتی شهر
مسکو و دیگر شهر ها را بهم مرتبط میسازد.
باله مذکور میتوان از موزیک ترفون مورد
ضرورت را دایر نمود و حل مشکل کرد
حتی از داخل موزیک باشهر دیگر می توان
در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیک
مسکو در حدود (۱۵۰۰) عدد این نوع
دستگاه ها بکار انداخته خواهد شد .



گرگ و رقص تانگو

گرگی بود که یکی از سازخیز های
بلو روسی اتحاد شوروی را بسته آورده بود.
بعضی اوقات بالای غله حمله میکرد که
در چرا گاه میچریزند . هر چند که کوششی
میکردند گرگ را دستگیر کنند درنده از
آنها جان به سلامت میبرد و موفق به فرار

می شد ، حتی هر بار میدیدم نیز با خود می برد .
مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و
در کست غف سگها را بقت کردند اما
هرگز بزودی این راز را درک نکرد هر چند
فرار می کرد در عقب خود سگ را نمی دید .
در یکی از شبها نگهبانان گله حیوانات
برای اینکه وقت را خوشی سپری کرده باشند
کست باثبات تانگو را می شنیدند . یکی از
نگهبانان طوری حس کرد که کسی موسیقی

ریل هوایی

در ریل های هوایی جدید پیچ و تاب های
تازه ای داده شده و مسیر های پیچ در پیچ
و مغلق اشخاصی را که در ریل های هوایی سوار
شده اند می چرخاند و واژگون حرکت میدهد.
ریل های جدید برای تفریح طلبان وسیله
جالبی شده است و جای وسایل قدیمی را که
در آنها امکان سقوط و شکستن استخوانها بود
گرفته است .

این وسیله مرکب است از یک ریل سرباز
با کمربند های که روی شانه نصب میشود.
بعد از آن چندین ریل هوایی ساخته شده
است ولی نخستین ریل هوایی در شهر
کلنوریا ساخته شده که سی و پنج متر ارتفاع
دارد و طول مسیر آن یک کیلومتر است و
در پایان راه از یک دایره ۳۶۰ درجه ای
عمودی عبور میکند .

ترجمه وازقعلیمی



جلوگیری از پیشرفت سرطان

یک تیم علمی تحت رهنمایی پروفسور
گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول

در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب
کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان
جلوگیری نماید .
آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی
از این مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده
چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت
این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار
نموده است که این ماده جدید با مؤثر ترین

چونین و سامان جراحی را خوب شسته و تعقیب
نمائید . با گذشت زمان و در اثر کار و کوشش
زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود
آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن
بعضی از اعضای بدن و تبدیل نمودن اعضای
بدن یک شخص به شخص دیگر می باشد .

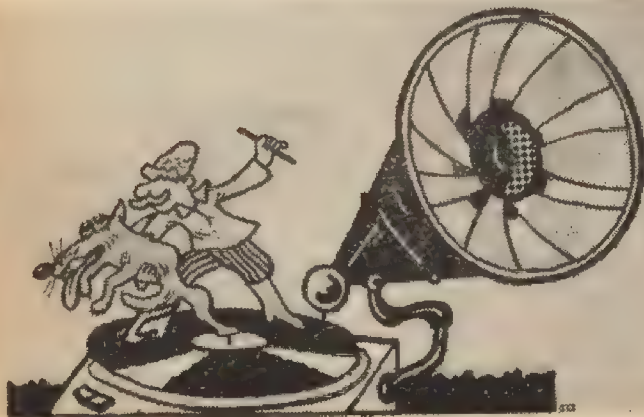
از جمله مهم ترین این دستگاه هایکی هم
دستگاه الکترونی است که قادر به ساختن
گرده مصنوعی و تبدیل نمودن گرده یک
شخص به شخص دیگر میباشد . همچنان
این دستگاه الکترونی قادر است که در انبای
عملیات قلب و شش و طیفه قلب و شش را برای
انسان انجام دهد .

امروز متخصصین جراحی عروق گردیده اند
که بعضی از اعضای سالم یک انسان مرده
را به یک شخص زنده انتقال دهند و فعلا انتقال
قرنیه چشم یک مرده به شخص کور به
موفیت انجام شده و اکنون دکتوران جراحی
تلاش دارند که قلب را هم به مثل چشم و گرده
از یک شخص به شخص دیگر انتقال دهند .

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب از اقبل تاریخ آغاز شده
و از آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل
خود را طی میکند و فعلا این علم در اثر کار
و زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان به پیشرفت
های غیر قابل تصور نایل گردیده است .

در اینجا یک نظر مختصر به سیر تکامل
علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :
در جریان قرن نوزدهم پاستور اظهار نمود
که اجسام غیر مری زنده باعث انتقال امراض
میشوند و بعد از آن جوزف لیستر به اکثر
عالمینانده که اگر میخواستیم مریض تان بعد از
عملیات زنده بماند باید از همه اوتوردستهای



صحنه ای از دسگیری مرمی توسط موسیقی خاص ثبت شده در کست

هغوی ژوندی دی

ژان لافایت

«

زه په پريشاني سره خپلو نويو ملگرو ته گورم . لڼا او سرطاس سړي ماته ښه نږدې شوي دي . داسې ښکاري چې گميسار او خوی يې هم پدغه خبرو اترو کې او دهغې نتيجې په برخه کې مينه او ونډه لري . کارخانه لرونکي خپلو خبرو ته داسې ادامه ورکوي :

« ډير ساده کاردي ښاغلي، زه چې دلته راغلی يم دمووضوع پرتولو خواو باندې مې ښه سوچ کړې دي او هغه مې ښه غږيدلي او په وروستۍ پړاو کې دې نتيجې ته رسيدلي يم چې بايد خپله فابريکه د هيليو دقورمې او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کار واچوم . ستا سو نظريه پدې هکله څه شي دي؟ دجوړولو هيوکې لرونکي کانسرو دجوړولو دستور العملونه خودا ډيردي . هغه ښاغلي چې گوري (سرطاس سړي) خواته اشاره کوي ددوي مفازي مديريت چې هلته خوراکي شيان بلودل کيږي او ټاکل شويدي چې پدغه کار کې زما سره گډون وکړي . زه تاسو ته پېشنهاد کوم چې دفابريکې ددغې رئيس په توگه ماسره کار وکړي .

اوس نوښايې افرادوکوم چې ديوچولويو سره مخامخ يم، په ډله سواندو سترگوسره ورته گورم . نور دوستان يې هم حيران او هک پک دي .

« هوکې، موږکولې شو چې دالوتونکسو کانسرو جوړ کړو . البته دغوډيو سره له ډيرو غوږيو سره . زه گمان کوم چې موږ پدې توگه کولای شو چې دامريکا تياو په غير داسې خواږه جوړ کړو چې بيا پخولو ته اړنه وي اودغه کار زمونږ په هيواد کې ساري نلري . زما هيله داده چې دفرانسې د پخلۍ ټول شاهکارونه په يوه قوطي کې ځای کړو او بازار ته يې وړاندې کړو .

زه دکونۍ دمسوول سړي دډاره پلمه خپل نوي ملگري څخه بيليرم ، خو هغوي زماڅخه ژمنه اخلي چې بياهم هلته ورشم ، په ډيره مينه خدای باماني کړو .

داسې خلکو په هکله څرنگه سوچ کولای شو؟ په ښوونې اخته شوي دي يا ددعومې حواسو په اختلا ؟ ددغو خلکو دوضمعي څرنگوالي دتوجه وده ، دوی چې په ډېر کې دلوږو مقاماتو څښتن وودلته به يې و ز گو او ښوا خلکو تبديل شو دي . دوی چې پخوا په ډيرمين او آرام ژوندانه عادت پيدا کړي و ، اوس په ويچاپ حالت ژوند کوي او په ډې دفاع خلکو تبديل شوي دي . دوی داردوگاه قانون له مخې په اعدام محکوم شوي دي . زه چې هرکله ددوی له څنگه څخه تيريريم راته غبرگي او زه هم ورته سلام ورکوم اوڅوې اهميت خبرونه هم ورته ورکوم

خوتل يوه بهانه جوړوم چې دکيناستوخه ځان وژغورم . دغو خلورو تنونه بهر ته د خط ليکولواچازه ورکړ شوي دي او دوی اوس دفرانسې څخه دخپلو ليکونو خواب ته منتظردي . يوه شپه خبرسيرې چې دپوليسو گميسار ته يوغږ پاکت رسيدلی دی، دغه سړي په اردوگاه کې لومړی سړی دی چې دډېر څخه ورته يو پاکت رسيدلی دی . زه هغه شپه ملاقات ته يې ورنغلم ځکه ډاډيريم چې سوچ ولکړي چې زه ورڅخه کوم شي غوايم ، سبا سپار کله چې دڅنگ څخه يې تيريم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغېر څخه وروسته په غمجن غږ راته وويل :

« وحشتناکه ده ، ښاغلي، ډير وحشتناکه ، همدانې شپه زماپاکت يې غلا کړی دی . ملگري يې چې هماغه کارخانه لرونکي سړي دي ورته دلداری وژکوي :

« غصه مه کوه زما لپاره به زياته اندازه کانسرو وليږي ... زښته زياته خورده کانسرو هېڅکله ونه رسيد ، خواته ورځي وروسته دغه بنديان دواږه مړه شول .

ناروغ بنديان دورځي له خوا اجازه لري چې متراح ته دتسلو لپاره دوغوغتون څخه روځي مستراح هغه لوی اوبې دروازی انبارته ورته ده چې په يووخت کې دوه سوه گمان کولای شي څنگ ته څنگ کېښي او خپل ضرورت رفع کړي . مستراح ته دڅنگ په وخت کې هېڅوک کالی نشي اغوستی . بايد ديو ټکر او ښيان سره سړي هلته لاړشي . دغه ورځني وتل داپدېکي آينگولو لپاره يواځې وسيله ده . موږ پدې توگه کولای شو چې دنورو بلاکونو له ملگرو سره وگورو . زه هره ورځ په يوه ټاکلي ځای کې دملگري ((دډيه)) سره گورم . او په فرانسه کې د ((دډيه)) سره ښه آشنايی درلود ، هغه دډيو مبارزاتو په ترڅ کې په سختي سره تېي شوی و او سره له دې چې ډير ناروغ اوضعيف دی دخپل روحي قدرت سره پدې بريالی شوی چې دبندخاني شکنجې اودجلادانو دکړاوونو په وړاندې مقاومت وکړي . دغه داوسپنی کارگرچې يوځلې هم دخپلې وضعې څخه شکايت ندي کړی ، په خير مه بلاک کې دسلمانې په توگه گمارل شويدي ، ښه چانس دی، دآشي يوه اضافي ونډه ورته رسيدی . برسيره پردې هغه کولای شي چې بطولن اوکړنی واغوندي او اوباید دسپار له تريگاه پورې دبنديانو سر اوږيره وڅري . نصميم نسيم چې د((دډيه)) په ملگر تيا

دفرانسويانو په منځ کې دورورگلو (د غليم سره دښمني) سازمان منځ راوړ ، ددغه سازمان مسوول په هغه وې . داڅکه چې هغه دخپلې دندې په اساس تل دبنديانو په منځ کې وې . دبندخاني دنورو برخو سره دهغه داپدېکي دآينگولو مسوول په هماغه اسپانوي وې کوم چې هر سپار د ((توني)) له خوا ماته ليردول کيږي . وروسته بيا دروغتون په هر بلوک کې يو ملگري ټاکل کيږي چې دهغه سره په تماس کې وي اودغه ملگري هم يو بل ملگري دمرستيال په توگه وټاکي ترڅو چې دروغتون څخه دوتلو په صورت کې دهغه دندې سر ته ورسوي .

دتوني دليکونو څخه يو هيرم چې په اردوگاه کې هم زمونږ دتشيکلاتو ستنې آيتگيري . خونه فرانسويانو چې دډېر څخه خواږه لاس ته راوړی ، دغه ژمنه يې کړې دي چې ددغو شيانو يوه برخه دناروغو بنديانو لپاره بيسل کړي . نور څوڅنه چې کار نه کوي اوبيا په سپکو کسارونو گمارل شوي دي هم ځنې وختونه ددوي ټوټې په ناروغانو ته وليږي . پدې توگه کېدای شي چې په اولي کې دوه ځلي دخوږو وږه غوټه ناروغانو ته وليږي . له بله مرغه ضعيف ناروغان دومره زيات دي چې نشو کولای دغه لږشاته خواږه د ټولو ترمنځ ووېشونو ځکه تر ټولونه ډير اډ ناروغان تپو او هغوي ته يې ورکړو .

دهغو گنارشاتو له مخې چې هر هره ورځ دپلاک مسوولين ((دډيه)) ته ورکوي تصميم نيسوي چې دفرانسويانو دوضعي دڅرنگوالي په هکله يو رپوټ جوړکړو ، وروسته بيا دهغه رپوټ له مخې دخواږه هغه غوټې چې لاس ته راځي دهغه گميسون له خوا ووېشل شي .

دخوورځو په اوږدو کې دغو ټولو کارونو ته ترتيب ورکړ شو . ((توني)) هڅو ونکسي ليکونه ماته راليري . هره ورځ غښتمنير نود فرانسويان زمونږ دورورگلو دغه سازمان سره يوځای کيږي . دورورگلو دسازمان لپاره مبارزه موزنه يوه پرمينه مبارزه ده ، داڅکه چې دډيري افرادو دغوټه ده د مرگ څخه . يوه شپه ((دډيه)) دلوږمې ځل لپاره هغه غوټه چې زما دپلاک لپاره تفصيل ورکړ شوی و ماته راکړ . دهغو څلورو کسانو څخه چې بايد ددغه خواږه څخه گټه واخلي يو فرانسوي سړی هم دی چې ((ژورم)) نومېږي ، موزدهغه په ټولو بيل کړو ورو درو دکتونو دڅنگ څخه تيريريم او دنوموړي ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په يونياده گوت کې پيدا کوم . يوه پښه يې ماته ده له همدې کبله نشي کولای چې دکت څخه ښکته شي . زه ځنې ددغه ديو وظووال په توگه وپيژم اوغوټه دخپل کفيسه څخه پاسم او هغه ته

وړاندې کوم :

« واخله داستا ده . هغه ملگري چې په اردوگاه کې دی دغه هواډه يې دتسا لپاره ليري دی اوددعومې دورورگلو دسازمان په واسطه يې ماته را کړی دی چې تاته ورسوم . » ته ډاډه يې چې دغه غوټه يې ماته ليري دي ؟

« مگر ستانوم ((ژورم)) ندي ؟ مگر هېڅ کې په اردوگاه کې ((واو)) نه لومېدي ؟ »

« هوکې . »

« ښه وروسته ستامال دی . ما اشتباه نده کړی . »

سړی غوټه خپل سينه باندې پدې خو د خلاصولو جرأت يې نلري . او وروسته بيا جرأت کوي او غوټه پرايږي . پنځه ټوټه ټوټې او درې ټوټې قنده هڅي کې وه .

« اوه ؟ مننه هلکانو . دانو ډيره دلاکاري ده ... ډيره ... »

« داخبرې پريږده . ترڅو چې زه دلته يم دډېستن لاندې هغه وخوره . »

څکه چې امکان در څخه يې غلا کېدی . ته هم لږ تر لږه يوه مړی خو واخله .

((ژورم)) خپل منځ گرځوي او دستر گو څخه يوه قطره اوبسکې پر مخکې لويږي .

« که ويو هيري چې خورمه خو شحلا له نوم ... که ويو هيري ... که ويو هيري ... »

او دغه سړی چې بير ته دژوندون خواته ځي دژبا او خدا په حال کې خپله ډوډي خوري . زه پداسې حال کې چې ورته گورم ، زياته خو شحلا لي احسا سوم .

اوس بيخي دا امکان شته چې دمرغ څخه دملگرو د غوړنه بيل کړو .

((ژوندون ته بيرته ستيند ل))

نوم دی څه دی ؟

برته

دکوم ځای اوسيدونکي يې ؟

دومورانتن

« خو کلن يې ؟ »

« ډير ش کلن . »

« ټولې ونيول شوي ؟ »

« ددې يو ښتې خواب دی ډيره اوږده ده . »

« څه فرق کوي مگر موږ دپروخت لرو ؟ »

ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنۍ ډول ور سره په غږ يدا پل کوم او اوس زما دوروستسي يو ښتې د خواب لپاره ځان چمتو کوي

خوشبيني مخکې زما دچپر کټ په څنگ کې بستر شوی دی . هغه ديو بل يوگوه سلوي قيدي سره چې ټول ځان يې پلمستردي په يوه چپر کټ کې پروت دی . هر څلور ويشت ساته وروسته دغه يوه ټوټه پلمستر سوري ، سوري کيږي او بد پوي ورڅخه چگيږي . له نيکه مرغه پدغه وخت کې هغه يې دکتنې لپاره وېی دی او موږ کولای شو چې په هېو سا خاطر يو بل سره وغږيږو

زما هم چپرکټ (هغه سړی چې زما سره په يوه چپرکټ کې دی) ماته خپل شاپوولسي او ويده ده .

ښه رله ، ته وويلې چې ؟

هو کي ، تر ټولو ډېمې ښا يې ويو هيري چې زه يو فضل جوړونکی يم . پلار مې .

آهنگرو او همدا اوس هم سره له دې چې ډير زوږدي کړه ده . هغه دجگړې دخلورو

تولو نو په اوږدو کی چېگری په ډگر کړو،
 نو هره درته وایم چی هغه د (پو شا نو)
 سره کو مه اړیکه نلری ، نیکه می پوهووی
 بی خو زه لانی اوسه دهغه سپین وینتا ن
 په یاد لرم د ۱۸۷۵ کال په چنگړو کی یی
 فکون کړی و . زه هم په کال ۱۹۴۰ چنگړی
 نه داخل شوم ، په حقیقت کی زه یواځی هلته
 لږم خو نشو کولای چی ورپا ندی چېگری
 وم کنبیردو . زه ددی لپاره چی دغلیم له
 خوا بندی نشم ، پس له دی نه چی فرانسوی
 دپوښه مانی وکړی خپل کورته لږم او پخپل
 پلرنی کار بانلی بوخت شوم . دا هم باید
 نوره وایم چی زه دخپل پلار او مور سره
 یو ځای او سیمه .
 -کو چنیان نلوی ؟
 -ولی ، یو څلور کلن ځوی لرم . زما کار
 ځای زما دپلار کار ځای و ، پنا یی اقرار
 وکړم ددی لپاره چی زما نه نارینه یی حوصله
 دی ، با ید سړی ځان دهغوی څخه لیری
 وساتی ، یوه ورځ زما یو همکار چی
 دبریتنا متخصص ورا ته راغلی اوزما څخه
 یی وغوښتل چی ورسره یو ځای مبارزه
 وکړم . زما ځا هم دلو هغه ولسی چی
 داتگلستان څخه را تلل واخلیم او وساتم .
 -دا کومه لپه وه ؟
 -گمان کو م چی ۱۹۴۳ کال دفرور ی
 بیا شت و .
 -په ، تا خپل همکار ته څه وویل ؟
 -ما ورته وویل چی امو لا دهغه غوښتنه
 منم ، خو پنا یی چی دخپل پلار او مور
 سره وغږ یزم . او وروسته بیا بداسی حال
 کی چی می در واژی ښه وتړل دخپل پلار
 سره پدی هکله و غږ یزم . ښځه می په
 زه پیل وکړه مورمی هم همدا سی پلار می
 چی تل په پږو سختو شرا یطو کی مقاومت
 اوسره سپینه شیننی واته وویل!
 -باید لاپ شی څوپه ، اوکه زه هم زوپنه
 وای درسره تلم .
 اووبده کیدلو پهوخت کی یی زه ښکلی
 کړم . دغه کار په کال کی یواځی هودری
 ځلی سر ته رسیدله . خوډه فکر کو م چی
 دغی خبری تا ته په زده پوری نه وی ؟
 -بر عکس ورووه ، وغږیزه .
 -ډیر ښه ازموین کار ډیره اوږده شوه
 دری ورځی وروسته زما ملگری چی (روژه)
 نو میده راغی او راته وویل چی په یسوه
 آزما یشی کار کی گډون وکړم .
 -څنگه ؟ آزما یشی چریان ؟
 -دای درته وایم ، کله چی شپه شوه
 مون په یوه گډ ندی موترکی ښار څخه
 بهر لاړو . ما هغه سړی ته پېژانل کو م
 چی دمو تر پر جلو بانلی تاست و ، خو
 وروسته پوه شوم چی هغه د (روژه) دیسرو
 ددیر شو کیلو متر وپه شاو ځواکی واپس
 مو وواژه ، ټاکل شوی و چی دبریتنا یی
 برج وچا و دوو . دموگر چلو نکي ، موترکی
 منتظر پاتی کیده یعنی زموږ د عملیات دگر
 سره کیدو پوری د روژه دیس انتظار ایستل .
 زموږ کار ډیره اوږده نشوه . چا ووتوکی

مواد مو دلو مووی برج لاندی کښیښو داو
 او ر مو ورته واچو ل او و تښتیدو . کله
 چی برج چا ویدیده موږ دپښی له ځا یه
 ډیر لیری وو .
 -ښه کار و ، آیا ستا سو دکار وسایل
 لږ نه و ؟
 -اوه ، هیڅکله ، تر څو چی موږه غوښته
 چا ووتکی مو پهواک لول .
 زه دهغه برج په هکله سوچ کو م چی
 ښا یی دپا ریس په سیمه کی دور انکا دی
 لومړی پښه وه . هغه داسی یو برج و چی
 (تامپ) په سیمه کی ډیر ستر برج و-زموږ
 دوه ډله ملگری په هری کسیره تو گه پدی
 هکله سلا مشوری یی کولی . هېڅچا ووتکی
 مواد یی نه درلودل ، یواځی د او سپنی د
 تراشولو سامان یی درلودل دنجاړی له
 مخی یی دبرج دستنو په غوڅو لو بیل
 وکړل . بداسی حال کی چی د دغو دوو ډلو
 څخه یوه ډله په کار بوخت و بله ډله بهر
 (خارنه) کوله .
 ددی لپاره چی دا ځای دسړک په غاړه
 کی و او همدا راز ډیر کو روته او مقا ژی
 ورته نږدی وی ، زموږ ملگری ټوله شپه
 پد غه کار بوخت و او هیله مند و چی د
 ستنو دغو خیلو سره سم به برج وټی پری
 خو ددوی هیله تر سره نشوه ځکه سره له
 دی چی ټولی ستی یی غوڅی کړی لا هم
 برج پخپل ځای ولاړو او سره له دی چی
 هغه شپه سخت یا دلگیده خو کومه بله
 پښه منځ ته را نغله ، سبا سهار چی آلمانان
 دگرمی لپاره واغلل ددغه کار څخه خبر شول
 او دبرج ستی یی بیرته جوړ کړل . زموږ
 شپږ نه ملگری دغه کار با ندی سرو ته
 ایښی و څو دسما مان د نشووالی له کبله
 پر پای ته شول . ددهغی یی اغیزی
 فعلا یت له امله ، (رومن) ته وویل چی د
 چا ووتکو موادو دلای ته راو ځو په
 هکله سوچ وکړی . هغه اته ورځی وروسته
 ماته احوال راکی چی سل کیلو گرامه
 (دینامیت) چاودونکی مواد یی تپه
 کړی دی او په مخصوص بڼه ځای کی یی
 ایښی دی . ددغه دینا میت لپاره خپله
 (رومن) اقدام کړی و ځنی مجبور شوی و چی
 د (سن -له مارتن) ابار له چی ښه
 پکتی بلد و لاږ شی دآبار سا توکي وتری
 او دآبار په موجودی لاس پوری کړی . دتنه
 باید اعتراف وشی چی خپله ساتو نکي هم
 مقاومت نه و کړی . وروسته بیا قتیلسی
 او دارو ته اړ وو . ددغه کار لپاره یو بیل
 ملگری د(لوار) ابار تر نظر لاندی نیو او
 په وروستی پړاو کی دملگرو له خوا لو مړی
 بله وچا ووتل شوه پد غه کار کی لږ نه
 ملگری گډون کړی وو . دغه لما لیست د
 ۱۹۴۱ کال دمی دلو مړی ورځی دچشم سره
 سمون خو و .
 په هر صورت اوس راځو د (رله) کیمی
 نه چی داسی ادامه ورکړه و

-کله چی بیر ته کورته ستون شوم دنیمی
 شپي نه دری ساعته تیره شوی وه . ښځه
 می ځملا ستلی تپوه او دپلار او مور دکو ټی
 خراغ هم بل و . پلارمی په بیره را څخه
 یو ښتنه وکړه چی دکار نتیجه څنگه وه ؟
 او وروسته بیا زیر ځای ته لاړ او سو-
 ټول شراب یی راږد . دکسوړنی قول غری
 خو ښی او خو شعلی ښکا ویدل .
 -څه ښه خلک !
 -څه دی وویل ؟
 -هیڅ ادامه ورکړه .
 -وروسته بیا دکار بته بدلون ومو ندله
 زه نور دبرجونو دنړیو لپاره نه تلم .
 په تیره بیا دهما څه یو ځلی ته پر ته ما
 هیڅکله دکو مشی په چا ووتو او لاس پوری
 نه کړه . موږ یواځی دښار له بهر تلو ترڅو
 هغه ولسی چی دالو تکی څخه موږ ته اچول
 کیدل تر لاسه کړو .
 تاسو ته ډیرا شوت سره هم ولسی
 اچو لی ؟
 -هوکی هره شپه چی آسمان شین و ما
 ویل چی اوس به (روژه) راشی . او هغه
 هم را ته ، او موږ پخپلو یا یسکلو نو
 سپریدو او دلسونه تر شلو کیلو متر و
 پوری دښار نه بهر تلو .
 -تاسی یواځی دوه کسه واست ؟
 -نه نور خلک هم وو . موږ به تل بسه
 تا کلی ځای کی پنځه یا څلور کسه وو . ما
 ټول پېژانده څکه چی هلکان به ز مو ږد
 کو څی خلک وو . دهغوی په منځ کی یسوه
 تنه یوه لاری مو تر هم در لوده ا وهما غه
 سړی و چی ولسی یی ځای ته رسول ...
 (رله) ماته دوسلی دتجو یلو لوڅر لگوالی
 شرح را کوی .
 -تا سو ددغو ولسو سره څه چا ری سرته
 رسول ؟
 -زه پدی هکله څه نه پوهید م ځکه چی
 موږ دغه ولسی دیو کیلو ال کور توپاړاو
 هرو مرو په نور گمان دغه ولسی کو م بل
 پت ځای ته ویل . خو هغه شی با ندی چی
 زه ښه پوهید م داده چی موږ د ۱۹۴۳ کال
 دژوئیه په میاشت کی وویل شو . دوسلی
 اکثره پت ځایونه دآلمانانو له خوا کشف
 شوی وو .
 -نو پدی رنگه داتولی ولسی هېڅ په درودنه
 خو ؟
 -هېڅ !
 -ستاسو رئیس خوځو ؟
 -زموږ دسیمی رئیس (روژه) وه . خو
 دهغه پور ته هما نه سړی و چی موږ بسی
 دموتر سره بله ورساوه . ددغه سړی نه
 پر ته یوه ښځه هم وه چی کار وکوله ، خو
 ما یوه ځلی هغه ولید او هغه هم یوه شپه
 وه چی یو ملگری ډیرا شوت سره ښکته
 کیدل ، هغه ښځه دغه ملگری په موتر
 کی کینا وه او را هی شوه . زه یواځی
 دومره پوهیدم چی هغه یوه انگلیسی ښځه

وه خو ښا یی چی کومه سیمه دنده پېر-
 لودله د اڅکه چی په ډیره آسرا نه تو گه
 غږ ید له او ستر گړی هېڅ ډاډونه درلودلی .
 -ستا سو په سیمه کی کمو لیستا ت هم
 و ؟
 -هوکی و ، خو موږ حق له در لودل چرله
 هغوی سره اړیکی ټینگی کړه .
 -او ته سوچ نه کوی چی دهغو ولسو
 یوه برخه هغوی ته ور کړای وای ؟
 -زه کا ملا موافق وم ، ځکه زه پوهید م
 چی هغوی په دغی ولسی په کار رواچوی .
 خو پد نه هکله تصمیم نیول زموږ حق
 نه و .
 -گوره (رله) ، یواځی هغه وخت غلیم
 باندي بریالیتوب امکان لری چی ته
 او دتا په څیر نور جنگیا لی خلک سره لاس
 یو کړی .
 (رله) پس له دغه خبرو اترو څخه ما
 سره ملگری شو . هره ورځ دخپل دژوند
 دسیمی ، دکور ، ښځی او کوچنیانو په
 هکله غږ یدل . زه او س یو هیږم چی
 ددوی ددوی بسه خوښه کی یوه او دسپنی
 څخه جوړ شوی گل شته چی خپله رنه
 هغه جوړ کړی دی .
 زه اوس ښه پوهیدم چی دبالښت ترڅنگ
 یی یو وړ خراغ شته دسړ وکوټو د خرا غونو
 په څیر . زه اوس پوهیدم چی ښځه یی
 شر میلی او ډیره خوږه ده . زه او س دهغه
 په کور کی ښه بلد یم . پلار او مور یی
 هم پیژنم ، مینه وال ، مواندیان اوان
 د دهغه دژوند نه ډیری وپی ټکی با ندی
 ښه پوهیدم . (رله) یو نتیجی ، ساده او
 ژوندانه ته امید وار کار گړدی ، هغه په
 عین حال کی چمتو دی چی دخپل هیواد په
 لار کی خپل خوږ ځان چار کړی . (رله) ما
 باندي ډیر گران دی .
 تن سهار پخپل ورځنی لیک کی (تو نی)
 ماته ډیر مهم خبرونه در لودل . (رو بر)
 چی پنځه میا شتی منځکی زموږ نه بیلل
 شوی و بیرته اردو گاه ته راغی . هغه یی
 پاریس ته یوولی و تر څو چی دگشتا پو
 په وړاندی یو ځل بیا ورڅخه استعطاق وکړی
 هغه یو سلو پولس ورځی د (فرن) بهجیل
 کی کوته تلفی وه . اوس هغه دفرنطینه په
 بر خه کی په اولسم نمبر بلوک کی سا کل
 کیږی . ډیر ډگر شوی دی خو (تو نی)
 کو لی شی چی هغه ته په ورځ کی یسوه
 ډډی ور سوی .
 بل خبر داده چی کو لی شو دهغه په
 واسطه بندیان دهر گ څخه وژغورو . لیننگراد
 ایښی خپلواک شوی دی . دایوه هدیه ده
 ستا لین ته د مور یو څ دپنځه ویشتمسی
 کالیږی په ویاړ . زما په څنګ کی یو
 فرانسوی پروت دی چی ددغه خبر پوه باندي
 بی تفاوت ښکاری ، خو (رله) خو شحالیری
 اووایی :

فعالیت‌های

گرام مجوز و پیشنها دات کشور های عضو پیمان وار سا همیشه روی تخد ید وکا هشت سلا حهای نظامی وپخصو ص تحد ید و جلو گیری از تولید سلا حمر گبار اتو مسی بوده وطبعاً این مو ضع گیری وانخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وا رسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام و تام میباشد . اما امپریالیسم جها نی به هیچو جبه حاضر نیست تا در برا پر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا مو افقت نشان دهد وبا استفا ده از حیل ووسا یل گو ناگون در صدد آنست تا کشور های آسیا یی را بطخصو ص بسه انبار خانه املحه تبد یل نموده واز این انبار ها برای اعمال مقاصد واهداف شوم خو یش استفاده نموده وبا استفا ده از چنین وسایل، ساییه شوم ونکتب بار خویش را گسترده و این کشورهارا مورد غارتگری قرار داده وتمام هستی ما دی ومعنوی آنرا چور وچپا ول نموده است.این دیگر ایه همگان معلوم است وضرو رت امپریالیسم جها نی ودر را س آن امپریالیسم امریکا تجا وزکار است وبا خدعه وفر یبو نیرنگهای گونا گون وزنگارنگ نمی توانند توجه اذهان عامه را از بخران دا خای امپریالیسم بسوی دیگری معطوف دارد .

امپریالیسم از آنجا نیکه در عرصه های مختلفه مبارزه اجتماعی موا جبهه شکست های مر گباری گردیده وبه عقب نشینی های

در قبال جنبش نجات بخشس خلقهای زحمتکش خود امریکا مجبور میگردد، اکنون که امپریالیسم در حالت نزع است ، با وجود آنهم تلاشهای مذموب خانه ای راسر می دهد، اینجا و آنجا وهر گوشه وکنار مختلف جهان دست به کود تا های ارتجاعی وضد انقلابی زده ودر صدد آن بر آمده تا حکومت دست نشاند وگوش بفرمان خو یشرا بقدرت رساند ، با فر ستادن نمایندگان و دست پرور دگان وغلامان حلقه بگوش خو یش در آرزوی پوچ وخام ایجاد مو انع در قبال مسیر پیروزنده پرو سه انقلابی بر آمده و باجا دان نمایندگان سر سپرده وسو گند خورده خو یش در صدد آنست تا حکومت ملی و دمو کراتیک ، حکومت خلقی وهر دمی را که جد ید در این کشور ها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویشرا امپریالیسم امریکا از جمله درافلا نستان انقلابی با خود بگوربرد .

ارتجاع جها نی به سر دمدا ری امپریالیسم ایالات متحده ایسن واقعیت سر سخت را نمی خوا همد بپذیرد که او ومخر بینش در جهان محکوم به شکست اند ودر هیچ عرصه زندگی اجتماعی پرد بسا آنها نیست ، دوران وعصر ما، عصر فرو ریختن شمیرا زه امپریالیسم، عصر پیروزی های پی اندر پسعی خلقها ومو فقیتهای بیشمار جنبش طبقه کارگر در کشور های سرما-

یدا ری ، عصر رشد روز افزون نیرو های صلح وعدا لت اجتماعی و... در این دوران وعصر که عصر ترقی وتکا مل شگوفان وسر یع السیر جوا مع بشری وعصر انقلابات کارگری وآزادی بخش نام گرفته است ، چر یان حوادث وتعقیب پرو سه انقلابی جها نی خود می رساند که شکست استعمار یا ارتجاع وامپریالیسم امریکا نیست حتمی وقطعی وهیچقدرت ونیروی در عرصه مناسبات سیاسی جهان قادر نیست تا از این شکست وفنای حتمی جلو گیری نماید .

در اثر پیروزی های پی اندر پی پرو سه انقلابی جها نی وعقب نشینی ها وشکست های فاحشی که نصیب امپریالیسم وار تجاع جها نی گردیده ومیگردد پیش از پیش تو از قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح ، دمو کراسی وعدا لت اجتماعی تغییر نموده وهم چنان روز تارو زوبیش از پیش این توازن قوا بنفع متر قیت وجهان انسانیت تغییر خواهد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کاملا مستقل از ذهن وشعور آدمی تکیون می پذیرد ، جهان در مجموع وبشکل یک کل در تغییر وتجد ید دائمی است ، این پرو سه پیدایش ودانشی پدیده های نو و مرگ وفسای پدیده و فاکت قانون ذاتی وعینی تکامل است .

از جمله فعالیت های خرابکار امپریالیسم امریکا یکی هم عدم شرکت وتحریم با زیمهای امپریالیست در مسکو است ، این مشکل امریکا بخودی خو دشانه شکست وبه اصطلاح احتجاج امریکا برضد

اينهمه شکست وعدم مو فقیته وبه اصطلاح واعتراض (!) بر ضد پیر وزی های پی اندر پی متر قیت وبر ضد پیروزی های شگرف جهان دموکرات وبر ضد تغییر قوا بنفع نیرو های صلحدو ست ومتر قی وبه نقض نیرو های امریمنی جنگ طلب می باشد .

اگر نیرو های تجا وزگر وجنگ طلب ، نیرو های امریمنی وشیطان صفت وسایر متحدین پنهانی و آشکارا شس بخوا همد یا نخوا همد مرگ حتمی وقطعی امر حتمی آینده آنها را میسازد واز این مرگ وفنای حتمی نمیتوانند فریز نمایند . کنون خلقهای میلیونی وتوده های زحمتکش جهان با نیروی ده

چندان وبا عظمت وبا بهت بسا بقه و همراه با متحدین وفادار خو یش بر ضد نیرو های امپریالیستی همچنان می رزمند ودر این رزمگاه پیروزی قطعی وحتمی همراه با این خلقهای ستمدیده زحمتکش بوده دشمنان نش وهر آنکسیکه بر ضدا زاده رزمنده توده های ستمدیده زحمتکش قرار گیرد مرگ وفنای آن حتمی است .

بیا نید با نیروی اتحاد وهمبستگی بر ضد امپریالیسم جها نی ودر را س آن بر ضد امپریالیسم امریکا مجاهدت پیگیر نماییم وافتخارات بزرگی را برای ما در وطن کمایی نموده وزندگی شرافتمندانه وآبرو مندانه ای را برای خلقهای زحمتکش وطن خو یشی افغانستان عزیز سازمان بخشیم پیروزی از آن ما ست ، از آن خلقهای ستمدیده وزحمتکش افغانستان عزیز است

دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشد. تأثیر از دیاد کاربن دای اکساید بالای اقلیم چیست؟ اگر چه اسناد تاریخی عینی بر اینکه کاربن دای اکساید باعث گرمی آتومو سفیر زمین میگردد موجود نیست اما ساینس دانان معتقدند که گرمی آتومو سفیر زمین در سال ۲۵۰۰ به اندازه گرمی آن در ۴۰۰۰ سال قبل خواهد بود که در آن زمان قسمت های وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد باران های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه گیری نموده اند که در سال ۲۰۰۰ درجه حرارت زمین به اندازه ۴ درجه سانتیگراد بلند تر گردیده که در این صورت یخ بند های بحر منجمد شمالی ذوب گردیده و برای نخستین بار به از میلیون ها سال در آن آب بوجود خواهد آمد البته سطح آب بلند نخواهد گردید ولی ذوب این یسختندان باعث

تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میگردد که در نتیجه آن خشکسالی در مناطق گرمتر رخ خواهد داد . آیا میتوان از گرم شدن آتومو سفیر جلو گیری نمود؟ تعداد کثیر اقلیم شناسان تو چه جدی متخصصین مربوطه برای دریافت منابع جدید انرژی جلب می نمایند . البته به مشکل میتوان حکومت را بدون داشتن شواهد واسناد معتبر مبتی بر خطر گرم شدن آتومو سفیر زمین ومشکلات حاصله از آن قانع ساخت اما انتظار کشیدن چنین زمانی ووقوع این خطر خبر از دست دادن فرصت وتحمل مشقات حاصله از آن تو قع چیزی دیگری نمیتواند از آن تو قع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی دقیق اوضاع جوی وانکشاف تکنالوژی جدید توله انرژی جهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .

پیش گوئی

منظم تعقیب ننموده بلکه بعضاً دوا بر بود آن از ۵۰ تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در پسر گرفته است .

با وجود تمام این تحولات علت سردی قسمت های وسیع کره زمین که ۲۳۰۰ سال دوا نموده آفتاب نبوده بلکه تغییرات جزئی فر مدار زمین بوده که باعث دور شدن سیارات از آفتاب و با نتیجه سبب کاهش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است .

لذا آنها کاربن دای اکساید ، بلکه کاربن کلورو فلور وتایئروس اکساید تا نیر مشا به در گرم ساختن زمین دارد

حتی ذرات گرد و خاک حاصله صنعتی که چند سال قبل بحیث منبع سردی آتومو سفیر بشمار میرفت فعلاً منحصراً منبع مهم تسخین کره زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دای اکساید بوده و محتویات آن به سرعت رو به افزایش میباشد . متخصصین دریافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سال ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصصه در فی میلیون به ۳۱۲ تا ۳۳۰ حصصه در فی میلیون رسیده و به ۵۰۰ حصصه در فی میلیون در سال ۲۰۰۰ و دو چند آن در سال ۲۰۰۰ خواهد رسید .

تقلیل جنگلات :

تقریباً نصف اندازه کاربن دای اکساید موجوده توسط ایتار و جنگلات جذب گردیده و نصف دیگر آن در سطح زمین باقی میماند . قطع اشجار و جنگلات علت

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان از چندین بدین طرف جهت اشتراک نمودن ورزشکاران افغانی در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ که در تابستان سال آینده در کشور دوست و همسایه بزرگ مائتحد شوروی برگزار می گردد به یک سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخابی بوکسنگرها در چمنایوم پولی تخنیک کابل با شرکت یکمده ورزشکاران تازه وارد و کمیته کاران آن دایر نمود . مسابقات مطابق به قوانین و مقررات پیش برده شد شرکت کنندگان از وزن ۴۸ کیلو کرام به بالا رویاوری هم قرار گرفته و برای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته ای رامرکب از ورزشکاران سابقه دار و اشخاص چیز قیم موفت نمود تا استعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب را بررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرتبه با در نظر داشت برتسب طرح شده طوری بود که هر یک آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند و این هید و بازید های مدعیان تیم منتخب با حضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات تیک و گرم شان پیش برده شد . درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های برانزده و شناخته شده یی این ورزش در بین ورزش دوستان بوکس چهره های تازه کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یک رویداد توجه بیشمار ورزش پکس رابه خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالا بلو دو دیداری درین مسابقات چنان درخشید مثل که سالهای درازی رادرچنین مسابقات با حریفان مصاف نموده باشد و هکذا فرید احمد از تیم تعلیم و تربیه که شناخت چندان زیاد در بین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش در ین مسابقات بادرخشش عالی و چشمگیر خویش لا بت بکند که از استعداد خوب و قابل انکشاف درین ورزش برخوردار می باشد تا میرده دوبارو حریف خوب

و شناخته شده اش را با حلات سریع مشت های کوبنده از یاد آوردد دیداری نخست محمد کبیر از کلب عزیزوکیلی رادر دیدار دوم سید ظهیرالدین از کلب باغ بالا راطی سه روند توانست مغلوب خود کند .

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب طی این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخابی اسپارتنکیاد مسکو که چند ماه قبل بود ودر آن مسابقات مغلوب یکی از حریفان گسردید این بار توانست

راهش رابه تیم منتخب باز کند . همچنان عزیزالله عزیزلی چهره شناخته شده فیضی این مسابقات توانست با ملاحظه به مسکتنش در مسابقات انتخابی اسپارتنکیاد مسکو با پیروزی اش در دو سابقه راه خویش رابه تیم منتخب باز کند . عزیزلی طی دو سابقه که انجام داده عبدالسمیع از کلب باغ بالا را با چند حمله سری حسابی و مشت های کوبنده در روند اول ناک اوت نمود . وریفش که تعادل خود را از دست داده بود توانست در روند های دوم و سوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

و همچنان عزیزلی در دیدار بعدی خود محمدانور از کلب یاران صدیق راطی سه روند با کسب امتیازات قابل ملاحظه توانست برحریف پیروز گردد .

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که باهم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری ، محمدحلیب محمدعارف ورستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در مسکو اختضارات بالا رفته کپ های قهرمانی را اختارانه در یافت نمودند که این پیروزی بی چون و چیرای آنها از طرف تماشاگران با گرمی خاصی استقبال گردید . وقراریکه جدول نتایج انتخابی بکس نشان داد :

دروژن ۴۸ کیلو گرام :
- سیدالدین از کلب آریانا حایز مقام اول .
- سیدولی از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
در وزن ۵۱ کیلو گرام :
- نثار احمد از کلب عزیزلی حایز مقام اول .
- سید محمد حسن از کلب کارمند حایز مقام دوم .
در وزن ۵۴ کیلو گرام :
- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام اول .
- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
- محمد نعیم از کلب عزیزوکیلی حایز مقام سوم .
در وزن ۵۷ کیلو گرام :
- غلام ربانی از کلب آریانا حایز مقام اول .
- محمد هارون از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
دروژن ۶۰ کیلو گرام :
- فیض محمد کارمند از کلب کارمند حایز مقام اول .
- شهاب الدین از کلب آریانا حایز مقام دوم .
- عبدالجلیل از کلب باغ بالا حایز

مقام سوم .
در وزن ۶۳ کیلو گرام :
- صلاح الدین از کلب خراسان حایز مقام اول .
- محمد حسن از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
در وزن ۶۷ کیلو گرام :
- عزیز احمد اختری از کلب اختری حایز مقام اول .
در وزن ۷۰ کیلو گرام :
- عزیز الله عزیزلی از کلب عزیزلی حایز مقام اول .
- محمد انور از کلب یاران صدیق حایز مقام دوم .
در وزن ۷۵ کیلو گرام :
- عبدالحمید از کلب نساجی افغان حایز مقام اول .
در وزن ۸۰ کیلو گرام :
- فرید احمد از تعلیم و تربیه حایز مقام اول .
- سید ظهیر الدین از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
- محمد کبیر از کلب عزیزوکیلی حایز مقام سوم .
در وزن ۸۰ کیلو گرام به بالا :
- محمد عارف از کلب آریانا حایز مقام اول .

مرحله نوین ...

بقیه صفحه ۷

دولت وزعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه و بطور می تواند برای آرامی مردم افغانستان کسه سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند واز حق گذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است . به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی واسترداد جایداد های مردم که به نا حق از یکمده وطن پرستان مابه زور و جبر گرفته شده بود از کار های مهم و با ارزش دولت ماست .

آزادگذاشتن مردم به مناسک مذهبی شان از کارهای دیگر دولت ملی و دموکراتیک ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکمده همکاران دیگر فوضیه امیری نمود که آنها حرف های همکار شان را تایید مینارند . ودر ضمن با یکمده گفتند که آزادی کسه بزرگترین لغت خداوندی است و هر کس حق دارد آزاد زیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دولت ما به بهترین شکل برای مردم مافاده شد و حقوق فردی واجتماعی مردم مخصوصا زنان به بهترین وجهی حمایت میگردد .

*** از جوانی به اسم محمد امان هر بسازه مرحله نوین تکامل انقلاب ثور برسیدم ، از عدالت می ترسیدند .**

بقیه صفحه ۸

بخاطر یک...

بازی بررسی طبی اطفال و مادران میباشند در اتحاد جماهیر شوروی برای آن دوکتورا- نیکه در رشته امراض طفل تخصص حاصل میدارند ، انستیتوت های کامالمدرن و مجهز با وسایل طبی آماده و همه ساله عده بیشتر از دوکتوران جوان شامل این انستیتوت ها گردیده بعدا سید فراغت وادست می آورند و در مرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند .

مردم کشور ما سال بین المللی طفل رابه معنی واقعی آن برگزار نمودند ، و تمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خود تسوجه است . و به همین اساس است که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح و امنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه و پرورش اطفال ممد و موثر است و اطفال نیز ضرورت شنید به امر صلح داوند .



سلام به همکاران و خوانندگان عزیز!

بعد از دعای سلامتی به حق شما، از اینکه به جاگویی نامه های شما موفق نشدید، پوزش می‌خواهم، اشاره شود که چندی قبل جوابیه‌ی از محترم پوهاند محمد فاضل به عبدالمجید ایشی جواب در باب مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نگاشته شده که در همین صفحه جواب به نامه‌ها به نشر رسید. حال محترم دادعلی نیرو به دنبال برخورد فکری آن دو دوست ناآشنا مقاله نگاشته است که ذیلا می‌خوانید؛

اخیراً در شماره (۴۶) مجله وزین روندون، در صفحه اختصاصی «جواب نامه های شما» جوابیه‌ی به نشر رسیده بود که نویسنده محترم آن، ضمن رد ایراد یک قبلا بروی وارد آمده بوده است، به این اصل نیز تاکید ورزیده است که گو یا انقلاب علمی و فنی زاییده ذهن مخترعین و کاشفین می‌باشد و آن نویسنده محترم باورمند می‌باشد که این انقلاب در قدم اول محصول ذهن و دماغ مخترعین، و در قدم دوم برای رفع مشکلات بشر است و جهت تأمین سعادت آنها است. چون نویسنده، در نقش فکر غلو ورزیده و عوامل اصلی و عینی انقلاب ساینس و تکنولوژی را نیز از نظر بعید افکنده است، لذا لازمی به نظر می‌رسد تا درین خصوص اندکی مکت کنیم.

در روند پویشگر زمان، هر تحول رویدادیکه بظهور می‌رسد برپایه عملکرد قوانین عینی تکاملی بدیده‌ها صورت می‌گیرد، بویژه انقلابات اجتماعی و پیشرفت‌های جهش‌مند علمی و تکنولوژیکی که در عصر ما آهنگ پرطنین و شتاب‌بند آنها در سراسر کره‌ارض متوج

می‌باشد، تصادفی نبوده و محصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی و ساینسیست نیست. همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارنده این سطور از نقش افکار رجل سیاسی و محققین علوم طبیعی انکار کرده و چشم‌پوشی نمی‌کند، بلکه قصد آنست که باید در زمینه‌ها، بالاخص در زمینه‌تکامل سبب منطقی بین نقش افکار و اختراعات از یک طرف و بین قوانین تکاملی جامعه و درمینیزم زمان از طرف دیگر مدنظر باشد.

پژوهش‌های تاریخی و روشنگر آنست که سطح رشد نیروهای مولده، در هر فرما سیون اقتصادی و اجتماعی، شاخص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده بروفق اقتضات مادی و معنوی همان فرما سیون تکامل می‌کند. از جانب دیگر عامل تکامل نیروهای مولده فکر نیست، گرچه انسان جزو فعال و خلاق نیروهای مولده را تشکیل می‌دهد، اما فکر خود در پروسه تولید و نعمات مادی جامعه تغییر و تحول یافته و تکامل می‌کند. زیرا منشأ بروز و عامل تکامل دهنده فکر، کار و بویژه کار تولیدی می‌باشد. بدین مفهوم که انسان به‌مثابه موجود زیست‌مند ضرورت به بقای خود دارد، این امر اولتر از همه مقتضی حواجج اولیه و ضروری نظیر خوراک، پوشاک و سرپناه می‌باشد.

در حالیکه حواجج مادی تنها در پرتو کار و فعالیت‌های تولیدی و خلاق انسان می‌تواند میسر آید بهمین متوال می‌دانیم که کار بدون ابزار کار صورت گرفته نمی‌تواند، اینجاست که انسان جهت تهیه حواجج اولیه خود به کار و تولید و وسایل تولید نیاز مند می‌باشد

معهدا در شیوه‌ای جاد و تهیه وسایل تولید و امر بکار بستن در پراپیک تولیدی انسان می‌می‌خواهد به سطح حواجج را ارتقا دهد. این امر وقتی تحقق می‌یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی در جریان چنین عملیه‌ها، انسان نیز خود را از لحاظ ساخت ذهنی و جسمی تغییر می‌دهد.

در اینجا باید تذکار داد که اگر فکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم ویا ورنه آن باشیم که فکر عامل و مظهر همه انقلابات درجا می‌باشد، دچار اشتباه جدی شده ایم زیرا این تغییر و تحول شیوه تولید و در کلیت آن تغییر و تحول جامعه است که افکار انسان را تغییر می‌دهد. غنا می‌بخشد و همواره در آستانه تکامل قرار می‌دهد. اینکه بعد از پاد یان دوره قرون وسطی در غرب در زمینه علم و تکنولوژی جهش‌های شگرفی بوقوع پیوست یک رویداد تصادفی نبود و زاییده ذهن و دماغ این ویا آن مخترع و کاشف و محقق نیست، زیرا در غرب زمانیکه ارکان نظامات کهن فیو دالیزم قرون وسطایی در برابر رشد و جوان لان نیروهای نوین اقتصادی کپیتالیزم از هم فرو پاشید و محمول‌های عینی و شرایط مادی و ذهنی را برای رشد و گسترش محیر العقول علم و تکنولوژی فراهم گردانید، همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجعت تحقیقات علمی و اختراعات مساعد ساخت یعنی در هر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد و جوان نیروهای مولده توسعه می‌یابد.

اما زمانیکه با انقلابات بورژوازی نظامات مند رس قرون وسطایی در غرب درهم شکستند، باید تولید نیز سریع می‌شد، وسایل تولید کارگاه‌ها، موسسات علمی و تکنیکی بمیان می‌آمدند و پیوسته گسترش می‌یافت بدین مفهوم که بورژوازی مقتضی ایجاد توسعه صنایع می‌باشد در حالیکه ایجاد و توسعه صنایع بدون ماشین و تحقیقات علمی امکان ندارد.

چون همزمان با نضج و تکوین سیستم‌های اقتصادی کپیتالیزم در غرب در مراکز شهری، کارگران تجمع یافتند کارگاه‌ها ایجاد گردید و ضرورت افزایش تولید جدا محسوس گردیده و بدین

ترتیب احتیاجات مادی در پروسه تولید و در امر افزایش محصولات تولید موجب گردید که مینس تحقیقات علمی، اختراعات و اکتشافات بسط و انکشاف یابد «درین عصر (قرن ۱۹) برای کثرت جمعیت و تمرکز آنها در شهرها و احتیاج به تولید زیادتر و کاملاً تر و نوس و پیشرفت تحقیقات علمی شروع میشود، زیرا سر و صورت دادن پیشه و هنر کارگاه‌ها و تولیدات کشا و رزی و صنعتی احتیاج به مطالعات دقیق درباره مزروع، محمولات خام، نباتات و از دیارندمان کار و غیره... دارد»

اختراعات و اکتشافات که در توسعه علم و تکنولوژی در سده نزد هم تحول شگرف و جرحش کیفی رونما ساخت و با وجودیکه در عصر تحقیقات علمی علما و نوابغ بظهور پیوست در قدم اول مرهون رشد شیوه تولید و تقاضای زمان در ساینس و تکنولوژی را که در عصر مابدان عنوان انقلاب علمی-فنی داده اند محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی و رجال علمی قادراند مظهر انقلابات اجتماعی و علمی-فنی گردند و محققیت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات و اکتشافات و در نتیجه انقلاب صنعتی در جامعه بورژوازی صورت گرفت که ناشی از ضرورت عینی و تاریخی این جامعه بود طوریکه یکی از اندیشمندان پرولتریا می‌گفت:

«اگر بعد از اینکه شب تاریک قرون وسطی خاتمه یافت، علوم دفعاتاً نیرویی که خواب آن‌هم بدیده نمی‌شد بمیان آمد، با سرعت معجزه آسا تکامل می‌کرد، یکبار دیگر این معجزه را مرهون تولید می‌دانیم، روی فرض اگر انقلاب علمی و فنی راد قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ و محققین بدانیم، بدیده این پرسش پاسخ بدیم که چرا این انقلاب در خصوص علم و تکنولوژی در دهلیزهای صامت و تاریک قرون وسطی بظهور نه پیوست ویا چرا ماشین در فرما سیون اقتصادی اجتماعی جامعه بردگی نمایان نگردید؟ اگر جواب این پرسش‌ها بگویم که چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود ویا ذهن علما قدرت اختراع و کشف را نداشت،

تحولات، وسایل علمی و فنی تنها و محض و آنهم در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما، نوابع و محققین باشد.

و قتی که جای ما نو فاکتور را، صنایع بزرگ ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقا و یادر قدم اول زاییده ذهن و دماغ انسان بدانیم از تکامل قانونمند نیروها میمولده و از رشد و گسترش قانونمند زمان و زندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا ما نو فاکتور از آن جهت جای خود را به صنایع بزرگ ماشینی داد که ضرورت تولید سرما پداری ایجاد میکرد چنانچه این مطالب را پیشوایان پرولتاریا در سده نهم چنین ارزیابی میکنند... اما بازارها پیوسته گسترده تر و تقاضاها دمی دم فزونیتر میشود اینک ما نو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضاها را پاسخ گوید. آنگاه بخار و ماشین در صنعت انقلاب ایجاد کردند جای ما نو فاکتور را صنایع بزرگ امروزی گرفتند در نتیجه باید گفت که انقلاب علمی و فنی در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابع نیست، بلکه محصول پروسه تولید بورژوازی و ناشی از ضرورت مادی و معنوی این جامعه و بالاخره زاییده زمان معین میباشند که در آن اندیشه و تفکر و تحقیقات علمی نقش ثانوی را حل یز میباشند نه درجه اول را.

تکامل این را در تفکر آدمیان نیست بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی را حل یز میباشند درجه یان مبارزه طبقاتی کارگران بود که بورژوازی به عقب نشینی موا جبه گردیده و در تکامل ابزار تولید و توسعه کارگاه ها و صنایع ماشینی پرداخته اند «نقر بی تمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است... بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است»

در اینجا با وصف مطالب پیشین چند مثال می آوریم مثلاً فکر کنیم که طرح ساختن سر پناه برای اولین بار چگونه شکل گرفت. آیا طرح ساختن خانه در قدم اول محصول فکر بود یا انعکاسی از احتیاج انسان که باید در زمهره خوراک و پوشاک این تامصون بماند بهمین ترتیب آیا بعد از بیدایش طرح داشتن یک سر پناه انسان قادر بود که مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید؟

مسئله جواب منفی است زیرا در - قسم اول طرح ساختن سر پناه نه محصول ذهن و فکر، بلکه زاییده احتیاج مادی انسان بود بهمین شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که در قدم اول احتیاج مادی و در قدم دوم پراتیک است که در پیدایش و تکامل فکر کمک بهم میرساند. اما باید تاکید کرد که این سخن مفهوم آن را ندارد که ما از نقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکر به نو به خود نیز در تسریع و بهبود پراتیک نقش ایفا میکند. در مثال دوم باید گفت که اختراع و کشف تمام ماشین و وسایل تکنیکی کنونی در قدم اول محصول احتیاج به این ماشین و وسایل میباشد که مخترع و کاشف را به تحقیق و پژوهش وامیدارد. مثلاً اگر موجودیت اجزای مانع حمل و نقل نمیگردید اصلاً ساختن کشتی مطرح نمی شد ولی اینکه طرح ساختن کشتی در افکار انسان راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام بعمل آمد نمیتوان آن را در قدم اول محصول ذهن و دماغ بشر بداند. نیم، البته در اینجا تاکید بر «قدم اول» است زیرا فکر در ساختن کشتی نقش موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که همه انقلابات

در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا، جیو لوژی، فزیک بیولوژی و غیره امکان نداشت به تغییر دیگر احتیاج به تولید وسیع و رشد محصولات تولیدی پایه های ضروری تکامل علوم و تکنولوژی را می سازد «احتیاج به تولید زیاد تر، منجر به توسعه و تکامل علوم نظیر مکانیک فزیک، کیمیا، هیست و غیره میشود و احتیاج شدیدی به پیشرفت های صنعتی، یعنی ضرورت بکار بردن ابزار و وسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان درین ساحه از فزیک شاهد پیشرفت های زیاد تری باشند»

در عصر ما، این عقیده که انقلاب علمی و فنی محصول ذهن و دماغ علما و نوابع میباشد باین نظر که زنده گان رجال زورمند سیاسی شخصیت های بزرگ، سلاطین و امرا را سازنده تاریخ می دانند هم ساز بوده و از لحاظ مبانی فکری و طبقاتی همگون اند که بیشتر نمایندگان ارتجاع و امپریا لیزم بدان باور دارد مثلاً همانطوریکه در نظر نخست از نقش توده ها و از پراتیک انکار بعمل میاید به همان نحو در نظر دوم نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد. اگر بگویم که چند نابغه عالم و ساینست نیز پراتیک انجام میدهند، تفکر و تقلد بخرچ می دهند و در فرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد از یک جهت درست به نظر میرسد، اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیک دارای خصلت اجتماعی است پراتیک فعالیت این یا آن شخصیت اجتماعی نیست بلکه فعالیت آن توده های مردم فعالیت تمام زحمت کشان است» درست است که اختراعات و کشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما علماً و نوابغ در رشته های مختلف به تحقیقات و امیداردان احتیاج به تولید بهتر و بالاخره احتیاج به بهتر ساختن و میل زندگی میباشند.

چون پراتیک مبدا معرفت و عامل است اما باید گفت که پراتیک اشکال متنوع دارد که هر یک در امر رشد و تکامل فکر و در امر توسعه علم و تکنالوژی اثر می اندازند مثلاً عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مندی مادی موجب

متعاً قیاس سوال دیگری مطرح میشود که پس عوامل رشد و تکامل فکر چیست؟ نظیر این سوالات زیاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان و اقتضای شیوه تولید سرما پداری بود که در گرونی های شگرفی در ساحه علم و تکنیک رونما گردانید چنانچه «همزمان با تولید کپیتالیستی عامل ساینستیک با راول اگاهانه به پیمانه بی تکامل کرد، تطبیق گردید و بوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت»

از آنجا که فکر در جریان تغییر و تحول شیوه تولید نعمات مادی و در کلیت امر در پروسه زمان و زندگی اجتماعی شکل میگیرد، تحول می یابد و تکامل میکند لذا همه انقلابات، خاصتاً انقلاب علمی و فنی در قدم اول زاییده ذهن و دماغ علما و نوابع نه، بلکه در قدم اول محصول پراتیک تولیدی و بازتابی از ضرورت های عینی زمان میباشد این پراتیک است که تفکر و اندیشه و در مجموع معرفت آدمیان را بوجود آورده و تکامل می بخشد «معرفت خود بر اساس پراتیک و بطور عمده بر اثر تولید مادی پیدا شده است، انسان از همان گام های نخستین موجودیت خود مجبور بود کار کند و وسایل زندگی خود را بدست آورد. او در جریان کار و زحمت با نیروهای طبیعت بر خورد کرد و به تدریج به آنها معرفت یافت. تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر و بیشتری را طلب میکرد. از همان قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین، شمارش افراد کار و محصولات تولید شده پدید آمد. در نتیجه این امر نقطه های معلومات ریاضی بسته شد انسان خانه ساخت جاده و پل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده و غیره برای اینها همه دانستن قوانین مکانیک لازم بود بدین ترتیب تحت تأثیر احتیاجات پراتیک استعداد معرفتی انسان رشد یافت علوم پدید آمدند اساس پیدایش علوم اجتماعی نیز پراتیک است»

در جریان رشد نظام کپیتالیزم تحولات و انکشاف میخانیک و ریاضی و علوم دیگر با ارتباط ضرورت های رشد پروسه تولید حمل و نقل، کشتی رانی، تجارت و صنایع ماشینی بمیان آمد و تکامل کرد بهمین نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه
معاون: محمد زمان نیکرای
امرا چاپ: علی محمد عثمان زاده
مبتم: نوریه
اورس: انصاری و ات
مقابل ریاست مطبع دولتی
تلفون دفتر: ۶۸۴۹

دولتی مطبعه

والمطبخ طبع
في
كتاب
كتاب پرلپی نمبر

